

جزئیات اعطای درجه هنری به اهل قلم

کتابخانه

شنبه ۵ مرداد ۱۳۸۷
۲۳ رجب ۱۴۲۹، ۲۶ جولای ۲۰۰۸
شماره ۱۴۱، پیاپی ۷۹۲
۲۴ صفحه، ۲۰۰ تومان

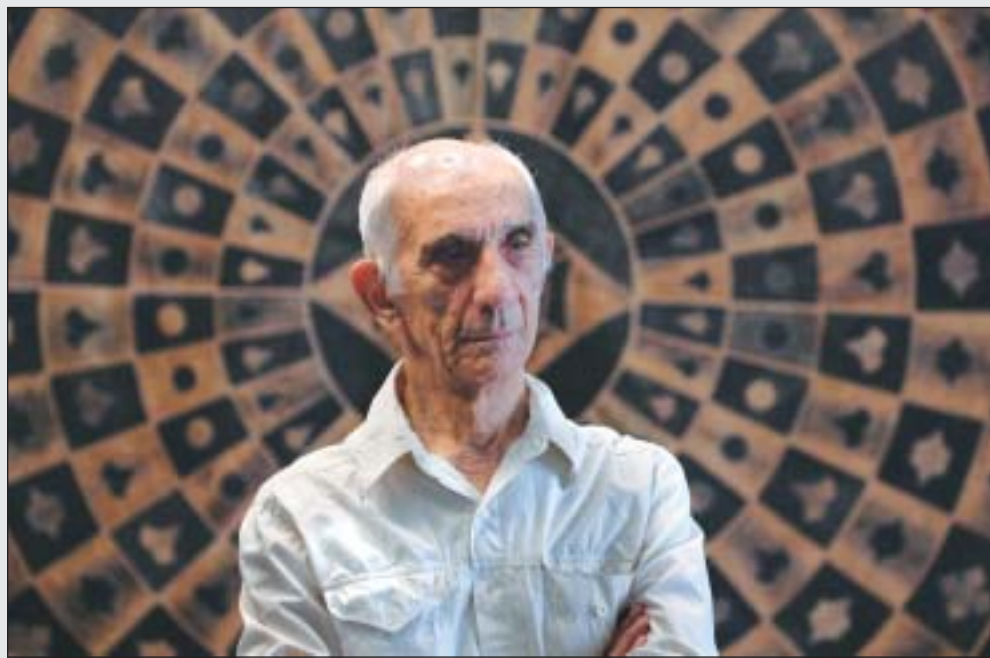
ISSN:1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
سردبیر: پدram پاک آیین
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۱۰، طبقه چهارم
تلفن: ۴-۶۶۹۶۱۵۱-۶۶۹۶۱۵۱
سازمان آگهی ها: ۲۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: ایرانچاپ

www.ketabehafteh.ir

راه اندازی بنیاد دکتر معین

در مراسم بزرگداشت محمد معین که دوشنبه گذشته در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد، بار دیگر از چاپ های نامناسب "فرهنگ معین" انتقاد و بر راه اندازی بنیادی به نام این استاد زبان و ادبیات فارسی تأکید شد. محمدحسن اصغر نیا، مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این مراسم گفت: این پیشنهاد را چندی پیش در آرامگاه استاد معین مطرح کردم که بنیادی به نام "بنیاد دکتر معین" درست کنیم که بعد از گذشت ۳۰ سال از درگذشت او، ناشران فرهنگ معین را به صورت یک جلدی، دو جلدی، سه جلدی و چهار جلدی با طرح های مختلف منتشر نکنند. این طبیعی است که فرهنگ یک جلدی معین، فرهنگ شش جلدی نیست...



پای صحبت دکتر محمود عبادیان به انگیزه انتشار «درآمدی بر ادبیات معاصر ایران»

ادبیات فارسی از دیروز تا فردا

است. عبادیان درباره آثاری که طی سال های اخیر نوشته است می گوید: حدود ده سالی در گروه ادبیات و زبان فارسی دانشگاه علامه طباطبایی تدریس می کردم و مطابق سنتی که در دانشگاه های اروپا رایج است و ما در دوران تحصیل آموخته بودیم، به تحقیق و پژوهش مشغول شدم. در نتیجه سلسله آثاری مانند تکوین غزل و نقش سعدی به مناسبت بزرگداشت سعدی در شیراز نهمین و منتشر کردم. وقتی در سال ۱۳۶۷ بزرگداشت حافظ مطرح شد، باز هم کتابی تحت عنوان آنچه خوبان همه دارند تألیف کردم و به این کنگره ارائه دادم. برای کنگره هزاره فردوسی هم اثری حدوداً چهارصد صفحه ای نوشتم که در حوزه ادبیات تطبیقی جای می گیرد.

درآمدی بر ادبیات معاصر ایران" عنوان کتابی به قلم دکتر محمود عبادیان است که چاپ اول آن حدود شانزده سال قبل منتشر شد. این کتاب که طی دو فصل گرایش های ادبی در عصر قاجار و درآمدی بر ادبیات معاصر ایران نام دارد، هفته گذشته توسط انتشارات مروارید تجدید چاپ شده است. دکتر عبادیان علاوه بر این، کتاب دیگری که سال ها پیش به مناسبت هزاره فردوسی و شاهنامه نوشته و منتشر کرده بود، تحت عنوان "حماسه سرایی و سنت نوآوری در شاهنامه" در دست چاپ مجدد دارد. دکتر عبادیان بیش از ۲۵ سال از عمرش را در غرب به تحصیل و تدریس در رشته ادبیات و فلسفه گذراند و آثار متعددی در این دو حوزه اعم از تألیف و ترجمه منتشر کرده

نگاهی به مجموعه ۱۰۰ قسمتی «دنیای کتاب»

تماشای کتاب پای تلویزیون

چند بار خوانده شدن را دارند. همچنین محدوده زمانی خاصی برای این آثار در نظر گرفته نشده برای مثال بعضی کتاب های مهدی آذریزدی، ۳۰ سال پیش منتشر شده اما هنوز خواندنی هستند. میرکیانی درباره داوران این برنامه ۱۰۰ قسمتی می گوید: "فرهاد حسن زاده و فهیمه کیوان کارشناسان و داوران این برنامه هستند که از مدت ها پیش، کار انتخاب کتاب ها را آغاز کرده اند و می کوشند تا بدون پیش داوری، تنها به انتخاب کتاب های خود بپردازند." حسن ذوالفقاری، مولف کتاب های درسی (ادبیات)، تهیه و تولید چنین برنامه ای را اقدامی خوب و مثبت می داند و معتقد است: انتخاب ۱۰۰ کتاب از میان این همه کتاب، کار بسیار دشواری است بنابراین ابتدا باید فهرستی از کتاب های برتر تهیه شود و از آن میان، عناوین محدودتری انتخاب شوند، پس از آن کارشناسان به گزینش های دقیق تر و تخصصی تری بپردازند و ۱۰۰ عنوان کتاب را برگزینند. وی انتخاب بی طرفانه را ملاک مهمی برای این برنامه می داند و می گوید: افراد مختلف با سلیقه ها و علایق گوناگون باید به داوری و انتخاب کتاب ها بپردازند و بدون این که به گذشته و حال مولف یا مترجم توجه کنند درباره آثارشان قضاوت کنند. اگرچه باید محدوده زمانی انتشار آثار را در نظر بگیرند و گرنه تعداد کتاب های خوبی که طی این سال منتشر شده بسیار زیاد و انتخاب آنها دشوار است. "ذوالفقاری به زبان این برنامه اشاره و بیان می کند: زبان این برنامه باید برای عموم مردم قابل فهم و قابل درک باشد و به گروه خاصی تعلق نگیرد،

مجموعه ۱۰۰ قسمتی "دنیای کتاب" با هدف آشنایی کودکان و نوجوانان با کتاب و کتابخوانی، همزمان با هفته کتاب از شبکه اول سیما پخش می شود. انتشار این خبر در شماره پیشین کتاب هفته، بهانه ای شد تا به گفت و گو با چند تن از نویسندگان و صاحب نظران در این زمینه پرداخته و نظر آنان را درباره چگونگی پرداختن به کتاب ها، انتخاب آن و ... جویا شویم. محمد میرکیانی مدیر گروه کودک و نوجوان شبکه اول سیما و طراح برنامه "۱۰۰ کتاب با اشاره به این که ۵۰ قسمت این برنامه به معرفی کتاب های کودک و ۵۰ قسمت به کتاب های نوجوان می پردازد می گوید: این برنامه در ۱۰۰ قسمت پنج دقیقه ای و در قالب پویانمایی به معرفی کتاب های خوب کودک و نوجوان به زبانی تازه، جذاب و درخور جایگاه والای کتاب می پردازد و با توجه به این که در پر بیننده ترین ساعت پخش می شود، امید می رود بتواند مخاطبان بسیاری را از میان گروه سنی کودک و نوجوان جذب کند. وی تولید برنامه "۱۰۰ کتاب را گامی جدید برای معرفی کتاب می داند و معتقد است: برنامه ای اینچنین برای نخستین بار تولید شده و از شبکه اول پخش می شود و با توجه به مخاطبان گسترده سیما می تواند کودکان و نوجوانان را به کتاب و کتابخوانی علاقه مند کند و با معرفی کتاب های خوب و خواندنی، میل به مطالعه را در آنها برانگیزد. میرکیانی، درباره چگونگی انتخاب کتاب های گامی گوید: کتاب هایی که معرفی می شوند به موضوعات عام کودک و نوجوان چون قصه های تخیلی، آثار ترجمه شده، بازنویسی ادبیات کهن و ... توجه کرده اند و قابلیت

اسطوره در قاب پژوهش

در چند ساله اخیر توجه به نگارش و ترجمه آثاری در باب اسطوره های جهان و مکتب های اسطوره شناسی رواج بسزایی گرفته است. مطالعه اسطوره در ایران پیشینه ای نزدیک به چند دهه دارد و از این میان می توان از پیشگامانی چون شادروان بهمنش، دکتر مهرداد بهار، استاد هاشم رضی و جلال ستاری که بحق در شناساندن اسطوره شناسی چون لیاذه، دمزیل و یونگ نقش مهمی داشتند، نام برد. در این میان دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور؛ متخصص فرهنگ و زبان های باستانی ایران با پژوهش بر اساطیر مانوی گام در این وادی نهاد. گرچه اسماعیل پور در حوزه ادبیات و اساطیر مانوی تخصص دارد اما به ترجمه و نگارش آثاری در حوزه اسطوره شناسی و اسطوره های ملل دیگر دست یازیده که حاصل آن چیزی نزدیک به بیست عنوان کتاب است. گفت و گوی پیش رو به انگیزه انتشار "دانشنامه اساطیر جهان" صورت گرفته است.

یادداشت

جلال ستاری

فرهنگ بر بنیاد اسطوره



اسطوره ها در وهله نخست در تعریف و توصیف آفرینش بوده اند، در این باره که چگونه درخت، انسان، خورشید و چیزهای دیگر پدید آمده اند. اما امروزه این بخش از اساطیر کمتر مورد توجه هستند و بخش زیادی از معنای خود را از دست داده اند. برای نمونه امروز دیگر کمتر کسی به دنبال اسطوره های استرالیایی می رود. این بخش از اساطیر به زمانی تعلق داشتند که بشر خود را در جهان پهناور، سرگشته و سراسیمه می دید و می خواست به جهان پیرامون خود معنا و مفهوم ببخشد. در حالی که با پیشرفت علم و عقلانیت، دیگر کمتر به این بخش از اساطیر توجه می شود. هر چند که حتی امروز، برای معبر ساختن کشفیات جدید گاه به ریشه های اساطیری آنها بازمی گردند برای مثال هنوز می بینیم از آپولون، سخن گفته می شود. یعنی هنوز هم برای بعضی کشفیات محیرالعقول به ذهن اسطوره پرداز متوسل می شویم. با این وصف اسطوره های آفرینش، موضوع همه اساطیر و ماندگارترین آنها نیستند. بلکه موضوع هایی هستند که هنوز ذهن بشر برای آنها پاسخ درست و دقیقی پیدا نکرده است. هنوز مرگ، جاودانگی و عشق، موضوعاتی هستند که ذهن بشر را درگیر خود می کند و برای آنها پاسخی قطعی نیافته است. اینها اسطوره هایی ماندگار و در عین حال کارسازند. برای نمونه می توان پرومته را اسطوره بنیادین فرهنگ غرب معرفی کرد و یا تراژدی ماندگار آشیل که تا کنون ده ها کتاب پیرامون آن نوشته شد.

کتاب، مقوله بسیار مهمی است. البته من به کارهای هنری و تصویری - تلویزیون، سینما، یا از این قبیل چیزها - خیلی اعتقاد دارم؛ اما کتاب نقش مخصوصی دارد. جای کتاب را هیچ چیزی پر نمی کند. کتاب را باید ترویج کرد. مردم باید به کتابخوانی عادت کنند و کتاب وارد زندگی بشود. چندی پیش من دیدم که همین تلویزیون با بعضی از جوانان مصاحبه کرده بود و پرسیده بود که آقا! شما کتاب می خوانید؟ پاسخ داده بودند که نه، اصلاً کتاب را جزو ضروریات زندگی نمی دانند.

اگر کسی اینجا نشسته باشد و در اتاق بغل دستش خبر و چیز تازه و حرف جدیدی باشد، کمتر کسی است که طاقت بیاورد اینجا بنشیند و بلند نشود سر بکشد و ببیند این اتاق بغلی چه خبر است. همه اطراف ما را خبرهای تازه پر کرده است؛ این قدر معلومات، این قدر معارف در همه زمینه ها؛ ما چطور حاضر نیستیم سرک بکشیم و نگاهی بکنیم و ببینیم چه خبر است و در این دنیای معارف چه می گذرد؟ راهش این است که کتاب بخوانیم. هر کس که کتاب بخواند، از بخشی از معارف موجود عالم، از خبرهایی که در دنیا هست، از چیزهایی که بوده است، حتی از آنچه که در همه زمینه ها خواهد بود مطلع خواهد شد؛ بنابراین بایستی کتابخوانی را برای خودمان عادت قرار بدهیم.

بیانات رهبر معظم انقلاب پس از ششمین نمایشگاه کتاب تهران ۱۳۷۲/۲/۲۱

برنامه های سرای اهل قلم

در ادامه برنامه های سرای دائمی اهل قلم، این هفته نیز چهار نشست در خانه کتاب برگزار می شود.

امروز در سرای اهل قلم از ساعت ۱۷ نشست نقد و بررسی مجموعه داستان زندگی مطابق خواسته تو پیش می رود برگزار می شود. در این نشست علاوه بر امیر حسین خورشید فر مولف کتاب، محمدرضا نظری، رضانجفی و دکتر احمد ابومحسوب نیز به سخنرانی می پردازند.

دومین نشست این هفته که از ساعت ۱۷/۳۰ امروز -شنبه- در سالن کنفرانس آغاز خواهد شد به نقد و بررسی کتاب تاتار در گذر زمان و اختصاص خواهد داشت. در این نشست دکتر ناظرزاده کرمانی و دکتر محمود عزیزی سخنرانی خواهند کرد.

آخرین برنامه سرای اهل قلم در این هفته نیز به سلسله نشست های نقد ترجمه با عنوان گفت و گو پیرامون ضرورت ترجمه های موازی و متوالی اختصاص خواهد داشت. این نشست روز دوشنبه از ساعت ۱۷ با حضور شهرام اقبال زاده، محبوبه نجف خانی و احسان عباسلو برگزار می شود.

محمدرضا عبدالملکیان خبر داد

مراسم افتتاحیه دوازدهمین دوره دفتر شعر جوان هفدهم مردادماه برگزار می شود.

مدیرعامل دفتر شعر جوان با اعلام این خبر گفت: دوره جدید دفتر شعر جوان، کار خود را از هفدهم مردادماه آغاز می کند، که مراسم افتتاحیه این دوره از ساعت ۱۷ تا ۲۰ همان روز در خانه شاعران ایران برگزار می شود. در این برنامه، علاوه بر اعضای هیأت امنای دفتر شعر جوان، اعضای دوازدهمین دوره دفتر شعر جوان حضور دارند و از شاعرانی دیگر نیز دعوت می شود، که اکنون قطعی نیست چه کسانی هستند. این شاعر با بیان این مطلب که این دوره ۱۵ ماه به طول می انجامد، اظهار کرد: ما برای اعضای تهرانی در محل خانه شاعران، جلسات هفتگی برگزار می کنیم و همچنین هر ماه، میهمان ماهی خواهیم داشت. از سویی نیز برای شاعران

جزئیات اعطای درجه هنری به اهل قلم



معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، درجات هنری نویسندگان و شاعران را معادل دیپلم تا دکتر اعلام کرد و گفت: این درجات هنری در وزارت علوم نیز معادل سازی شده است.

دکتر محسن پرویز در حاشیه بازدید از ششمین نمایشگاه کتاب چهارمحال و بختیاری در جمع خبرنگاران در ارتباط با درجه بندی هنری نویسندگان صاحب اثر در کشور گفت: با وجود اینکه در همه رشته های هنری به جز عرصه شعر و داستان درجه بندی وجود دارد، باره اندازی کمیته تخصصی مربوطه و تشکیل پرونده هایی برای نویسندگان، پرونده این افراد برای بررسی و درجه بندی در دستور کار قرار گرفته است.

دکتر پرویز افزود: این درجات هنری که در وزارت علوم نیز معادل سازی شده از یک تا پنج بوده و درجه یک آن معادل دکترا و درجه پنج معادل دیپلم است.

وی اضافه کرد: درجه هنری شامل کسانی می شود که در عرصه فرهنگ و ادب کشور تأثیر گذار بوده و صاحب آثاری تأثیر گذار باشند.

دکتر پرویز ادامه داد: علاوه بر موارد ذکر شده، برخی امتیازها مانند جوایز کتاب سال و دیگر جوایز معتبر کتاب، تأثیر گذاری هنرمند بر سایر هنرمندان، فعالیت های اجرایی در عرصه هنر و سایر فعالیت های مرتبط در درجه بندی هنری مدنظر قرار می گیرد.

معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: برخی نویسندگان که در نگارش کتابشان از ابتدا به ضوابط نشر توجهی

نکرده و برای دریافت مجوز با مشکل مواجه شده اند، همچنین افرادی که کتاب های غیرمجاز را در جرگه کتاب های در نوبت مجوز فرض کرده اند، با احتساب این موارد صف صدور مجوز کتاب را طولانی عنوان می کنند. دکتر پرویز تصریح کرد: کتابی که بدون اعتنا به ضوابط نشر در انتظار صدور مجوز است رانمی توان در زمره کتاب های در صف صدور مجوز دانست.

وی افزود: پس از دریافت شکایات و نامه نگاری و مراجعه چندتن از نویسندگان و اعتراض به اینکه پاسخی در ارتباط با صدور مجوز کتابشان نگرفته اند، پس از پیگیری های به عمل آمده مشخص شد آنها در حالی

اسامی دریافت کنندگان درجه هنری

معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در اطلاعیه ای اسامی ۲۸ نویسنده و شاعر دریافت کننده درجه هنری ۱ و ۲ را اعلام کرد.

در این اطلاعیه آمده است: پیرو درج خبری در برخی از رسانه های الکترونیک و مکتوب کشور در ارتباط با اسامی افرادی که درجه هنری خود را دریافت کرده اند، اطلاعات درج شده دقیق نیست.

به گزارش روابط عمومی معاونت فرهنگی وزارت ارشاد، نام یکی از نویسندگان و شاعران در آن فهرست آمده که هنوز مدارک خود را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحویل نداده و ممکن است نوعی اهانت به ایشان تلقی شود.

بر اساس اعلام روابط عمومی معاونت فرهنگی وزارت ارشاد، محمدرضا سرشار، محمد میرکیانی، فیروز زونوزی جلالی، محمود حاجی حکیمی، جعفر ابراهیمی نصر، علیرضا قزوه، افسانه شعبان نژاد، راضیه تجار، محمدرضا پایرامی، فریدون عموزاده خلیلی، امیر حسین فردی، حسین فتحی، محمدعلی مجاهدی، محمدجواد محبت، داریوش عابدی، ابراهیم حسن بیگی، مجید نجفی اقدم، پرویز بیگی حبیب آبادی، حمید هنرجو، حسین اسرافیلی، جمشید خانیان، فرهاد حسن زاده کمالی آبادی، عباسعلی باقری، سکینه اصطلان پور، تقی سلیمانی، رضا اسماعیلی، جواد نعیمی محروم نیا و فریبا کلهر ۲۸ نویسنده و شاعری هستند که درجه هنری ۱ و ۲ دریافت کرده اند. به نوشته روابط عمومی معاونت فرهنگی وزارت ارشاد، پرونده تعداد زیادی از داستان نویسان و شاعران نیز در نوبت بررسی است.

روابط عمومی معاونت فرهنگی وزارت ارشاد اعلام کرده ملاک و معیار بررسی مدارک این نویسندگان و شاعران را کمیته ارزشیابی هنرمندان و نویسندگان ارزیابی می کند.

کیفیت و کمیت آثار چاپ شده، جوایز رسمی اهدایی به آثار هنرمند و نویسنده، میزان تأثیر گذاری نویسنده بر جامعه ادبی و سایر هنرمندان، سنوات فعالیت های هنری مستمر و فعالیت های مرتبط با رشته هنری از جمله معیارهای وزارت ارشاد اعلام شده است.

معاونت فرهنگی وزارت ارشاد همچنین از نویسندگان و شاعران متقاضی دریافت درجه های هنری خواسته تا به منظور جلوگیری از تراکم کاری و تسریع در بررسی و ارزشیابی فعالیت این هنرمندان، نسبت به تحویل تدریجی مدارک خود اقدام کنند.

آغاز داوری کتاب سال شعر جوان

جوان شهرستانی برنامه هایی داریم و در پایان دوره، همزمان با برگزاری کنگره دوازدهمین دوره شعر جوان، گزیده ای از آثار شاعران دوره دوازدهم را در کتابی منتشر می کنیم. او تصریح کرد: اعضای این دوره از حدود یک هزار داوطلب از سراسر کشور انتخاب شده اند، که در نهایت به ۸۰ نفر رسیده اند.

عبدالملکیان که پیش تر گفته بود دومین دوره جایزه کتاب سال شعر جوان با یادبود قیصر امین پور برگزار می شود، تصریح کرد: تا دو هفته دیگر، مرحله نخست داوری آثار رسیده به دبیرخانه را آغاز می کنیم و سعی داریم در آبان ماه که مصادف است با سالگرد درگذشت قیصر امین پور و هفته کتاب، آثار برگزیده را در مراسمی معرفی کنیم. او همچنین از انتشار ۳۰ مجموعه شعر از شاعران جوان کشور توسط دفتر شعر جوان خبر داد.

مراجعه و اعتراض کرده اند که تکلیف کتابشان از مدت ها پیش مشخص و در واقع غیرمجاز اعلام شده بود. به گزارش فارس معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ارتباط با کتابخانه های دیجیتال نیز گفت: این موضوع در نهاد کتابخانه های عمومی در حال پیگیری است و نمونه هایی از این کتابخانه ها هم راه اندازی شده است.

پرویز اضافه کرد: گسترش این کتابخانه هاموضوعی است که در دستور کار نهاد کتابخانه های عمومی قرار گرفته و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم از آن حمایت می کند.

مشاور معاون فرهنگی وزارت ارشاد: درجات هنری، ارزش معنوی و امتیاز اداری دارند

به گفته مشاور معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعطای درجات هنری به شاعران و نویسندگان علاوه بر ارزشگذاری فرهنگی و امتیاز معنوی افزایش امتیاز اداری آنان را در پی دارد.

به دنبال اعلام اسامی ۲۸ نفر از شاعران و نویسندگان توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، حمیدقبادی، گفت: پرونده شاعران و نویسندگانی که به این وزارتخانه ارسال شده است، برای اعطای درجه هنری به طور منظم در جلسات هفتگی کمیته تخصصی معاونت فرهنگی این وزارتخانه مورد بررسی قرار می گیرند. وی با بیان این که برای اعلام تعداد نفرات برتر هیچ محدودیتی وجود ندارد، افزود:

تعداد قابل توجهی از پرونده های اهالی فرهنگ و هنر که واجد شرایط و معیارهای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشخیص داده شده اند، در دست بررسی اند که اسامی آنان به مرور اعلام خواهد شد. قبادی خاطر نشان کرد: این پرونده ها پس از

بررسی در کمیته تخصصی معاونت فرهنگی، به شورای وزارتخانه ارسال می شوند که پس از گذراندن مراحل بررسی نهایی و تصویب توسط متخصصان این شورا، اسامی نفرات برتر اعلام خواهد شد. وی یادآور شد: با توجه به زمان بر بودن تشکیل جلسات و بررسی پرونده ها، زمان قطعی اعلام اسامی بعدی هنوز مشخص نیست.

مشاور معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره کاربردی بودن درجات هنری اعطا شده گفت: این امتیازات که با تصویب دولت انجام می شود، دارای امتیاز اداری برای فرد دریافت کننده است به این معنا که فرد شاغل با احراز این امتیاز، از

افزایش رتبه و امتیاز در آن سازمان برخوردار خواهد شد. به گزارش ایبنا وی ادامه داد: مدارک درجه هنری برای احراز کنندگان فرستاده خواهد شد و در حال حاضر هیچ گونه مراسمی برای اهدای این درجات در نظر گرفته نشده است.

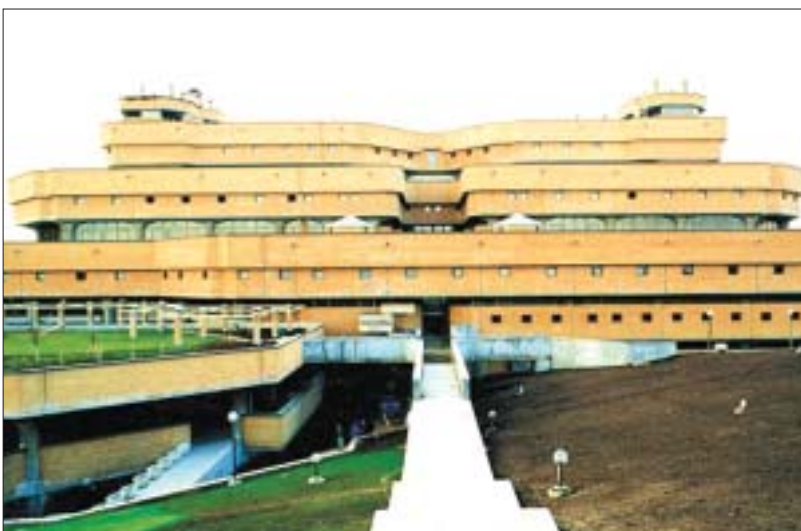
نویسندگان برای نابینایان کتاب می خوانند

رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی از به پایان رسیدن طرح حافظه ملی دیجیتال تا پایان سال جاری خبر داد.

علی اکبر اشعری با اعلام این خبر افزود: جهت گیری ما این است که تا آخر سال ۸۷، شرایط خوبی داشته باشیم. از یک طرف، طرح حافظه ملی دیجیتال راه اندازی می شود که کار مهمی است و از سوی دیگر نیز همکاران ما روی طرح جامع اسناد ملی کار می کنند، که اگر ایجاد شود، تحولی جدی در آرشیوهای کلیه نهادهای کشور ایجاد خواهد کرد. امیدواریم طرح حافظه ملی دیجیتال تا پایان سال جاری به پایان برسد. اما طرح جامع اسناد ملی نیازمند یک عزم ملی است و ضرورت دارد که در این باره هیأت دولت مصوبه ای را به تصویب رساند، که همه نهادها این طرح را همراهی کنند.

او در تشریح مزایای طرح جامع اسناد ملی یادآور شد: این طرح مزایای زیادی دارد. الآن وقتی عمر سندی در سازمان ها به پایان می رسد و می خواهند آن را به سازمان اسناد تحویل دهند، در شرایط مطلوبی نیست؛ در حالی که در این طرح، از همان ابتدا که سندی تولید می شود، کارهای نمایه سازی و فهرست نویسی آن انجام می شود و شیوه های نگه داری نیز به مراتب بهتر است.

اشعری همچنین با اشاره به تجهیز شدن تالار نسخ خطی به سیستم رایانه بی و افزایش سرعت جست و جو و دسترسی اعضا به نسخ خطی، تصریح



کرد: استفاده از سیستم رایانه ای برای جست و جوی نسخ را درباره ی نشریات قاجار به کار گرفته ایم. رئیس کتابخانه ملی همچنین با اعلام خبر راه اندازی سایت کودک و نوجوان به صورت آزمایشی، ابراز امیدواری کرد که با تجهیز بخش نابینایان و کم بینایان کتابخانه ملی، سایت نابینایان و کم بینایان نیز راه اندازی شود. او ادامه داد: در طراحی سایت لحظ شده است که متن گویا برای کاربران کم بینا و نابینا در دسترس

بنیاد دکتر معین راه اندازی می شود

در مراسم بزرگداشت محمد معین که دوشنبه گذشته در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد، بار دیگر از چاپ های نامناسب فرهنگ معین انتقاد و بر راه اندازی بنیادی به نام این استاد زبان و ادبیات فارسی تأکید شد.

محمدحسن اصغر نیا - مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی - در این مراسم گفت: این پیشنهاد را چندی پیش در آرمگاه استاد معین مطرح کردم که بنیادی به نام بنیاد دکتر معین درست کنیم که بعد از گذشت ۳۰ سال از درگذشت او، ناشران فرهنگ معین را به صورت یک جلدی، دو جلدی، سه جلدی و چهار جلدی با طرح های مختلف منتشر نکنند. این طبیعی است که فرهنگ یک جلدی معین، فرهنگ شش جلدی نیست و فرهنگ هایی که منتشر می شود، پر از اشتباه است، که این به نام دکتر معین ضربه می زند. فرهنگ شش جلدی را هم باید عینا چاپ کرد و انتشار آن به صورت یک جلدی و گونه های دیگر درست نیست.

اصغر نیا در عین حال با ارائه توضیحاتی درباره کتاب ستاره شمال که توسط وی درباره محمد معین گردآوری شده است، به شرح اسنادی که از محمد معین در این اثر آمده است، پرداخت و همچنین با برشمردن نام شاگردان این استاد زبان فارسی، اظهارات سیدجعفر شهیدی و نیما یوشیج را درباره معین بازگو کرد. مشاور وزیر ارشاد در پایان از معین به عنوان استاد علم، تقوا و فضیلت یاد کرد و همچنین از مهدی محقق خواست که با دعوت همسر معین، کتاب ستاره شمال را به وی تقدیم کند.

مهدی محقق - رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی - نیز حضور مردم را در چنین مراسمی، نشانه علم دوستی آنها دانست و افزود: معین از استادان برجسته دانشگاه تهران بود. بنده در نخستین سال ورود به دانشکده ادبیات، درس متون



نظم و نثر فارسی را با ایشان داشتم و روش تحقیق در متون فارسی را از ایشان آموختم. همچنین در تألیف یک مجموعه از کتاب های درسی با معین همکاری داشتم و بالاخره در همان دانشکده، اولین رساله دکتری را که برای راهنمایی پذیرفت، رساله من بود، که از این رساله در اردیبهشت سال ۱۳۳۸ دفاع کردم.

محقق با اشاره به این که استاد معین از کار و کوشش لذت می برد، در ادامه با ارائه توضیحاتی مختصر درباره فرهنگ معین و تلاش وی در تألیف این اثر، به همکاری معین با لغتنامه دهخدا اشاره کرد و افزود: در حقیقت، علامه دهخدا معین را امین خودش برای ادامه لغتنامه قرار داده است. افرادی که با معین همکاری می کردند، خاطره خوشی از این استاد دارند. وی بسیار جدی بود و از محبتش نسبت به همکاران دریغ نمی کرد؛ یعنی در عین حال که در کارش جدیت داشت، به همکارانش کمک می کرد.

سپس حسن انوری برهان قاطع را یکی از مهم ترین فرهنگ های زبان فارسی در زمان خودش دانست و افزود: این فرهنگ را محمدحسین خلیف تبریزی تألیف کرده که در واقع کتاب را به نام سلطان عبدالله قطب شاه تألیف می کند، که یکی از پرورش یافتگان ادب فارسی در جنوب هند بوده است. این فرهنگ نویسی خاطر نشان کرد: علی اصغر حکمت و دکتر معین درباره این اثر تحقیق کرده اند؛ ولی اطلاعات زیادی درباره آن به دست نیامده است. انوری در ادامه به بیان اهمیت فرهنگ برهان قاطع از نگاه محمد معین پرداخت و گفت: به گفته دکتر معین، این فرهنگ نزدیک به ۲۰ هزار واژه دارد، که یکی از موارد اهمیت برهان قاطع هم همین است و همچنین اهمیت دیگر این فرهنگ، به اعتقاد دکتر معین، در ترتیب الفبایی اثر است.

توزیع ۱۵۰ میلیون جلد کتاب درسی

از اول شهریور آغاز می شود

توزیع بیش از ۱۵۰ میلیون جلد کتاب درسی مقاطع مختلف تحصیلی از اول شهریور ماه سال جاری در شهرستان های سراسر کشور و سپس از ۱۵ شهریور ماه در تهران آغاز خواهد شد.

بهرام محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی درسی وزارت آموزش و پرورش با اعلام این مطلب گفت: سال گذشته ۱۵۳ میلیون کتاب منتشر و توزیع شده بود که سال جاری به ۱۵۰ میلیون جلد کتاب کاهش یافته است.

محمدیان با اشاره به رشد منفی تعداد دانش آموزان کشور گفت: این کاهش در نتیجه کاهش تعداد فرزندان خانوار و تحقق شعار فرزند کمتر، زندگی بهتر صورت گرفته است. وی همچنین به توزیع بیش از ۳۰ میلیون نسخه مجلات کمک آموزشی رشد در سال تحصیلی آینده خبر داد و افزود: سال گذشته این رقم در حدود ۳۵ میلیون نسخه بود. رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی درسی اعلام کرد: امسال کتاب های درسی مقطع ابتدایی و دوره

انتشار شماره تازه

گزارش جمهور



اولین شماره گزارش جمهور ویژه آمایش سرزمین اسلامی - ایرانی در دستاوردهای سفرهای استانی دولت نهم از سوی مرکز پژوهش اسناد ریاست جمهوری منتشر شد.

در سخن نخست این شماره که به نتایج سفر هیئت دولت به خراسان جنوبی اختصاص دارد آمده است:

چيستی و شالوده سفرهای استانی رئیس جمهور و دولت نهم با کدامین وجه از کشورداری منطبق است؟ به دیگر سخن، این شیوه از ماموریت های کاری دولتمردان، ابتناء یافته بر کدامین نظریه و عمل سیاسی در علم سیاست و طرح بندی های قوه مجریه می باشد. اکنون دیگر در ابتناء یافتگی این سخن از نظر و عمل برالگوهای اسلامی - ایرانی تردید نمی توان کرد. علاوه بر این، به غیر از ساحت اجرایی سفرهای استانی دولت نهم، این وجه از کارکرد قوه مجریه، با فرهنگ و سیاست به مفهوم عمیق کلمه نیز عجین گردیده است. تغییر مناسبات ملت و دولت، عبور از تمرکزگرایی، بطلان نظریات آمایشی سرزمینی بر مبنای نظم آهنین دیوان سالاری وارداتی و مبتنی بر برنامه نویسی و بودجه ریزی غیربومی ایجاد کلان اقتصادی، طرح ها و پروژه ها، اعتبارات و تسهیلات تخصیصی سفر اول براساس درصد پیشرفت فیزیکی و درصدهای تحقق طرح ها و خلاصه وضعیت مصوبات سفر دوم هیئت محترم دولت و روند پیگیری ها مورد بررسی قرار گرفت.

جشن هزاره «شاهنامه»

در کشورهای اسلامی

به گفته دبیرکل بنیاد فردوسی، هزاره سرایش شاهنامه فردوسی در کشورهای اسلامی جشن گرفته می شود.

وی با اشاره به نشست مشترک با دبیرکل کمیسیون ملی آیسسکو افزود: در این جلسه، دبیرکل کمیسیون آیسسکو در ایران برای همکاری با بنیاد فردوسی اعلام آمادگی کرد و مقرر شد. دانش نامه شاهنامه برای در اختیار قرار گرفتن کشورهای اسلامی تدوین و همچنین به مقرر اصلی آیسسکو در مراکش ارسال شود.

موحدفرد تصریح کرد: این سازمان با ۵۰ کشور عضو، این آمادگی را دارد که برای برگزاری جشن هزاره به پایان رسیدن سرایش شاهنامه در سال ۲۰۱۰، کمک های شایانی کند و همچنین مقرر شد از سوی بنیاد فردوسی، کارهای مشترکی به صورت پروژه تعریف شود که در آیسسکو به اجرا درآید.

او با بیان این مطلب که براساس تقویم هجری خورشیدی، هزاره پایان سرایش شاهنامه در اسفند سال ۱۳۸۸ هجری خورشیدی است، که این برابر با ماه مارس ۲۰۱۰ میلادی است، گفت: برنامه های سازمان علمی، فرهنگی، آموزشی کشورهای اسلامی (آیسسکو) نیز بر اساس تقویم میلادی است و مقرر شده بر نامه های مشترکی را طراحی و در حوزه ۵۰ کشور عضو آیسسکو در سال ۲۰۱۰ برای بزرگداشت و جشن هزاره شاهنامه به صورت رسمی به سازمان آیسسکو ارسال کنیم.

این مقام مسئول در بنیاد فردوسی متذکر شد: همان طور که درصدد ارائه فرم پیشنهاد ثبت هزاره سرایش شاهنامه به یونسکو در سال ۲۰۱۰ هستیم، سعی داریم پیشنهاد ثبت هزاره شاهنامه را در سازمان آیسسکو دنبال کنیم.

مهدی محقق و فرهنگ نگاری طب اسلامی

مهدی محقق این روزها مشغول تصحیح اثری در حوزه طب اسلامی است و در کنار این تصحیح، تدوین فرهنگ واژگان تخصصی طب اسلامی را نیز در دست انجام دارد.

محقق از فرهنگ واژگان تخصصی طب اسلامی به عنوان کاری بر زمین مانده یاد می‌کند. به گفته او، مدخل‌های فرهنگ آماده است و همچنین تعریف‌های آن‌ها تهیه شده است. این اثر به ترتیب الفبایی تدوین می‌شود و سیصد تا چهارصد صفحه را دربر خواهد گرفت.

محقق از سویی، در ادامه توجه و دغدغه‌اش نسبت به میراث علمی جهان اسلام و مسلمانان در قرن‌های گذشته، به تصحیح اثری در حوزه طب اسلامی روی آورده است. این اثر که نوشته علی بن عباس اهوازی است، کامل الصناعت الطیبیه نام دارد و هم‌اکنون در مراحل آغازین تصحیح است.

به گفته محقق، این اثر به تشویق و توصیه عضدالدوله دیلمی به نگارش درآمده و پیش از کتاب قانون ابن سینا (از نظر تاریخی)، مهم‌ترین اثر در حوزه طب اسلامی است. تصحیح آن، دشواری‌های خود را دارد و در چهار جلد به صورت منقح از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی یا مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران منتشر خواهد شد.

اهدای بیش از ۳۰ هزار جلد کتاب در لرستان

با کوشش اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی لرستان، بیش از ۳۰ هزار جلد کتاب به کانون‌های فرهنگی هنری مساجد این استان اهدا شد. در راستای فعالیت‌های فرهنگی و هنری و برای ارتقای فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی در این شهرستان، بیش از ۳۰ هزار جلد کتاب به مراکز کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد لرستان اهدا شد.

وی افزود: این کتاب‌ها با موضوع‌های مختلف در اختیار کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد و کتابخانه‌های آن و دیگر کانون‌های استان قرار گرفته است.

مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری برگزار می‌کند

دومین جشن داستان انقلاب

دومین جشنواره داستان انقلاب، به همت مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری، نیمه اول بهمن سال جاری برگزار خواهد شد. حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی به منظور حمایت از ادبیات داستانی و نویسندگان انقلاب، اقدام به برپایی مسابقه‌ای با عنوان داستان انقلاب کرده است.

این مسابقه در دو بخش رمان و داستان بلند و داستان کوتاه برگزار می‌شود و آثار قابل توجه در سه سطح داستان‌های برگزیده، برتر و تقدیری، معرفی خواهند شد.

همچنین داستان‌های برتر، تقدیری و همه آثار قابل انتشار در شاخه رمان و داستان بلند علاوه بر دریافت جایزه، پس از عقد قرارداد با نویسندگان آن‌ها به صورت مستقل و داستان‌های کوتاه ارسال می‌شود در صورت امکان در قالب مجموعه داستان کوتاه منتشر خواهند شد.

نویسندگان این عرصه می‌توانند آثار داستانی چاپ نشده خود با درون مایه انقلاب اسلامی را تا پایان آذر ماه به نشانی تهران، تقاطع خیابان‌های حافظ و سمیه، حوزه هنری، مرکز آفرینش‌های ادبی، کارگاه قصه و رمان، دبیرخانه جشنواره داستان انقلاب یا صندوق پستی ۱۵۸۱۵/۱۶۷۷ ارسال کنند.

اولین جشنواره داستان انقلاب، ۲۹ بهمن سال ۱۳۸۶ در تالار مهر حوزه هنری برگزار و از رمان‌های سه‌گانه شاهانه نوشته محمد کاظم مزینانی، آشک آخر به قلم سیدهاشم حسینی و تالار پذیرایی پایتخت به اهتمام محمدعلی گودینی و داستان کوتاه شرکت در یک قتل دسته جمعی نوشته تیمور آقامحمدی تقدیر شد.



در نشست ادبی بررسی امکانات زبان فارسی مطرح شد

فارسی، تحلیلی تر از انگلیسی



است. شاهد این مدعا هم استفاده از واژه‌های مرکب است. نباید امکانات واژه سازی زبان‌ها را سیاه و سفید دید.

وی افزود: زبان فارسی دستخوش تاریخی درون‌زا، طبیعی، عادی و متعارف شده است. یکی از راه‌های تقویت هر چه بیشتر زبان فارسی اهتمام در به کار بردن زبان علمی و برانگیختن حساسیت عموم برای به خدمت گرفتن واژگان فارسی است. در این نشست بسیاری از نویسندگان، منتقدین، زبان‌شناسان، مترجمین و پژوهشگران زبان فارسی از جمله احمد سمعی گیلانی، غلامحسین ابراهیمی دینانی، علی معصومی همدانی، فریدون بدره‌ای، تهمورث ساجدی، علی موسوی گرمارودی، احمد جلالی و ... حضور داشتند.

به صورت آگاهانه مثل علم، اندیشه، فلسفه و ... و چه به صورت ناآگاهانه مثل آداب و سنن و ... این زبان شناس با انتقاد از برخی اظهارات مبنی بر اینکه زبان فارسی زبان نازی است گفت: این به معنی این است که مردم آن زبان هم نازا هستند. زایایی واژگانی به بخش اشتقاقی صرف مربوط می‌شود یعنی اگر ما صرف را راه بیندازیم، بخش نحو هم به راحتی کار خودش را انجام می‌دهد و می‌تواند به صورت عندالزوم واژه بسازد. محمد دبیرمقدم نیز در این نشست با اشاره به پیشینه تاریخی زبان فارسی و مقایسه آن با زبان انگلیسی گفت: زبان فارسی در دوره باستان تصریفی بود و تا پیش از اسلام به سمت تحلیلی شدن سوق داده شد و امروز هم تحلیلی تر از زبان انگلیسی

نشست ادبی زبان فارسی، سترون یا زایا؟ هفته گذشته با حضور ابوالحسن نجفی، علی محمد حق شناس و محمد دبیرمقدم برگزار شد.

در ابتدای این نشست ابوالحسن نجفی - مترجم و منتقد ادبی - با اشاره به چگونگی وضع معادل در زبان‌های دیگر برای مفاهیم جدید، گفت: در نیمه دوم قرن نوزدهم جلسات متعددی برای یافتن معادل و کلمات در زبان انگلیسی ترتیب می‌دادند؛ تا امروز که هر روز صدها واژه جدید در این زبان ساخته می‌شود و این به این دلیل است که زبان انگلیسی از امکانات بالقوه اش استفاده کرده است. ما هم باید ببینیم زبان فارسی چه امکاناتی دارد و اگر دارد، آیا از آنها استفاده کرده ایم یا نه؟

وی با اشاره به سه منبع موجود که زبان فارسی می‌تواند از آنها استفاده کند، افزود: اشتقاق‌های فعلی یکی از این منابع است؛ هر فعل در زبان فارسی ۳۰ وجه اشتقاقی دارد که خیلی از آنها بلا استفاده مانده و همه افعال زبان فارسی هم این امکانات را دارند که از تمام وجوه اشتقاقی شان استفاده شود اما تحقیقات نشان می‌دهد که هیچ فعلی وجود ندارد که چنین از آن استفاده شده باشد.

نجفی اضافه کرد: ما در طول سالیان افعال بسیط را به افعال مرکب تبدیل و در واقع آنها (افعال بسط) را فراموش کرده‌ایم. در زبان عامیانه فارسی به راحتی از مصادر قیاسی استفاده می‌شود و از آنها کلمه می‌سازند اما در زبان رسمی همیشه ما از ساختن واژه ترسیده ایم.

این مترجم گفت: منبع دوم استفاده از پیشوندها و پسوندهاست. زبان فارسی بیش از ۷۰ پسوند و تعداد کمی هم پیشوند دارد که از آنها هم استفاده خوبی نمی‌شود. منبع سوم هم ترکیب سازی است و می‌توان از ترکیب اسم با مصدر، قید با اسم، ضمیر با اسم، اسم با ضمیر و ... کلمه ساخت که در زبان عامیانه فراوان است.

علی محمد حق شناس - زبان شناس - هم در این نشست با هشدار نسبت به یکی کردن سه مفهوم زبان، فرهنگ و خط گفت: زبان خانه اندیشه و فرهنگ انسان است اما خود اندیشه نیست. آنچه در این خانه هست، حکم امکانات و در واقع حکم فرهنگ را دارد و این فرهنگ مجموع آن چیزهایی است که در طول سالیان در زبان جمع شده است چه




فراخوان

دومین دوره جایزه گام اول

به همت خانه کتاب برگزار می‌شود

این جایزه با هدف کشف استعداد و تشویق هر چه بیشتر پدیدآورندگان است که برای نخستین بار کتاب منتشر کرده‌اند.

موضوع‌های مورد ارزیابی هیت داوران عبارتند از:

الف: مجموعه شعر یا داستان کوتاه، بلند و رمان برای کودکان و نوجوانان

ب: مجموعه شعر یا داستان کوتاه، بلند و رمان برای بزرگسالان

از تمامی نویسندگان و شاعرانی که اولین اثر خود را از اول سال ۱۳۸۶ در زمینه‌های یاد شده به چاپ رسانده‌اند، دعوت می‌شود سه نسخه از اثر منتشر شده را تا پایان مرداد ۱۳۸۷ به نشانی دبیرخانه گام اول ارسال نمایند.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین صبا و فلسطین جنوبی، ساختمان شماره ۱۱۷۸، طبقه اول

دورنگار: ۶۶۴۱۵۳۶۰ تلفن: ۶۶۴۶۰۵۱۹

راه اندازی کتابخانه تخصصی تاریخ در مدارس

دانش آموزان هویت فرهنگی خود را از تاریخ می گیرند و به همین منظور برای جذابیت بیشتر درس تاریخ در مدارس باید اتاق تاریخ و کتابخانه تاریخ راه اندازی کنیم.

حجت الاسلام علی ذوعلم، مدیر کل دفتر تألیف و برنامه ریزی کتاب های درسی دوشنبه گذشته در نشست نقد کتاب تاریخ با اشاره به نبود رضایت کافی از وضعیت کتاب درسی تاریخ معاصر گفت: به همین دلیل تصمیم گرفتیم این کتاب را مورد بازنگری قرار دهیم و اشکال های احتمالی را رفع کنیم.

علی ذوعلم ادامه داد: رویکرد نظام تعلیم و تربیت باید در راستای اهداف و آرمان هایی باشد که پیامبر (ص) دنبال می کردند و جلسه امروز تاریخی است هم به دلیل اینکه کتاب تاریخ بررسی و نقد می شود و هم به دلیل اینکه دیدگاه هایی که همکاران دارند قطعاً تاثیر گذار خواهد بود.

وی کتاب تاریخ معاصر را از مقوله های چالش برانگیز آموزش و پرورش از سال های گذشته تا کنون دانست و تصریح کرد: از سال گذشته قرار شد بنابر سیاست آموزش و پرورش، حرکت در مسیر چند تالیفی برای احیای یک کتاب و درس صورت گیرد که همچنان در دستور کار آموزش و پرورش است و یکی از موارد آن تألیف کتاب تاریخ معاصر با تیمی متشکل از مولفان زنده بود.

مدیر کل دفتر تألیف کتاب های درسی با بیان اینکه کتاب تاریخ معاصر مورد نقد امروز، کتاب رسمی درسی کشور است، اضافه کرد: احتمالاً بعضی از منتقدان به اساس نگاهی که به تاریخ معاصر می شود نقد خواهند داشت و عمیق تر از آن نگاهی است به علم تاریخ به عنوان یک رشته تحصیلی که البته نگاه های نقادانه ای نسبت به آن وجود دارد و سازمان پژوهش



و برنامه ریزی به این نقدها بی تفاوت نیست. ذوعلم با اشاره به اینکه امروزه در کتاب تاریخ معاصر ماخذ بسیاری آورده می شود و بحث مستندسازی هم صورت گرفته است، گفت: یکی از کارهایی که در این دفتر دنبال می شود ارایه لوح های فشرده در کنار تدریس است تا دستمایه تدریس و یادگیری بهتر معلم و دانش آموزان شود. وی ادامه داد: معتقدم بهتر است بخش هایی از محتوای تاریخی در کتاب آورده نشود تا دانش آموز به دنبال منابع برود و بدین طریق قسمتی از کلاس به گفت و گو و مطالعه در آن منابع اختصاص یابد. ذوعلم درباره ارایه راهکارهای جذابیت در تاریخ اظهار داشت: با ایجاد کتابخانه های تاریخی و اتاق تاریخ در مدارس می توان به این امر تحقق بخشید. وی کتاب تاریخ معاصر را کتاب ملی دانست و

انتشار کتاب «انسان در اسلام» در آلمان

کتاب های انسان از دیدگاه قرآن و انسان و ایمان تألیف شهید مطهری به همت رایزنی فرهنگی ایران در آلمان ترجمه و با همکاری انتشارات هادیتک در یک جلد با عنوان انسان در اسلام چاپ و منتشر شد. کتاب انسان در اسلام، دیدگاه اسلام و نحوه نگرش این دین آسمانی ربه انسان، به ویژه در مقابل دیدگاه های صرفاً ماتریالیستی، کاپیتالیسم و کمونیسم، برای خواننده روشن می نماید و ارزش هایی را که دین مبین اسلام برای انسان، بعنوان مرکز ثقل کائنات و اشرف مخلوقات قائل است توصیف می کند.

۱۲ کتابخانه سیار برای معتکفان قم

همزمان با برگزاری آیین معنوی اعتکاف، ۱۲ کتابخانه سیار برای معتکفین در قم ایجاد شد. معاون مطبوعات و تبلیغات اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی قم با اعلام این خبر گفت: این کتابخانه ها با همکاری این اداره کل و انجمن کتابخانه های استان به منظور توسعه فرهنگ کتابخوانی و پر کردن اوقات معتکفان به صورت تخصصی در دوازده مسجد محل اعتکاف قم برای سومین سال برپا شد. محمد خامه یار خاطر نشان کرد: در اجرای این طرح انجمن کتابخانه های استان کتابداران خود را در طول ایام برگزاری سنت حسنه اعتکاف به کار گرفته است. وی تصریح کرد: این طرح مورد استقبال معتکفان و مسئولین ستاد اعتکاف قرار گرفت. معاون مطبوعات و تبلیغات همچنین اعلام کرد: کتاب شرح دعای اللهم کن لولیک توسط این اداره کل و شرکت تعاونی ناشران استان قم در تیراژ هشت هزار نسخه چاپ و به معتکفان مساجد قم اهدا گردید.

مدیرعامل تعاونی ناشران دانشگاهی خبر داد

نمایشگاه تخصصی کتاب های دانشگاهی آبان ماه

مدیرعامل تعاونی ناشران دانشگاهی از برگزاری نخستین نمایشگاه تخصصی کتاب دانشگاهی خبر داد و گفت: این نمایشگاه هفته دوم آبان ماه در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان برگزار خواهد شد. محسن کفاشی با اعلام این خبر افزود: این نمایشگاه از سوی انجمن فرهنگی ناشران دانشگاهی با همکاری معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه آزاد اسلامی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برگزار خواهد شد. وی در ادامه با بیان اینکه ۲۰۰۰ کتابخانه دانشگاهی در کشور وجود دارد، گفت: دانشگاه ها و مراکز موسسات عالی، سالانه بودجه ای برای خرید کتاب و تجهیز کتابخانه ها در نظر می گیرند که این مراکز می توانند با تخفیف ۵۰ درصدی کتاب های مورد نیاز خود را تهیه کنند.

کفاشی با تأکید بر این نکته که فقط کتابخانه دانشگاه ها، بیمارستان ها و مراکز و موسسات عالی کشور می توانند از این نمایشگاه، کتاب خریداری کنند، اظهار داشت: بر اساس برنامه ریزی ها، به دانشجویان فروش مستقیم کتاب نخواهیم داشت و دانشجویان می توانند فهرست کتاب های مورد نیاز را به دانشگاه محل تحصیل خود ارایه دهند تا آن ها برای خرید اقدام کنند. عضو هیات مدیره انجمن فرهنگی ناشران دانشگاهی یادآور شد: ناشر دانشگاهی نیز می تواند در محلی رسمی، تازه های کتاب خود را به جامعه دانشگاهی کشور عرضه کند. وی با اشاره به عرضه ۳۰ هزار عنوان کتاب دانشگاهی در بیست و یکمین نمایشگاه کتاب تهران، گفت: این کتاب ها طی سه سال گذشته توسط ناشران دانشگاهی منتشر شده که نمایشگاه تخصصی کتاب های دانشگاهی فرصت مناسبی برای عرضه آن ها خواهد بود.

شرکت خدمات کتاب، نماینده انحصاری

CAMBRIDGE UNIVERSITY PRESS

(انتشارات دانشگاه کمبریج انگلستان در ایران)

بهت توزیع مجموعه دیکشنری های چاپ ۲۰۰۸ و سایر مجموعه های آموزشی وارداتی خود در ایران، از بین کتابفروشی های معتبر در تهران چندین نماینده و در مراکز استانها یک نماینده فعال می پذیرد.

جهت اطلاعات بیشتر با این شرکت تماس حاصل فرمایید

۸۸۷۱۴۶۲۲

خانه کتاب منتشر کرد

خیابان انقلاب بین فلسطین و صیای جنوبی شماره ۱۱۷۸



جشنواره نقد کتاب

فراخوان



خانه کتاب

پنجمین جشنواره نقد کتاب

همزمان با شانزدهمین دوره هفته کتاب

مؤسسه خانه کتاب به منظور ارتقای سطح کمی و کیفی نقد کتاب،

پنجمین جشنواره نقد کتاب را همزمان با شانزدهمین دوره هفته کتاب

در سال جاری برگزار می کند. لذا از تمامی منتقدان و مدیران

مسئول مطبوعات و نشریات تخصصی کتاب و ناشرانی که اثری

با موضوع «نقد کتاب» در سال ۱۳۸۶ منتشر کرده اند دعوت می کند

آثار خود را حداکثر تا پایان مرداد ماه ۱۳۸۷ به دبیرخانه جشنواره

ارسال کنند.

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر،

شماره ۱۰، سرای اهل قلم، طبقه پنجم

تلفن: ۶۶۴۱۵۲۵۵ تلفکس: ۶۶۹۶۶۲۱۸

www.naghdeketab.ir



نگاهی به مجموعه ۱۰۰ قسمتی «دنیای کتاب»

تماشای کتاب پای تلویزیون



مجموعه ۱۰۰ قسمتی «دنیای کتاب» با هدف آشنایی کودکان و نوجوانان با کتاب و کتابخوانی، همزمان با هفته کتاب از شبکه اول سیما پخش می‌شود.

انتشار این خبر در شماره پیشین کتاب هفته، بهانه‌ای شد تا به گفت‌وگو با چند تن از نویسندگان و صاحب‌نظران در این زمینه پرداخته و نظر آنان را درباره چگونگی پرداختن به کتاب‌ها، انتخاب آن و ... جویا شویم.

محمد میرکیانی مدیر گروه کودک و نوجوان شبکه اول سیما و طراح برنامه «۱۰۰ کتاب» با اشاره به این که «۵۰ قسمت این برنامه به معرفی کتاب‌های کودک و ۵۰ قسمت به کتاب‌های نوجوان می‌پردازد می‌گوید: این برنامه در ۱۰۰ قسمت پنج دقیقه‌ای و در قالب پویانمایی به معرفی کتاب‌های خوب کودک و نوجوان به زبانی تازه، جذاب و درخور جایگاه والای کتاب می‌پردازد و با توجه به این که در پربیننده‌ترین ساعت پخش می‌شود، امید می‌رود بتواند مخاطبان بسیاری را از میان گروه سنی کودک و نوجوان جذب کند.

وی تولید برنامه «۱۰۰ کتاب» را گامی جدید برای معرفی کتاب می‌داند و معتقد است: «برنامه‌ای اینچنین برای نخستین بار تولید شده و از شبکه اول پخش می‌شود و با توجه به مخاطبان گسترده سیما می‌تواند کودکان و نوجوانان را به کتاب و کتابخوانی علاقه‌مند کند و با معرفی کتاب‌های خوب و خواندنی، میل به مطالعه را در آنها برانگیزد.»

میرکیانی، درباره چگونگی انتخاب کتاب‌ها می‌گوید: «کتاب‌هایی که معرفی می‌شوند به موضوعات عام کودک و نوجوان چون قصه‌های تخیلی، آثار ترجمه شده، بازنویسی ادبیات کهن و ... توجه کرده‌اند و قابلیت چند بار خوانده شدن را دارند. همچنین محدوده زمانی خاصی برای این آثار در نظر گرفته نشده برای مثال بعضی کتاب‌های مهدی آذریدی، ۳۰ سال پیش منتشر شده اما هنوز خواندنی هستند.

میرکیانی درباره داوران این برنامه ۱۰۰ قسمتی می‌گوید: «فرهاد حسن‌زاده و فهیمه کیوان کارشناسان و داوران این برنامه هستند که از مدت‌ها پیش، کار انتخاب کتاب‌ها را آغاز کرده‌اند و می‌کوشند تا بدون پیش‌داوری، تنها به انتخاب کتاب‌های خود بپردازند.»

حسن ذوالفقاری، مولف کتاب‌های درسی (ادبیات)، تهیه و تولید چنین برنامه‌ای را اقدامی خوب و مثبت می‌داند و معتقد است: «انتخاب ۱۰۰ کتاب از میان این همه کتاب، کار بسیار دشواری است بنابراین ابتدا باید فهرستی از کتاب‌های برتر تهیه شود و از آن میان، عناوین محدودتری انتخاب شوند، پس از آن کارشناسان به گزینش‌های دقیق‌تر و تخصصی‌تری پرداخته و ۱۰۰ عنوان کتاب را برگزینند.»

وی انتخاب بی‌طرفانه را ملاک مهمی برای این برنامه می‌داند و می‌گوید: «افراد مختلف با سلیقه‌ها و علائق گوناگون باید به داوری و انتخاب کتاب‌ها بپردازند و بدون این که به گذشته و حال مولف یا مترجم توجه کنند درباره آثارشان قضاوت کنند. اگرچه باید محدوده زمانی انتشار آثار را در نظر بگیرند و گونه تعداد کتاب‌های خوبی که طی این

برنامه سازان تلویزیون عموماً سعی می‌کنند با کمترین هزینه‌ها به تولید برنامه مورد نظر خود بپردازند. از این رو بعد از مدتی عموم برنامه‌ها به تکرار می‌انجامند و این تکرار در حوزه کودک و نوجوان بسیار خطرناک است اگرچه با وجود محمد میرکیانی که خود از نویسندگان خوب کودک و نوجوان است، امید می‌رود، برنامه‌های خوبی ساخته و نمایش داده شود.»

نویسنده کتاب «بال‌هایت را کجا گذاشتی؟» با اشاره به ضرورت تفکیک سه گروه سنی خردسال، کودک و نوجوان از یکدیگر می‌گوید: «مخاطب اصلی کتاب‌های خردسال، پدر و مادرها هستند، بنابراین باید مخاطبان را شناخت، زبان ارتباط با هر گروه سنی را درک کرد و سلاقی مختلف را در نظر گرفت چه در زمینه ادبیات تخیلی و چه غیرتخیلی، اعم از کتاب‌های علمی، مستند، زندگی‌نامه و ...»

نظر آهاری زبان رسانه‌ای چون تلویزیون را تا حدی متفاوت با زبان کتاب می‌داند و معتقد است: «آدم‌های متخصص در حوزه‌های مختلف باید به هم کمک کنند تا برنامه‌ای جذاب و دیدنی بسازند. همه نویسندگان با تلویزیون آشنا نیستند و سازندگان برنامه‌های تلویزیونی هم کتاب کودک و نوجوان را نمی‌شناسند بنابراین باید افراد مختلف گرد هم آیند و از تمام امکانات صداوسیما برای معرفی کتاب بهره ببرند.»

نویسنده کتاب «در سینه‌ات نهنگی می‌تپد» پنج دقیقه در روز از زمان بسیار کمی برای معرفی کتاب می‌داند و می‌گوید: «این زمان، بسیار کوتاه است و حق مطلب را ادا نمی‌کند. به عبارتی هر قدر در رسانه ملی، درباره کتاب صحبت شود، کم است. اگرچه کسانی که به کتاب می‌پردازند، نباید دنبال پاداش کوتاه مدت باشند بلکه باید به این فکر کنند که در باغچه دل بچه‌ها بذری ماندگار می‌کارند.»

انواع خوراکی‌ها اقدام بسیار شایسته‌ای است می‌گوید: «مطبوعات و رسانه‌ها باید از پیشنهاد‌های نویسندگان بهره ببرند و نظرات افراد مختلف با سلیقه‌های گوناگون را جویا شوند. چراکه یکی شدن صداهای متفاوت با یکدیگر، به رشد و تعالی ادبیات کودک و نوجوان می‌انجامد و گرنه اگر خود و گروه خود را معیار و مبنا قرار دهیم به بدنه ادبیات این گروه سنی آسیب می‌رسانیم.»

وی همچنین می‌افزاید: «یک گل، هر قدر هم زیبا و خوش بو باشد، اما چون تنها یک گل است پس از مدتی عادی و معمولی می‌شود، اما یک گلستان پرگل، همواره زیبا و چشم‌انداز است چرا که گوناگون و متنوع است.»

نویسنده کتاب «راز گمشده خاور» تعیین هدف را یکی از موارد مهمی می‌داند که تهیه‌کنندگان این برنامه تلویزیونی باید به آن توجه کنند و می‌گوید: «اگر هدف از تهیه و تولید این برنامه، آشنا کردن کودکان با کتاب است باید از زبان جذاب و دلپذیر برای کودکان استفاده کرد و تصویر را بیش از کلمه به خدمت گرفت. چرا که کودکان هر چه کوچکتر باشند از تصویر بیشتر لذت می‌برند و با آن ارتباط بهتری برقرار می‌کنند.»

عرفان نظرآهاری، شاعر و نویسنده نوجوان با اشاره به نقش مهم صدا و سیما به عنوان رسانه جدی در ترویج کتاب و کتابخوانی می‌گوید: «اگر قرار است دانایی در جامعه‌ای نهادینه شود، کتابخوانی به عنوان یک عادت مستمر باید شکل گیرد، آن هم از خردسالی و هیچ رسانه‌ای چون صدا و سیما، نمی‌تواند در شکل‌گیری این عادت فرهنگی سهیم و تاثیرگذار باشد. از این رو تولید برنامه‌ای ۱۰۰ قسمتی درباره کتاب، اقدام بسیار خوبی است و می‌تواند تا اندازه‌ای کودکان را به کتاب آشتی دهد.»

وی با اشاره به فضای تلویزیون می‌گوید:

سال منتشر شده بسیار زیاد و انتخاب آنها دشوار است.»

ذوالفقاری به زبان این برنامه اشاره و بیان می‌کند: «زبان این برنامه باید برای عموم مردم قابل فهم و قابل درک باشد و به گروه خاصی تعلق نگیرد، چرا که پدر و مادرها هم بیننده این برنامه بوده و آنان هستند که برای کودکان خود، کتاب تهیه می‌کنند. بنابراین نمی‌توان از زبان کودکانانه برای این برنامه بهره برد.»

وی انتخاب قالبی امروزی را یکی از ضروریات این برنامه می‌داند و معتقد است: «چه خوب که این برنامه در قالب پویانمایی و به زبان امروزی به معرفی کتاب‌های تازه بپردازد و میان برنامه‌های نمایشی که درباره کتاب است و موجب تنوع برنامه می‌شود، استفاده کند.»

یکی شدن صداها

وجود افرادی با سلیقه‌های متفاوت کنار یکدیگر موجب رشد و تعالی ادبیات کودک و نوجوان می‌شود.

عبدالمجید نجفی، نویسنده کودک و نوجوان با اشاره به این که پرداختن به کتاب از طریق رسانه ملی به جای توجه بیش از حد به کالاهای تجاری و

«دنیای کتاب» در ۱۰۰ قسمت

پنج دقیقه‌ای و در قالب

پویانمایی به معرفی

کتاب‌های خوب کودک و

نوجوان به زبانی تازه،

جذاب و درخور جایگاه

والای کتاب می‌پردازد



دیداری از نمایشگاه کتاب چهار محال و بختیاری

کوچ کتاب‌ها به بام ایران



ناشران برگزارکننده نمایشگاه‌های کتاب استانی، این بار در ادامه مسیر سفرشان غرفه‌های خود را بر بام ایران برپا کردند تا یک هفته پذیرای علاقه‌مندان به کتاب و کتابخوانی شوند و چندین هزار عنوان کتاب را در معرض دید قرار دهند. سفری که یکصد و بیست و هفتمین مرتبه آن راتجربه و از آغاز امسال، پیش از شهرکرد در شهرهای بجنورد، یاسوج، کرمانشاه و اردبیل بیلاق کردند.

اهالی شهرکرد، بروجن، فارس، سامان، لردگان و دیگر شهرهای استان چهارمحال و بختیاری و مشتاقان کتاب و کتابخوانی در این خطه از کشور تا پیش از این پنج بار میزبان نمایشگاه کتاب بودند و از اول مردادماه برای ششمین بار توانستند از شکل‌گیری این رویداد مهم فرهنگی بهره‌گیرند.

امسال نیز این نمایشگاه چون پنجمین نمایشگاه کتاب استان چهارمحال و بختیاری که دو سال قبل برگزار شده بود، در مصلاوی زیبا و بزرگ شهرکرد شکل گرفت تا کسانی که در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران امسال و سال گذشته حضور یافته بودند، با دیدن این نمایشگاه کتاب استانی خاطره‌نمایشگاه کتاب تهران برایشان تجدید شود.

مصلاوی بزرگ شهرکرد که یکی از جذاب‌ترین مصلاهای کشور از لحاظ معماری به شمار می‌رود این پتانسیل برایش پیش‌بینی شده تا پس از تکمیل، امکانات مختلف فرهنگی چون کتابخانه، قرائت‌خانه و... داشته باشد.

برگزاری ششمین نمایشگاه کتاب استان چهارمحال و بختیاری در مصلاوی شهرکرد نکته جالب توجهی در خصوص جایگاه بازارش مصلاهاست که می‌تواند در خدمت فعالیت‌های مختلف فرهنگی و مذهبی باشند.

شناخت ارزش‌های انقلاب

ششمین نمایشگاه کتاب استان چهارمحال و بختیاری از اول مرداد با حضور دکتر محسن پرویز معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آیت‌الله ناصر نماینده ولی فقیه در استان، رجبعلی صادقی استاندار، احسان‌الله حجتی مدیرعامل موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی، داریوش رضوانی مدیرکل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، نمایندگان مردم استان در مجلس شورای اسلامی، مدیران مراکز و نهادهای مختلف استان، اهالی فرهنگ و ادب و بسیاری از علاقه‌مندان به کتاب و کتابخوانی افتتاح شد.

در این مراسم دکتر محسن پرویز معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزاری نمایشگاه‌های کتاب و اجرای خدماتی فرهنگی را که مجاهدانه برای کمک به فرهنگ جامعه شکل می‌گیرد از جمله اعمال صالح افراد دانست و در ادامه سخنانش گفت: امسال در سی سالگی انقلاب قرار داریم اما متأسفانه در یادآوری فضاهای پیش از انقلاب سستی می‌کنیم و این سستی باعث می‌شود برکات انقلاب اسلامی از نظر جوانان دور بماند و به واسطه القانات خارجی تصورات نادرستی از دوران پیش از انقلاب داشته باشند.

وی افزود: پیش از انقلاب دو روزنامه وجود داشت که بد نیست گاهی این دو روزنامه را تورقی کنیم و ۵۰۰ عنوان کتاب نیز در سال چاپ می‌شد که می‌توان آنها را نیز بررسی کرد، دیدن آن روزنامه‌ها و بررسی کتاب‌ها تفاوت فضای جامعه فرهنگی امروز ما با دوران ستمشاهی را تبیین می‌کند. معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی در ادامه سخنانش گفت: متأسفانه به نظر می‌رسد در این زمینه کم‌کاری شده است و فکر می‌کنم امثال بنده خارج از مسئولیت شخصی که می‌توانیم بنویسیم، وظیفه داریم بیشتر بنویسیم و اجازه ندهیم جوان امروز ما تصویری را که از آزادی امروز دارد مشابه با قبل از انقلاب بداند. قبل از انقلاب مگر کسی جرئت داشت کلامی در نقد دولت، در نقد اقداماتی که توسط بیگانگان به سران دولت دیکته می‌شد حرفی بزند؟

وی افزود: باید قدر برکت انقلاب را بدانیم و همه عزیزانی که اهل سخن هستند و می‌توانند بنویسند باید وجه همت خود را در مسیر نوشتن و گفتن برکات انقلاب اسلامی قرار دهند و برکات فرهنگی را در کنار اتفاقات دیگر ترسیم کنیم.

دسترسی آسان به کتاب مناسب

دکتر محسن پرویز در ادامه به موضوع نمایشگاه‌های کتاب استانی پرداخت و گفت: نمایشگاه‌های کتاب استانی با هدف برگزاری جشن کتاب و به عنوان نمونه‌هایی کوچک از نمایشگاه بین‌المللی کتاب در مراکز استان‌های مختلف با همکاری ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی برگزار می‌شود.

معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه سخنانش گفت: مردم ما اهل کتاب و فرهنگ دوست هستند و گواه این ماجرا افزایش تعداد کتاب‌های چاپ شده در صورت فراهم شدن امکانات است، به این صورت که در سال ۸۶ حدود ۲۰۰ میلیون جلد کتاب در کشور چاپ شده است که نمونه‌اش برای هر کتابخوان در یک سال ۴ جلد می‌شود و این رقم در قیاس با کشورهای پیشرفته رقم بالایی است، ضمن آن که اغلب این کتاب‌ها مناسب و ارزشمند و نشان‌دهنده رشد کمی صرف نیستند، بلکه رشدی توأم با کیفیت را نشان می‌دهند. دکتر محسن پرویز افزود: هم‌اینک جایگاه ما در خصوص تولید کتاب از برنامه پنج‌ساله چهارم بیشتر است به صورتی که در آن تولید ۴۲ هزار عنوان پیش‌بینی شده بود و الان از عدد ۵۲ هزار هم گذشته‌ایم، ضمن این که هم‌اینک شرایط برای چاپ کتاب خیلی سهل نیست و همین نکته باعث می‌شود خیلی از افراد در نوشتن و چاپ آثار رغبت کمتری داشته باشند که در نمایشگاه‌های کتاب این هدف را نیز دنبال می‌کنیم تا ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی برنامه‌هایی را دنبال کنند و نشست‌هایی ترتیب دهند که طی آنها

کتاب در سید هزینه خانواده‌ها دانست و گفت: نحو شیخانه در نمایشگاه‌های کتاب استانی ۴۰ درصد تخفیف در خرید کتاب وجود دارد و این پیشنهاد وجود دارد که برگزاری نمایشگاه‌های کتاب علاوه بر آن که در استان هابر گزار می‌شود در شهرستان‌های دور دست نیز برگزار شود که پس از گفت‌وگو با آقای دکتر پرویز ایشان اعلام آمادگی کردند در صورت تامین محل مناسب نمایشگاه‌هایی در شهرستان‌های استان نیز برگزار شود.

اما داریوش رضوانی مدیرکل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان در مراسم افتتاحیه ششمین نمایشگاه کتاب استانی چهارمحال و بختیاری گفت: در نمایشگاه امسال ۴۰۰ ناشر حضور دارند و تلاش کرده‌ایم در این نمایشگاه علاوه بر معرفی هزاران عنوان کتاب اجرای برنامه‌های جنبی مختلف و متنوعی را شاهد باشیم.

وی افزود: اولین نمایشگاه استانی چهارمحال و بختیاری سال ۱۳۷۲ برگزار شد و پنجمین نمایشگاه کتاب استان نیز در سال ۸۵، این بدان معناست که طی ۱۳ سال ۵ نمایشگاه برگزار شد، اما خوشبختانه طی ۳ سال اخیر دو نمایشگاه برگزار شد که امیدواریم این حرکت با ارزش همه ساله برگزار شود و تداوم داشته باشد.

حال و هوای نمایشگاه کتاب

ششمین نمایشگاه کتاب استان چهارمحال و بختیاری از اولین روز برگزاری بسیار پر مخاطب بود، به صورتی که بعد از ظهر افتتاحیه راهروهای نمایشگاه مملو از جمعیت و علاقه‌مندان به نمایشگاه بود.

این نمایشگاه در دو بخش مصلا شکل گرفته بود و ناشران کتاب‌های عمومی در یک موقعیت و ناشران کتاب‌های دانشگاهی و کمک آموزشی نیز در بخش دیگری از مصلا مستقر شده بودند تا مخاطبان بسیار راحت‌تر کتاب‌های خود را پیدا کنند.

نمایشگاه کتاب امسال چهارمحال و بختیاری علاوه بر آن که از حضور ناشران متنوع و متعددی برخوردار شده بود اما در عین حال ویژگی‌های متفاوت دیگری چون اجرای بیش از ۱۰ برنامه جنبی داشت، نشست نویسندگان، مولفان و اهل قلم با معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از جمله این برنامه‌ها بود که در این نشست مسائل و مشکلات نشر و موضوعاتی مرتبط با کتابخوانی مطرح شد.

نشست‌های تخصصی کتاب، برپایی نمایش‌های خیابانی با موضوع کتاب، حضور مراکز و نهادهای مختلف در نمایشگاه کتاب از دیگر برنامه‌ها و فعالیت‌های جنبی این نمایشگاه بود.

امایکی از مهم‌ترین فعالیت‌های جنبی این نمایشگاه ایجاد اتاقک کتابخوانی برای اولین بار در ایران بود که این طرح به همت موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی و حضور ناهید مهدوی نویسنده کتاب‌های کودک شکل گرفت.

این اتاقک که با هدف اجرای برنامه‌هایی چون گفت‌وگو با نویسندگان، نقد کتاب، کتابخوانی راه‌اندازی شده بود در اولین روز برگزاری نمایشگاه میزبان فیروز نوزوی جلالی برگزیده جشنواره قلم زرین بود تا با وی در خصوص آثار شهر و موضوع نویسندگی و کتابخوانی گفت‌وگو شود.

غرفه فعالیت‌های جنبی موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی نیز با اجرای چندین برنامه متنوع چون مسابقه کتابخوانی، نمایش آثار مرتبط با انقلاب اسلامی، نقد کتاب و... مورد توجه بازدیدکنندگان قرار گرفت.

وضعیت نشر استان، ناشران، اهل قلم و... بررسی و راهکارها و الگوهایی پیدا شوند تا هیچ اندیشه‌ای در ذهن، محبوس و هیچ اثر چاپ نشده‌ای باقی نماند. برای این که مشکلات چاپ کتاب به صورت کاغذی را که مشکلات فراوانی است تا حدودی پشت سر بگذاریم، الگویی که امسال در نظر داریم و امیدواریم تا پایان سال به جاهایی برسیم موضوع ترویج نشد کتاب به شکل الکترونیک و قرار دادن متن کتاب بر روی لوح فشرده است. این مقوله در خصوص کتاب‌هایی که حجم بالایی دارند مانند دانشنامه‌ها و دایره‌المعارف‌ها در اولویت است تا فضای کاغذی موجود در اختیار کتاب‌هایی کوچک‌تر و کتاب‌هایی که اندیشه‌نوی را مطرح می‌کنند قرار گیرد.

دکتر محسن پرویز در خاتمه سخنانش گفت: خدمتگزاران مردم در دولت و همه عوامل اجرایی شبانه‌روز با نیت خدمت کردن به مردم و با این نیت که می‌خواهند اقدام مثبتی بیش از پیش ایجاد شود مشغول کار کردن هستند.

عزیزان دولت طبیعتاً از طرح‌های جدید، از نوآوری‌هایی که می‌تواند در عرصه‌های مختلف اتفاق بیفتد استقبال می‌کنند و با توجه به این که مملکت ما جوان است، جوان ما باید تولید فکر و اندیشه کنند باید راهکارهای جدیدی برای توسعه فضای فرهنگی و رشد جامعه را مطرح کنند و یاری رسان عوامل اجرایی در دولت خدمتگذار باشند، این خواسته ما از همه عزیزان و اهل فرهنگ است و از شنیدن همه نظرات استقبال می‌کنیم تا در این مدت کوتاهی که فرصت خدمتگذاری داده شده حداکثر تلاش خود را انجام دهیم و قدمی به پیش برداشته شود.

برگزاری نمایشگاه در شهرستان‌ها

اما در این مراسم رجبعلی صادقی استاندار چهارمحال و بختیاری که سهم ویژه‌ای در برگزاری نمایشگاه کتاب داشت گفت: برگزاری این رویداد فرهنگی را به مردم استان تبریک می‌گویم و امیدوارم با همت مطبوعات و صداوسیما فضای فرهنگی شکل گرفته در استان همه‌گیر شود و به واسطه برگزاری نمایشگاه مقوله کتابخوانی و مطالعه توسعه پیدا کند. صادقی اظهار امیدواری کرد با برگزاری نمایشگاه کتاب و اقداماتی دیگر که لازم است در کنار نمایشگاه کتاب می‌تواند مفید باشد، مقوله کتابخوانی ترویج پیدا کند.

استاندار چهارمحال و بختیاری گران بودن کتاب را یکی از مسائل سرراه کتابخوانی و قرار نگرفتن



عصر آخرین دوشنبه تیرماه سرای اهل قلم میزبان نشست برای نقد و بررسی کتاب «شیوایی و شیدایی؛ برگی از فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی» دکتر محمدحسین ساکت بود که چندی پیش از سوی شرکت سهامی انتشار منتشر شد. اثر حاضر مجموعه مقالاتی است که این حقوقدان در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی در موقعیت‌ها و مناسبت‌های مختلف نوشته و در یادنامه‌ها و نشریات مختلف منتشر کرده است.

پایان یافتن چاپ اول این کتاب در عرض شش ماه نشانگر فزونی یافتن علاقه به مباحث تمدن اسلامی است آن هم با این توضیح که دکتر ساکت، نثری دشوار و در برخی از موارد خودساخته دارد که گاه مطالعه آن را برای کسانی که به خواندن کلمات تازه ساخت آشنا نیستند دشواری می‌سازد. آموزش و پرورش، ادبیات و هنر، اندیشه‌های سیاسی، بهداشت و پزشکی، پژوهش‌های ایرانی و پژوهش‌های قرآنی، تاریخ، ترجمه و فرهنگ آفرینی، حقوق، ریاضیات و علوم، فلسفه، کتاب و کتابداری عناوین اصلی کتاب حاضر است که چند مقاله ذیل هر کدام از آنها جای گرفته است. باری در نشست نقد و بررسی کتاب «شیوایی و شیدایی؛ برگی از فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی» دکتر اصغر دادبه، دکتر مصطفی ذاکری و جمشید کیانفر و جمعی از استادان و علاقه‌مندان حضور داشتند.

کلیاتی که نادیده گرفته می‌شد

در ابتدای این برنامه، جمشید کیانفر مصحح کتاب «سفارت نامه خوارزم» و سردبیر فصل نامه «آینه میراث» به عنوان کارشناس و مجری این نشست ضمن اشاره به بخش‌های کتاب و رابطه آن با رشته و حوزه کلیات، از دغدغه گنجاندن این اثر در حوزه کتاب‌های کلیات صحبت کرد به طوری که وقتی کتاب «شیوایی و شیدایی؛ برگی از فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی» برای داوری در کتاب فصل کلیات به قضاوت گذاشته شد، عده‌ای بر این باور بودند که این کتاب در دسته کتاب‌های کلیات طبقه بندی نمی‌شود چرا که در نظر بسیاری، فقط کتاب‌های مربوط به حوزه کتابداری در گروه کلیات قرار می‌گیرند در صورتی که به باور کیانفر، در تمام دنیا مجموعه مقالاتی نظیر کتاب حاضر را کلیات می‌گویند. یکی از ویژگی‌های این کتاب به اعتقاد کیانفر حسن انتخاب عنوان و مقالات آن است. البته این نام ممکن است گویا نباشد اما تیتراژ دوم کتاب (برگی از فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی) به خواننده کمک می‌کند تا محتوای کتاب پی ببرد. او در ادامه، به عناوین بخش‌های کتاب اشاره کرد چرا که به گفته این متن پژوه نام‌گذاری بخش‌ها بسیار مناسب است، شاید برخی بگویند که ساکت در به کارگیری این واژه‌ها در عنوان کتاب، واژه تراثی کرده ولی اینطور نیست، او برای اولین بار واژه «آدکاوای» را ابداع و برای خودش ثبت و ضبط کرده واژه‌ای که نظیرش را نمی‌توان پیدا کرد از این حیث باید گفت «شیوایی و شیدایی؛ برگی از فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی» حاصل تلاش فکری چهل ساله مؤلف است.

اغلب مقالات کتاب با تاکید بر موضوعاتی چون: ادبیات، تاریخ، ایران‌شناسی، حقوق، فلسفه، اسلام‌شناسی و ... پیشتر در نشریات و همایش‌ها ارائه شده اند و فقط نه مقاله از مجموع ۴۲ متن موجود در کتاب برای نخستین بار منتشر شده است. کیانفر در پایان به مقاله «واژگان فارسی در زبان کوچه و بازار مصر» که اثری ترجمه‌ای از کتاب است اشاره کرد و گفت: وقتی از زبان کوچه سخن به میان می‌آید منظور زبان عامیانه مردم است و این نشان دهنده نفوذ زبان فارسی است. معمولاً زبان عربی لغات خارجی را معرب می‌کند اما بسیاری از لغاتی که در



برگی از فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی در سرای اهل قلم نقد شد

شیوایی تمدن اسلامی

البته در برخی موارد دکتر ساکت به خوبی از عهده کار برآمده است. او وجه دیگر تلاش ساکت در این کتاب را ارائه تحلیل‌های تاریخی مستند دانست و مقاله اول کتاب درباره آموزش و پرورش نمونه بارز این مدعای ذاکری بود.

در مقاله مورد اشاره ذاکری مسجد در اسلام به عنوان نخستین مرکز علم آموزی، معرفی شده است چراکه در زمان حضرت رسول (ص) مشورتها و تصمیم‌گیری‌ها در مسجد انجام می‌شد و به تدریج با افزایش دامنه کاری مسجد، آموزش به عنوان یکی از بنیادی‌ترین حرکت‌های این مرکز عبادی مورد توجه قرار می‌گیرد.

این موضوع به گفته ذاکری تا قرن‌ها ادامه داشته البته در زمان هارون و مامون بیت‌الحکمه تاسیس شد اما بیت‌الحکمه محلی بود که در آن دانشمندان درباره کتب صحبت می‌کرده‌اند و محلی برای آموزش و تدریس نبوده است.

واژگان فارسی در زبان کوچه و بازار مصر که پیشتر هم کیانفر و هم دادبه از آن به عنوان یکی از کلیدی‌ترین مقالات کتاب ساکت یاد کرده بودند در نظر ذاکری جای بحث داشت چرا که این زبان‌شناس در نقد خود با ذکر بیش از ۲۰ مورد از لغات مورد اشاره ساکت به عنوان واژگان فارسی اساساً یا عربی‌اند، یا فرانسوی و یا هندی و مؤلف مقاله به اشتباه آنها را فارسی دانسته است؛ کلمات بسیاری در این کتاب وجود دارد که با تحقیقاتی که من انجام دادم و استناداتی که وجود دارد، باید بگویم که به اشتباه از آن به عنوان کلمه فارسی نام برده شده است و امیدوارم دکتر ساکت در چاپ‌های بعدی آنها را اصلاح کند. طرح این موضوع از سوی ذاکری موجب انتقاد جمشید کیانفر شد چرا که اساساً کلمات مورد بحث و نقد او، در حوزه ترجمه مقاله نبوده و از آن مؤلف اصلی مقاله به شمار می‌آمده است. از این حیث به اعتقاد کیانفر این نقد نباید مطرح می‌شد.

ساکت نیز در پایان با پاسخ دادن به نقدها و پرسش‌های حاضران دلیل انتخاب نام شیوایی و شیدایی بر این کتاب را نشان دادن روش تمدن و فرهنگ با شیوایی و تشریح آن با شیدایی معرفی کرد.

تاریخی اسلام، فتح ایران بوده است و اسلام با فتح ایران به تمدنی دست یافته که بدون آن این تمدن امکان‌پذیر نبود. بیشتر دانشمندان تمدن اسلامی ایرانی هستند و همان‌طور که در این کتاب آمده است در قرن‌های چهارم و پنجم با افول تسامح و تساهل اسلامی تمدن اسلامی افول کرد.

به گفته این استاد دانشگاه علامه طباطبایی، تمدن اسلامی در نتیجه سفارش‌های اسلام به دانش‌اندوزی و بهره‌گیری از دانش تمدن‌های پیشین پدید آمد. اسلام در کمتر از یک سده به سراسر خاورمیانه، شمال آفریقا و اسپانیا گسترش یافت و میانه زمین، قلمرو جهان اسلام شد. در این منطقه پهناور، که زادگاه چند تمدن درخشان بود، مسلمانان دستاوردهای تمدن‌های پیشین را پذیرفتند و با توسعه آنها، تمدن شکوهمندی را به وجود آوردند. ایرانیان در پدید آوردن تمدن اسلامی سهم زیادی داشتند و این تمدن زمینه‌ساز نوزایی در اروپا شد. ترجمه آثار علمی تمدن‌های پیشین به عربی باعث شد که برای نخستین بار بخش عمده‌ای از دستاوردهای علمی و فرهنگی بشر تا آن زمان، کنار هم قرار گیرد.

به اعتقاد دادبه مسلمانان به طبقه بندی این دستاوردها و بررسی آنها پرداختند و به این ترتیب راه را برای پیشرفت‌های بعدی هموار کردند. تولیدی علمی نیز رشد پیدا کرد و ترجمه دانش دیگران جای خود را به تألیف و نوآوری داد. او بر این باور بود که کوشش دانشمندان ایرانی این تمدن را به چنان شکوفایی رساند که تا آن روزگار سابقه نداشت و تا صدها سال پیشاهنگ دنیای متمدن بود. فرهنگ و تمدن اسلامی چنان شکوه و جاذبه‌ای داشت که تا سال‌های زیادی اروپایی‌ها به جهان اسلام سفر می‌کردند تا در دانشگاه‌های شناخته شده آن روزگار به فراگیری دانش و فن بپردازند.

نقدی زبان شناختی

پس از دادبه، نوبت به دکتر مصطفی ذاکری زبان‌شناس رسید که بنا بر حوزه کاری اش تمایل به فارسی‌گرایی ساکت را از لحاظ زبان‌شناسی قابل انتقاد می‌دانست چرا که به اعتقاد این زبان‌شناس باید میان فارسی‌گرایی و سره‌گرایی تفاوت قائل شد

این مقاله آورده می‌شوند به همان شکل فارسی در مصر استفاده می‌شوند.

دادو گرفت‌های بین‌زبانی در جهان اسلام

دکتر علی اصغر دادبه نیز که با کمی تأخیر در این نشست حضور یافته بود بحث خود را با تکیه بر ادب دانی و تسلط نویسنده اثر آغاز کرد: در تاریخ علم و فرهنگ اسلامی همیشه قضات با تسلط بر ادبیات فارسی از توانایی بالایی برخوردار بودند و به کمک جوهر عقل خود، آدمی را به شگفتی وامی‌داشتند که این باید سرمشق جوانان ما باشد که با علم و ادب خود را مسلح کنند و با کمک و توانایی ادب به رشته تخصصی خود بپردازند.

او با این پیش‌زمینه به سراغ کتاب رفت و با اشاره به همان مقاله مد نظر کیانفر با عنوان «واژگان فارسی در زبان کوچه و بازار مصر» بحث داد و سند بین‌زبانی در جهان اسلام را پیش کشید چرا که هم او و هم ساکت با این عقیده که همیشه زبان فارسی از زبان عربی داد داشته باشد، مخالف بوده‌اند، چرا که اساساً بین آنها داد و ستد برقرار بوده است و همان‌طور که ساکت مقاله‌ای در این کتاب ترجمه کرده و آورده که نشان می‌دهد چقدر از واژه‌های زبان فارسی در زبان عربی در کشور مصر وارد شده است. به باور دادبه، در این کتاب از زرتشت به عنوان یک دین توحیدی نام برده شده و اثر حاضر توانسته است این دغدغه و مشکل تاریخی را که آیا زرتشت دین توحیدی هست یا نه؟ را پاسخ دهد. البته پیش از این استاد شهید مطهری در نوشته‌ای به صراحت می‌نویسد که زرتشت از نظر دینی موحد است و از نظر فلسفی تنوی است. اهریمن در این دین قادر به انجام کارهایی بیشتر از شیطان نیست.

البته او منکر منازعات موجود پیرامون مسأله توحیدی بودن دین زرتشت نبود اما به اعتقاد دادبه، دکتر ساکت توانسته در این کتاب این مشکل را حل کند. کما اینکه دکتر مجتبیایی در کتاب «شهر زیبای افلاطون» اشاره کرده که افلاطون از زرتشت ایرانی متأثر است و این را اثبات کرده است و حتی «برزویه» طبیب نیز متأثر از زرتشت بوده است. اقبال لاهوری معتقد است که بزرگ‌ترین حادثه



بانک ایده شهدا و ایثارگران راه اندازی می شود

قصه نویسی از روی دستنوشته های شهدا

خانواده شهدا و ایثارگران، جانبازان و رزمندگان گنجینه های ارزشمندی از اطلاعات و خاطراتی هستند که جمع آوری آنها منجر به تولید انبوهی از اسناد مکتوب و آثار ادبی حوزه پایداری خواهد شد. اکنون که حدود ۲۰ سال از پایان جنگ تحمیلی می گذرد حتی نزدیکان شهدا به دلیل زمان زیاد سپری شده یا بسیاری از خاطرات خود را فراموش کردند یا اگر هم دستنوشته و خاطره ای دارند به راحتی در اختیار محققان و پژوهشگران قرار نمی دهند به علاوه بسیاری از شهدا در اوایل سنین جوانی به شهادت رسیده اند و با حذف دوران کودکی سال های زیادی در میان ما نبوده اند به همین دلیل در بهترین حالت اطلاعات بسیار اندکی دارند عده ای از نویسندگان ادبیات پایداری در حال حاضر به دلیل تکرار شدن سوژه های مورد نظر از لحاظ نوع پردازش شخصیت ها و قالب داستان به سفارش نویسی روی آورده اند. بنابراین باید تمهیداتی اندیشید تا سوژه های بکر و تازه ای در اختیار نویسندگان قرار گیرد و از این طریق به پویایی فضای حاکم بر ادبیات پایداری کمک کرد. بنیاد شهید و امور ایثارگران از چندی پیش به منظور تولید انبوهی از سوژه های تازه و مورد غفلت قرار گرفته دفاع مقدس و انقلاب اسلامی و خلق آثار فاخر از آنها در صدد راه اندازی بانک ایده شهدا و ایثارگران بر آمده است.

انتخاب سوژه از دستنوشته های شهدا

محمدعلی فقیه، مدیرکل انتشارات و اطلاع رسانی بنیاد شهید که مسئولیت اجرای این طرح را عهده دار است در این باره می گوید: بنیاد شهید و امور ایثارگران سعی دارد اسناد و آثار به جای مانده از شهدا و ایثارگران را جهت انتشار، حمایت و سرمایه گذاری کند. به این ترتیب که سوژه ها از دل اسناد و آثار شهدا، جانبازان و آزادگان (خانواده شهدا، دسترس نویسندگان قرار گیرد. به گفته فقیه بسیاری از سوژه ها قابلیت پرداخت زندگی نامه داستانی و کتاب خاطرات را دارند که اسناد و آثار این شخصیت ها می توانند بنا بر ذوق و سلیقه نویسندگان در اختیار آنها قرار گرفته و به آثار ادبی و کتاب و اسناد مکتوب تبدیل شوند. گاهی می توان یک وصیت نامه یا حتی نوشته ای از یک شهید یا ایثارگر را تبدیل به چندین سوژه کرد.

او با بیان این که بررسی سوژه های جمع آوری شده توسط گروه های پژوهشی بنیاد شهید انجام می گیرد، می گوید: در حال حاضر روند کار به دفاتر استانی بنیاد شهید ابلاغ شده است و این دفاتر نیز نمایندگی را برای احصای موضوعات و سوژه های بکر و مورد غفلت واقع شده به کار گرفتند. از سوی دیگر گاهی فرزند شهیدی به بنیاد شهید مراجعه کرده و از شخصیت پدرش می گوید که همین گفته ها می تواند سوژه ای برای خلق آثار ادبی جنگ محسوب شود.

به باور محمدعلی فقیه دسترسی آسان نویسنده به سوژه ها نیازمند اطلاع رسانی است که برای تحقق این مهم پس از این که فاز اول جمع آوری سوژه ها توسط دفاتر استانی پایان یافت و به حد قابل قبولی رسید آنها را از طریق سایت نوید شاهد در اختیار نویسندگان و جامعه ادبی کشور قرار می دهیم که امیدوارم تا پایان تابستان سال جاری این کار انجام شود.

در واقع تشکیل بانک ایده شهدا و ایثارگران نه تنها نویسنده را با موضوعات جدید آشنا می کند،



بلکه دست او را در انتخاب سوژه های مورد نظر باز می گذارد.

فقیه معتقد است که بسیاری از موضوعات و سوژه ها با شهادت جانبازان و آزادگان و با پدر و مادر شهدا در حال نابودی هستند که جمع آوری دستنوشته ها و خاطرات آنها علاوه بر بهره گیری نویسندگان در خلق تازه های ادبی جنگ، اسناد جدیدی را هم در بنیاد شهید و امور ایثارگران به ثبت می رساند.

او مشارکت سایر دستگاه ها با بنیاد شهید در تشکیل بانک ایده شهدا و ایثارگران را موثر بر شمرده و می گوید: بدون شک زمانی که با جمع آوری حد قابل قبولی از سوژه ها فاز اول این بانک راه اندازی می شود، سایر دستگاه ها از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ارتش، کنگره های بزرگداشت شهدا، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی اسناد مکتوب خود را جهت تکمیل بانک در اختیار ما قرار خواهند داد این در حالی است که هم اکنون بیش از صدها هزار برگ سند مکتوب در بایگانی بنیاد شهید موجود است و بنیاد هم در نظر دارد تا توسط گروه های پژوهشی خود سوژه های جدید را از دل این اسناد استخراج کند تا دیگر نیاز نباشد که نویسنده لابه لای موضوعات مختلف، سوژه مورد نظرش را جست و جو کند.

به اعتقاد فقیه سفارشی شدن کار نویسندگان از طریق نهادهای مرتبط معضل بزرگی در رشد و اعتلای ادبیات جنگ است که با تشکیل بانک ایده شهدا و ایثارگران این معضل برطرف شده و موضوعات و ایده های انبوهی متناسب با ذائقه مخاطبان در رده های سنی مختلف تولید خواهد

بانک ایده شهدا و ایثارگران تنها به هشت سال دفاع مقدس محدود نمی شود بلکه تمام شهدا و ایثارگران پیش و در جریان انقلاب را نیز شامل می شود

طی سال های آینده جلوگیری کرده و مانع ورود تخیلات بی حد و اندازه در آثار می شود. به علاوه فکر می کنم تخیل تا اندازه ای که به جذابیت داستان کمک کند بجاست اما وقتی به واقعیات جنگ کم توجهی شود و تنها از ذهن و سلیقه خیالی نویسنده برآید دیگر حرفی برای گفتن ندارد.

به طور یقین انتقال فرهنگ ایثار و شهادت تنها با واقعیات جنگ به مخاطب منتقل می شود به عنوان مثال اگر مقایسه ای بین یک فیلم مستند جنگی کوتاه با فیلم طولانی که برآمده از ذهن تخیلی کارگردان در به تصویر کشیدن حوادث جنگ است، داشته باشیم به خوبی درمی یابیم که فیلم مستند در عین جذابیت حاصل از حقایق جنگ، تاثیر عمیقی در ذهن مخاطب می گذارد. شخصیت های جنگ به خودی خود هم بزرگ و قابل توجه اند و تنها نباید در محدوده شناخت نویسندگان قرار بگیرند بلکه قابلیت زیادی برای تولید فیلم و مستند نیز دارند. تفاوت شرایط فعلی با دوران جنگ تحمیلی در این است که در زمان جنگ سوژه ها در دسترس مردم بودند و مخاطب از نزدیک با واقعیات جنگ درگیر بود اما حالا که فاصله زیادی از آن دوران گرفته ایم، جامعه ایثارگران نیز چنین فاصله ای از جنگ پیدا کرده و بسیاری از آنها به دلیل حفظ حرمت دوران جنگ صلاح می بینند سکوت اختیار کنند که قطعاً راه اندازی بانک ایده شهدا و ایثارگران می تواند این شخصیت ها ما را به دست توانمند نویسندگان و هنرمندان در جامعه مطرح کند.

به اعتقاد فقیه زمانی که طرح انتشار اسناد شهدا مطرح شد استقبال خوبی از مردم عادی جامعه انجام گرفت و ظرف مدت کوتاهی انباشته ای از اسناد جمع آوری شد که در مورد بانک ایده شهدا نیز بر این باورم که استقبال خوبی از این طرح صورت گیرد و سوژه های زیادی تولید شود. محمدعلی فقیه درباره جذب نویسندگان مختلف کشور توسط بانک ایده می گوید: با نگاهی به کتاب های نشر شاهد به خوبی متوجه می شویم که بسیاری از نویسندگان این انتشارات در جامعه مطرح نیستند. انتشارات شاهد در سال ۸۶ بیش از ۴۰۰ عنوان کتاب به چاپ رساند و اغلب این آثار توسط نویسندگانی تولید شده بود که تاکنون کتابی در دست تالیف نداشتند. یکی از اهداف تشکیل بانک ایده شهدا و ایثارگران جذب نویسندگان گمنام جامعه برای محک زدن فرد است. زیرا نویسنده باید در درجه اول مهارت لازم را برای به ذوق آوردن خانواده شهدا و ایثارگران در میان ناگفته ها داشته باشد.

او به نحوه استخراج سوژه های جمع آوری شده از بانک ایده اشاره می کند و می گوید: افرادی که وظیفه استخراج سوژه ها را از میان اسناد مکتوب به عهده می گیرند از کسانی انتخاب می شوند که پیش از این نیز همکاری های زیادی با بنیاد شهید داشته و از مهارت لازم برخوردار باشند به علاوه استانداردهای مشخصی برای استخراج این سوژه ها تعریف شده است.

مدیرکل انتشارات و اطلاع رسانی بنیاد شهید و امور ایثارگران در پایان سخنانش به طرح ها و برنامه های آینده اشاره کرده و می گوید: تولید زندگی نامه شهدای شاخص استان ها، انتشار پژوهش های انجام گرفته در حوزه ایثار و شهادت و رونمایی کتاب های جدید تولید شده در هفته دفاع مقدس از طرح های آینده انتشارات بنیاد شهید است.

شد.

او تشکیل بانک ایده شهدا را منحصر به تولید آثار ادبی فاخر دفاع مقدس نمی داند بلکه معتقد است جامعه کنونی دچار رکود جدی در عرصه سینما و تئاتر دفاع مقدس شده و از آنجا که هر یک از سوژه های مورد نظر قابلیت تبدیل به فیلم و تئاتر دفاع مقدس را دارند، بنابراین علاوه بر نویسندگان، جامعه هنری کشور نیز با بهره گیری از این سوژه ها می توانند به تولید فیلمنامه و نمایشنامه های جدید برگرفته از شخصیت واقعی شهدا و ایثارگران بپردازند تا زمینه رشد و شکوفایی سینما و تئاتر دفاع مقدس نیز از این طریق فراهم شود.

فقیه با اشاره به سایر ویژگی های این بانک می گوید: بانک ایده شهدا و ایثارگران تنها به هشت سال دفاع مقدس محدود نمی شود بلکه تمام شهدا و ایثارگران پیش و در جریان انقلاب و ترور و حتی شهدای مبارزه با مواد مخدر و اشرار و بین الملل را نیز شامل می شود که شاید برخی از آنها تاکنون یک بار هم مورد توجه قرار نگرفته بودند. مدیر کل انتشارات و اطلاع رسانی بنیاد شهید و امور ایثارگران با اعلام این که کلیه نویسندگان و هنرمندان استقبال کنند از بانک ایده مورد حمایت قرار می گیرند، می گوید: حمایت های متفاوتی بر اساس فعالیت جامعه ادبی و هنری صورت می گیرد. یک وجه حمایت از طریق کمیسیون انتشارات و عقد قرارداد با نویسنده و هنرمند صورت می گیرد و وجه دیگر مختص ناشران به ویژه ناشران خصوصی است که این سرمایه گذاری می تواند در مراحل مختلف تولید و انتشار یک اثر باشد به عنوان مثال حمایت از ترجمه یک اثر متفاوت از حمایت از یک فیلمنامه خواهد بود و هر یک سیاست های حمایتی خاصی را می طلبد.

فقیه بر این باور است که آثار موجود در حوزه ادبیات پایداری باید بیش از هر چیز به واقعیت نزدیک باشند تا در ذهن مخاطب موثر واقع شوند. او اعتقاد دارد که با تشکیل بانک ایده شهدا و ایثارگران علاوه بر این که شاهد حجم انبوهی از تولیدات ادبی و هنری در عرصه انقلاب و دفاع مقدس خواهیم بود با آثار مستندی نیز مواجه می شویم که هر یک بر اساس شخصیت های واقعی جنگ و انقلاب شکل گرفته اند. چنین آثاری می تواند جذابیت زیادی در ذهن مخاطب ایجاد کند چون زمانی که داستان تولید شده بر اساس واقعیت باشد از بروز تزلزل در واقعیت های جنگ



پای صحبت دکتر محمود عبادیان به انگیزه انتشار «درآمدی بر ادبیات معاصر ایران»

ادبیات فارسی از دیروز تا فردا

جنگ جهانی و بعد از تجاوز و توطئه انگلستان و روسیه علیه کشور و مردم ایران است که مردم را به تفکر و تأمل وامی دارد و سبب حرکتی می شود که آشنایی با زبان و ادبیات اروپایی است. بیش از همه نیاز جامعه، انسان ایرانی را واداشت که مشخصاً رابطه اش را با واقعیت های اجتماع و رویدادهای روزمره در شعر و نثر منعکس کند، بدون آن آرایه ها و تصویرها و تمثیل ها؛ به هر حال فکر می کردم به عنوان یکی از هزاران هزار معلم زبان و ادبیات فارسی وظیفه دارم مولفه های دیروز و امروز ادبیات فارسی را زیر ذره بین ببرم، آن را شناسایی کنم و به جامعه بشناسانم.

اشاره کردید که ادبیات فارسی در دوران ۱۲۵ ساله قاجار یکی از بزرگ ترین تغییرات تاریخ را از سر گذراند.

یعنی زبان فارسی، در این مقطع توانست واقعیت های روزمره را در روزنامه های صور اسرافیل و جنگل و ... بیان کند. برای اولین بار زبان فارسی به آن بعد واقع بینانه در ارتباط با مسائل مردم رسید که قبل از آن تاریخ در زبان فارسی سابقه ندارد. تاریخ مختلفی که از چند صد سال قبل دارید می بینید که جنبه های واقعی متن آنها تا تحویل و با افسانه آمیخته شده است از تاریخ بیهقی بگذریم که یک استثنا است آثاری مانند تاریخ سیستان و تاریخ بلخ می ... در این دوران آثاری مانند حاجی سیاح و سیاحت نامه ابراهیم بیگ است که زندگی روزمره مردم و رویدادهای کوچک و خیابان در آن نقش بسط و بازتاب پیدا کرد. یعنی زبان فارسی آنقدر توانا شد که بتواند آنچه حول و حوش انسان ایرانی می گذرد، به بهترین نحو بیان کند. این را در آثار گذشتگان مربوط به قرون گذشته نداریم.

در این دوران که آثاری مانند سفرنامه ابراهیم بیگ و سفرنامه حاج سیاح نوشته شد، دوران اوج و شکوفایی داستان های عامیانه است. مثل ابومسلم نامه ها و سندیادنامه ها و ...

زبان هم در این دوران زبان مردم عام است. زبان دیگر مغلق و پیچیده دوران سپهری شده نیست. زبان در این مقطع برای توده مردم کوچک و خیابان قابل درک است. پایه زبان ملی همین است. حالا کار نداریم که زبان بر اساس همین زبان قصه های عامیانه اعتلاء پیدا می کند و پیرایش می شود. اما پایه زبان همین زبان قصه های عامیانه، زبان توده مردم است.

آیا زبان قصه های عامیانه، در اعتلای ادبیات مدرن و اعتلای زبان فارسی موثر بوده است؟

چرا که نه؟ ترجمه هزار و یک شب را نگاه کنید که چه تحولی در ادبیات مدرن جهان ایجاد کرد؟ سفرنامه ها را نگاه کنید. یا خاطراتی که برخی از افراد سرشناس دوران قاجاریه که نام همگی آنها پسوند الدوله و السلطنه را پدید می کشد، بخوانید، این آثار چقدر به رشد و اعتلای زبان و ادبیات فارسی کمک کرد؟ از دوران امیرکبیر چند وزیر که نویسنده هم بودند برای اولین بار زبان فارسی را در آثارشان از سجع و صفت های پیچیده و لغات مغلق و نتایج اضافات چندصد ساله آراستند و زبان فارسی را برای تحول به سمت سادگی آماده کردند. تاریخ نویسان بعد از این دوران هم چنین کردند.

بعد از قرن هشتم که شاهد اوج ادبیات فارسی به ویژه در حوزه شعر و عرفان اسلامی و فلسفه ایم، ناگهان از تولید اندیشه بازمی مانیم. ادبیات و هنر از زایش بازمی ماند. چرا کدام عوامل اجتماعی و یا سیاسی،



درباره شاهنامه صورت نگرفت. جز ترجمه هایی که از شاهنامه به روسی منتشر شده یا بخش هایی از آن به انگلیسی ترجمه و در آمریکا منتشر شده و یا شرح هایی که از شاهنامه در برخی از کشورهای اروپایی به چاپ رسیده است. در این سال ها همان طور که به تبلیغ مولانا می پردازند و آثارش در اروپا و آمریکا ترجمه و دست به دست می شود شاهنامه فردوسی را هم باید مورد توجه قرار دهند. شاهنامه در بعضی زمینه ها فعالیت دارتر است از این رو باید ترویج و تبلیغ بشود.

شما در مقدمه این کتاب اشاره کرده اید که در دهه های گذشته، برخی استادان و گروه های ادبیات فارسی در دانشگاه ها و مدارس عالی کشور جایگاه خاصی برای ادبیات معاصر که براننده شان آن باشد قائل نبودند.

الان هم برخی از استادان دانشگاه ها شانی برای ادبیات معاصر فارسی قائل نیستند. این توجه به ادبیات معاصر توسط استادان جوان تر دانشگاه ها و مدارس عالی کشور باید صورت بگیرد. ادبیات معاصر موضوع مورد توجه برخی از استادان و دغدغه برخی از روشنفکران و اهل اندیشه جامعه ماست و درصد خاصی از افراد جامعه به آن توجه دارند. هنوز در میان توده های مردم جا باز نکرده است، همان طور که روی طاقچه هر خانه ای دیوان حافظ و کلیات سعدی وجود دارد، هیچ اثری از شاعران و نویسندگان معاصر وارد خانه های مردم عادی نشده است. ما باید ادبیات معاصر فارسی را تبلیغ و ترویج کنیم. این کتاب هم یک گام در جهت آن بود که بگوییم برای اولین دفعه، ادبیات هزار و صد ساله فارسی دو جهش متفاوت داشته است. یکی در دوره اسلامی با شعر فارسی همراه بود. یعنی در قدم اول انسان ایرانی توانست عاطفه، احساس، عشق و فراق خودش را برای نخستینبار در نظم و نثر فارسی بیان کند. شما در ادبیات پیش از اسلام چنین چیزی را سراغ ندارید. جز متون اوستایی که بیشتر دینی و اخلاقی بودند و متون پارسی میانه که آنها هم متون حقوقی و اسطوره ای بودند، در دوران اسلامی بود که مردم در صحنه ادبیات حضور پیدا کردند. کلیت این موضوع در این دوران خوب است. یعنی یک کلیت انسانی در غزل های سعدی و حافظ و دیگر شاعران که احساسات مشترکی با همه بشریت دارند، بازتاب می یابد. گرایش دوم بعد از شکست ایران در جریان

و مدت ۲۵ سالی که در آن مناطق زندگی می کردم بیشتر روی آثار فلسفی دقیق شده بودم. اتفاقاً رساله اولین دکترای من در رشته ادبیات فارسی، تحت عنوان «فلسفه هنر و زیبایی شناسی ادبیات فارسی» نوشته شده و استاد راهنمای من هم پروفسور یان رپیکا بود، بعد که به آلمان غربی سفر کردم عمدتاً به فلسفه و زبان های ایران باستان مانند اوستا و پارسی باستان و پهلوی پرداختم. در نتیجه رو به فیلولوژی و فلسفه آورده بودم. چون سال های اول تدریس در دانشگاه به بهانه ای اجازه نمی دادند رشته فلسفه را تدریس کنیم، وارد گروه ادبیات شدیم.

زمانی که به گروه فلسفه پیوستید، چه آثاری در حوزه فلسفه تالیف یا ترجمه کرده اید؟

پدیدارشناسی هگل را ترجمه کردم و برای چاپ به انتشارات علمی و فرهنگی سپردم. کتابی درباره آراء و اندیشه ها و آثار لوکاچ در دست تالیف دارم که در روزهای آینده به پایان می رسد و تحویل انتشارات علمی و فرهنگی می دهم.

اولین کسی بودم که کتاب تراکتاتوس ویتگنشتاین را ترجمه کردم. در حوزه فلسفه بیشتر به ترجمه آثار دیگران پرداختم تا تالیف و پژوهش. چون دانشجوی فلسفه هنر و زیبایی شناسی هستم و فلسفه هگل را تعقیب می کنم بیشتر به ترجمه آثاری در این زمینه ها پرداختم که متون اصلی فلسفه در اختیار دانشجویان قرار بگیرد تا بتواند قضاوت درستی داشته باشد. متون اصلی را بخواند و خودش صاحب نظر بشود.

به نظر شما در حوزه شاهنامه پژوهی با چه کمبودهایی روبه رو هستیم؟

الان که شاهنامه پژوهی در حال رونق و رواج بیشتری در مقایسه با دهه اول انقلاب است. خوشبختانه چند سال بعد که صحبت هایی درباره هویت و زبان فارسی شد، توجه به فردوسی و شاهنامه رونقی دوباره گرفت. الان ضروری است که روی زبان فارسی شاهنامه کار کنیم. زیبایی شناسی این اثر را کشف و تحلیل کنیم، چون در این زمینه اصلاً کار نشده و فکر می کنم، اگر عمری باقی باشد، در این زمینه به قدر وسع خود کار خواهیم کرد، از طرفی لازم است در حوزه شاهنامه پژوهی مطالعات تطبیقی صورت بگیرد و با آثار حماسی هند چون مهابهاراتا مقایسه شود. البته در حوزه شاهنامه پژوهی نولد که آن کتاب حماسه ملی ایرانیان را نوشت که در واقع تبدیل به یک شاهکار کلاسیک شده است. غیر از این کار چندانی در اروپا

درآمدی بر ادبیات معاصر ایران عنوان کتابی به قلم دکتر محمود عبادیان است که چاپ اول آن حدود شانزده سال قبل منتشر شد.

این کتاب که طی دو فصل گرایش های ادبی در عصر قاجار و درآمدی بر ادبیات معاصر ایران نام دارد، هفته گذشته توسط انتشارات مروارید تجدید چاپ شده است. دکتر عبادیان علاوه بر این، کتاب دیگری که سال ها پیش به مناسبت هزاره فردوسی و شاهنامه نوشته و منتشر کرده بود، تحت عنوان «حماسه سرایی و سنت نوآوری در شاهنامه» در دست چاپ مجدد دارد.

دکتر عبادیان بیش از ۲۵ سال از عمرش را در غرب به تحصیل و تدریس در رشته ادبیات و فلسفه گذراند و آثار متعددی در این دو حوزه اعم از تالیف و ترجمه منتشر کرده است.

آقای عبادیان در این سال ها چه آثار تازه ای نوشته اید؟

حدود ده سالی در گروه ادبیات و زبان فارسی دانشگاه علامه طباطبایی تدریس می کردم و مطابق سنتی که در دانشگاه های اروپا رایج است و ما در دوران تحصیل آموخته بودیم، به تحقیق و پژوهش مشغول شدم. در نتیجه سلسله آثاری مانند تکوین غزل و نقش سعدی به مناسبت بزرگداشت سعدی در شیراز را نوشتم و منتشر کردم. وقتی در سال ۱۳۶۷ بزرگداشت حافظ مطرح شد، باز هم کتابی تحت عنوان آنچه خوبان همه دارند تالیف کردم و به این کنگره ارائه دادم. برای کنگره هزاره فردوسی هم اثری حدوداً چهارصد صفحه ای نوشتم که در حوزه ادبیات تطبیقی جای می گیرد. به هر حال این اثر در حال حاضر تحویل انتشارات مروارید شده و تصمیم دارند آن را تجدید چاپ کنند. در این کتاب حماسه بین النهرین یعنی گیل گمش را با هومر و فردوسی مقایسه کردم بر مبنای آنچه که در اروپا در زمینه ادبیات تطبیقی آموخته بودم قرار دادم. جزوه ای هم به نام انواع ادبی نوشته ام که ماحصل سال ها تدریس در دانشگاه های کشور است، این کتاب هم اکنون برای تجدید چاپ در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در انتظار مجوز به سر می برد. یک کتاب هم به نام سبک شناسی نوشتم.

اما از سال ۱۳۶۹ که به گروه فلسفه پیوستم و در کنار آقای دکتر دادبه و دیگر همکاران، گروه فلسفه دانشگاه علامه را تشکیل دادیم به ترجمه و تالیف آثار فلسفی پرداختم.

کتابی که در زمینه ادبیات تطبیقی راجع به فردوسی نوشته اید، در چه سالی و با چه عنوانی منتشر شد و با چه تغییراتی قرار است تجدید چاپ شود؟

این کتاب را به مناسبت کنگره هزاره فردوسی که در دهه شصت در دانشگاه تهران برگزار شده، نوشته ام. اما به دلیل مشغله زیاد نتوانستم آن را تکمیل و به آن کنگره ارائه کنم. بنابراین پس از چندی که آن را آماده کردم و به ناشری سپردم تا چاپ و عرضه شود. این کتاب تحت عنوان «حماسه سرایی و سنت نوآوری در شاهنامه» منتشر شد. در مورد تجدید چاپ این کتاب هم قرار نیست هیچ گونه تغییری داده شود یا مطلب و موضوعی به متن اضافه شود. البته درباره فردوسی مطالب و مقالات زیادی نوشتم. اما هیچ کدام به این کتاب راه نیافت. هر چند می توان همه آنها را در یک کتاب مستقل چاپ کرد.

دلیل این که از ادبیات فاصله گرفتید و به فلسفه پیوستید، چه بود؟

در آلمان و چک و اسلواکی دانشجوی فلسفه بودم

یک نوع ادبیات دنیوی یا زمینی داشتیم که قبل از فردوسی قصیده سربایان دربار سلطان محمود یا... بودند که این افراد پایه‌های زبان فارسی امروز را ریختند و بعد شیوایی و زیبایی‌هایی که در غزل‌های حافظ و سعدی می‌بینیم، پایه‌های اولیه‌اش را باید در آثار همان شاعران و ادیبان دربار دید. عنصری را که در ذم او می‌گویند و می‌نویسند "وامق و عذرا" پیش پایه‌های اولین داستان فارسی را ریخت و خیلی هم ملموس و جذاب است. به هر حال عرفان و اکتشی بود به تجمل‌ریزکاری و فسادهایی که اینجا و آنجا در طبقات اشراف و اعیان به وجود آمده بود و عرفان به عنوان یک جنبش فکری و اعتراضی بود. ادبیات فارسی رو به عمق و ژرفا آورد. یک عمق تصویری پیدا کرد، به هر حال هر جنبش فرهنگی و اجتماعی یک شرایطی آن را به وجود می‌آورد و رونق می‌بخشد و در شرایطی دیگر به سمت افول میل می‌کند و به سکوت و رکود کشیده می‌شود.

پس از انقلاب، شعر جنگ و ادبیات جنگ در ژانر خاطره نگاری شکل گرفت و آثار بسیار خوبی به وجود آمد. حتماً می‌دانید توسط آقای کمره‌ای و دوستان ایشان تحقیقات خوبی در زمینه ادبیات جنگ صورت گرفته است و هنوز هم در این حوزه کار می‌کنند. اما این حق را هم دارید که بگویید با تأثیر از رویداد انقلاب و جنگ اثر شاخص و ماندگاری که بتوان شاهکار نامید خلق نشده است. البته در فرهنگ و ادبیات این سرزمین آن جایگاه ویژه و متمایزی که شعر داشت، کم کم از تخت سلطنت به زیر کشیده شد و جای خودش را به ادبیات داستانی داد، همان گونه که در دو دهه سال اخیر در همه جای جهان این حادثه اتفاق افتاده است. دنیای امروز، دنیای نثر و ادبیات داستانی است تا دنیای شعر و شاعری.

شاید به این دلیل که شعر با تخیل و احساسات همگام و همراه است اما داستان با تفکر و اندیشه و واقعیت‌های اجتماعی سروکار دارد.

دقیقاً همین طور است. وضعیت ادبیات داستانی به ویژه در سال‌های پس از انقلاب خیلی خوب شده است. به ویژه داستان‌های کوتاه فارسی که از زمان‌های چند دهه اخیر جلو زده است و به اوج و اعتلای فراوانی رسیده است.

آیا دانشگاه‌ها در هیچ کشوری توانستند نویسنده و شاعر تربیت کنند؟

غیر مستقیم در تربیت شاعر و نویسنده نقش داشتند. اینجا و آنجا نویسندگانی بودند که اصول اولیه نویسندگی خلاق و عناصر و ابزارهای داستان نویسی را به دانشجویان آموزش می‌دادند. اما مثل همه جای جهان نویسنده خارج از فضای رسمی دانشگاه‌ها، در متن جامعه و در دامان مردم تربیت می‌شود در سالیان اجتماع هم او را به بلوغ و شکوفایی می‌رساند. شاعر هم این وضع را دارد. خلاقیت و نبوغ را دانشگاه به کسی نمی‌دهد. شاید یک استاد دانشگاه در بیدار کردن نبوغ کسی یا شکوفایی یک استعداد نقش داشته باشد. با این حال استادان دانشگاه کمتر پیش آمده که نویسنده بزرگی بشوند. البته می‌دانید اغلب استادان دانشگاه به شکل سنتی ادبیات معاصر را قبول نداشتند و هنوز هم ندارند و گرنه ادبیات معاصر فارسی خیلی خوب شده و کم کم به زبان‌های اروپایی هم ترجمه شده و می‌شوند. ایرانیان خارج از کشور هم خودشان آثار مستقلی که تجلی فرهنگ ایران است، در یک شرایط ویژه خلق می‌کنند.

دانشگاه‌های ایران در عرصه‌ای که می‌توانستند تأثیرگذار باشند، آموزش نقد ادبی و نقد خلاق است، نقد ادبی یک علم است که با آموزش و تربیت فکری حاصل می‌شود. اما در این عرصه هم دانشگاه‌ها ناتوان بودند.

نقد علمی در ایران هنوز میحث تازه و نویی است و که پایه‌هایش هنوز مستحکم نشده است. ادبیات و فرهنگ ایران با همه پیشرفت‌هایی که داشت، هنوز در بخش‌هایی سنتی است. استادان دانشگاه‌ها در زمینه نقد ادبی به این قتیبه و امثال او بیشتر می‌پردازند تا به لوکاج و رولن بارت و تودوروف.

به اعتقاد شما ادبیات و فرهنگ زمینه‌ساز تحولات

اجتماعی می‌شود یا تحولات اجتماعی منجر به پیدایش ادبیات پیشرفته؟

به هر حال شاعر و نویسنده فرزند زمان خودش است. اینقدر نسبت به مسائل زمان خودش بینش و استعداد دارد و نسبت به تحولات پیرامونش حساسیت نشان می‌دهد که اول از اجتماع و عصر خودش تأثیر می‌پذیرد. ولی عکس این موضوع، یعنی دیالکتیک این که چیزی از چیز دیگر متأثر شده. خودش در آن چیز هم مؤثر می‌شود. ادبیات قرن هفدهم به هیجدهم و هیجدهم به نوزدهم فرانسه را نگاه کنید که ادبیات در تحول انقلاب کبیر فرانسه چقدر نقش مؤثری ایفا کرد.

ادبیات مدرن و معاصر فارسی از طریق ترجمه آثار برجسته فرانسوی در ایران شکل گرفت.

درست است، چون اولین گروه از فرستادگان دوره قاجار که برای تحصیلات دانشگاهی و آموزش رشته‌های فنی و مهندسی به اروپا اعزام شدند عمدتاً مقصد این گروه‌ها کشور فرانسه بود. بعد تعدادی هم به انگلستان می‌رفتند در نتیجه در مقطع جنگ جهانی دوم زبان دوم که در مدارس رسمیت داشت و آموزش داده می‌شد زبان فرانسوی بود. طبیعی است وقتی این گروه‌ها به فرانسه اعزام می‌شدند و جزو دانشجویان نخیه و تیزهوش محسوب می‌شدند، یک شناخت نسبی از ادبیات فرانسوی پیدا کردند و برخی دست به ترجمه این آثار می‌زدند و ترجمه خود را در ایران به دست چاپ می‌سپردند. از این طریق نویسندگان و شاعران ایرانی را تحت تأثیر قرار می‌دادند.

نیما یوشیج با شناختی که از شعر مدرن فرانسه پیدا کرده بود و این آثار را بدون واسطه به زبان اصلی مطالعه می‌کرده، بر اساس شناخت درستی که از شعر اروپا به دست آورد پرچمدار نوآوری در شعر کلاسیک فارسی شد و مولفه‌های شعر مدرن را در سروده‌های خود به کار گرفت.

به هر حال نیما شعر نو فارسی را بنیان نهاد با توجه به آشنایی که با شعر و شاعران فرانسوی پیدا کرد و در مدتی بسیار کوتاه شعر نیمایی و شعر سپید پیروان بسیاری پیدا کرد و شعر کلاسیک فارسی را با آن قدمت طولانی و سابقه درخشان به محاق برد.

به رغم این که ادبیات فرانسوی به ما خیلی نزدیک شد و جامعه ایران با آن مانوس شد و آثار درخشانی مانند زندگینامه ژان ژاک روسو تحت عنوان "اعترافات" در ایران و جهان بازتاب بسیار وسیعی پیدا کرد. این ژانر ادبی در ایران نهادینه نشد و پیروانی پیدا نکرد. چرا؟

در زمینه نوشتن و چاپ خاطرات تا اندازه‌ای مؤثر واقع شد ولی بیشتر این خاطرات متعلق به اشراف و اعیان و دربار قاجاریه بود.

هر چند رمان زندگینامه‌ای در ایران شکل پیدا نکرد و مورد توجه واقع نشد البته نوشتن این گونه آثار شهادت بسیار می‌خواهد. چون نویسنده زوایای پنهان زندگی‌اش را عیان می‌کند و در معرض قضاوت افکار عمومی قرار می‌دهد. این بود که این ژانر چندان با اقبال نویسندگان ایرانی مواجه نشد و مسکوت ماند.

امروز غالباً زبان فارسی بر مبنای لهجه تهرانی به عنوان زبان معیار شناخته می‌شود. ارزیابی شما از زبان معیار چیست؟

واقعیت امر این است که هنوز بر سر تعیین زبان معیار حرف و حدیث فراوان است. یعنی زبان تهرانی به دو صورت مطرح است.

یک نوع زبان تهرانی متعلق به جنوب تهران است که گرامر و قانون واژگان مخصوص به خودش را دارد. استادی چک در این زمینه دست به تحقیق و پژوهش جالبی زده که منحصر به فرد و فوق العاده است. متأسفانه این تحقیقات به زبان چکسلواکی چاپ شده است.

آنچه که در این کتاب آمده چکیده زبان فارسی به لهجه تهرانی است. این البته زبان فارسی معیار نیست. زبان معیار زبانی است که قشر روشنفکر اجتماع و افراد فرهیخته از آن استفاده می‌کنند. این زبان بر اساس آثار کلاسیک فارسی مانند آثار سعدی از جمله گلستان یا سمک عیار و امثال آن تعیین می‌شود. به اعتقاد من هنوز باید روی زبان معیار کار کرد.

پارادوکس ترجمه



مجید اسدی: نقد ترجمه در ایران برخلاف خود ترجمه که رشد نسبی و مطلوبی داشته رشد قابل توجهی نداشته است و به رغم فعالیت‌ها و توجهات سال‌های اخیر به بحث نقد ترجمه، هنوز دارای نوعی فقر در نقد ترجمه - چه از بعد تئوریک و چه از حیث نقد آثار ترجمه شده - هستیم. البته ضعف نقد تنها در عرصه ترجمه نیست بلکه اصولاً نقد و نقادی از حیث تئوریک و علمی در موضوعات مختلف در ایران با مشکلات متعددی مواجه است. اما از آنجا که خواسته و ناخواسته نقد همسایه دیوار به دیوار هر علم و اثر علمی و بلکه هر موضوع مهمی در حیات انسان است ضروری است با رسمیت بخشیدن به جایگاه نقد و محترم شمردن نقادی از مواهب و نتایج سودمند آن در عرصه‌های مختلف بهره‌مند شویم.

بسیاری از آثار علمی و تمدن درخشان اسلامی در قرون اولیه تاریخ اسلام مستقیم و غیر مستقیم و امدار نقد آراء و افکار و آثار علمی توسط عالمان بعدی بوده است و در عرصه ترجمه نیز ترجمه مکرر از مقدس‌ترین و مهم‌ترین آثار در جهان اسلام و از جمله قرآن کریم بر مبنای آثار متقدم که همراه با حذف، تعدیل و تغییر در عبارات و آثار بوده گواه اهمیت نقد در رشد و گسترش علم در آن دوره تاریخی دارد.

می‌توان بزرگ‌ترین مانع نقد در جامعه امروز ما را می‌توان عدم رسمیت جایگاه نقد دانست و مهم‌ترین علل مخالفت آشکار و غیر آشکار با نقد و نقادی نیز را غالباً غیر علمی بودن نقدها و یا آلوده بودن به اغراض غیر علمی و گاه اغراض فردی و گروهی ذکر می‌کنند. اگر چه نمی‌توان منکر نقدهای غیر علمی و مغرضانه در عرصه نقادی شد اما واقعیت این است که عدم رسمیت بخشیدن به نقد و تعریف نشدن جایگاه اجتماعی نقد علمی خود باعث دامن زدن به نقدهای غیر علمی و مغرضانه می‌شود و در این میان نقدهای علمی و منصفانه نیز امکان ظهور و بروز پیدا نمی‌کنند. هر چند نبود مباحث تئوریک خود از علل تثبیت نشدن جایگاه اجتماعی نقد به شمار می‌رود. با گسترش ارتباطات جهانی و بین‌المللی در ابعاد مختلف علمی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، ادبی، هنری و ابزارهای فناورانه نیاز به ترجمه سرعت مضاعفی پیدا کرده است.

ترجمه‌های هم‌زمان شفاهی و مکتوب، ترجمه‌های خبری، ترجمه گزارش‌های روزانه در کنار ترجمه‌های متداول و عمومی و ترجمه روزافزون آثار کودکان و نوجوانان تا ترجمه‌های آثار مهم علمی، ادبی و هنری، طیف متفاوتی از آثار ترجمه شده را به وجود آورده است که نه می‌توان مانع این گونه ترجمه‌ها شد و نه می‌توان در ارائه آنها کیفیت یکسان قائل شد. اینجا دقیقاً جایی است که ما نیازمند نقد ترجمه هستیم تا با توجه به ضرورت و لوازم ترجمه و موضوع و متن ترجمه چارچوب شایسته و بایسته ترجمه در هر یک از حوزه‌های ترجمه مشخص شود. نبود نقد ترجمه و یا حضور ضعیف نقد ترجمه موجب آشفتگی نسبی در ترجمه آثار است. در آشفتگی بازار ترجمه همین بس که نبود بعضی از ترجمه‌ها خدمت بزرگ تری از وجود این گونه ترجمه‌هاست.

نکته دیگری که در نقد ترجمه باید مورد نظر قرار گیرد آن است که ما چه ترجمه را "علم بدنامی" یا ترجمه را تابع روش‌های علمی در نظر بگیریم باید به دنبال اصول نقد ترجمه بومی باشیم و از آنجا که ترجمه متضمن یک دگرگونی بین زبان مبدأ و زبان مقصد است حد و حدود این دگرگونی در نقد ترجمه بومی به بحث گذاشته شود. به طور مشخص تر منظور از بومی کردن نقد دقت در ظرایف زبانی، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های زبان فارسی در فرایند ترجمه است. با بومی شدن اصول نقد و توانمندی زبان مقصد است که می‌توان نهایتاً قضاوت کرد که مترجم در ترجمه خود چه مقدار توفیق یافته و چه مقدار ناکامیاب و حقیقتاً اینچنین نیست که همواره مترجم در ترجمه ناتوان باشد و بسیاری از نقدهایی که بر ترجمه وارد می‌شود به علت عدم توجه به اصول نقد ترجمه بومی نقادی غیر قابل قبول و ناتمام است.

از آن حیث که نقد ترجمه ناظر بر زبان ترجمه است و زبان‌ها علاوه بر مشترکات دارای ویژگی‌های زبانی نیز هستند، هر زبانی اصول نقد ویژه خود را طلب می‌کند. موضوع دیگری که در نقد ترجمه شایسته است بیشتر به آن پرداخته شود پارادوکس ترجمه است. در ترجمه گاه مترجم و غالباً خوانندگان اثر قائل به نوعی این‌همانی هستند به این معنا که این متن ترجمه شده دقیقاً برابر همان متن اصلی است و صرفاً زبان آن متفاوت است. حقیقت آن است که اگر چه مترجم و خواننده اثر دوست دارند اینچنین باشد ولی چه از باب تئوری و چه از باب عملی ترجمه و متن اصلی یکی نیستند و در ترجمه ما می‌انگاریم و می‌پنداریم و یا بنا به ضرورت می‌پذیریم که آن دو یکی هستند. البته این دوگانگی بین متن و ترجمه حتی برای کسانی که معتقد به آفرینش مستقل در ترجمه هستند و ترجمه را آفرینش جدا می‌دانند از نوع دوگانگی مستقل نیست بلکه در ترجمه در عین دوگانگی یک نوع پیوستگی در میان است و برای این که اثری ترجمه نامیده شود نیازمند این پیوستگی و یگانگی ضروری است و این همان پارادوکس ترجمه است که باید در نقد ترجمه همواره لحاظ شود.

یکی دانستن متن اصلی و ترجمه این اجازه را به ما می‌دهد که هر ترجمه‌ای را فراتر از متن اصلی‌اش نپذیریم. و یکی ندانستن متن اصلی و ترجمه راه را برای ترجمه‌های جدید، نو و کامل تر باز می‌کند. گذشته از این مباحث تئوریک، وجود ترجمه‌های متفاوت، متعارض و متضاد از متن واحد حکایتگر دوگانگی و نقش مترجم و تفکر و واسطه‌ای مترجم در اثر ترجمه شده دارد. پارادوکس ترجمه فی نفسه امری مثبت و یا منفی به شمار نمی‌رود بلکه لحاظ کردن آن در نقد متون ترجمه ضریب دقت و صحت نقد و نقادی را افزایش می‌دهد.

سخن پایانی آن که نقد ترجمه همچنان نیازمند مباحث جدی تئوریک و نقد عملی آثار ترجمه شده است تا نقد و ترجمه طی زمان به دور از افراط و تفریط در جامعه ما به جریانی قوی، متعارف و علمی با پشتوانه‌های تئوریک و اجتماعی تبدیل شود.



شعر به مثابه توصیف

سارا جلوداریان از شاعرگان پرکار و فعالی است که طی چند سال گذشته حضور خود را تقریباً در اغلب مسابقات شعری، در زمینه‌ها و مناسبت‌های مختلف اعلام کرده است. در بسیاری از همایش‌های شعری دانشجویی، غیر دانشجویی، شهرستان‌ها، مناسبت‌های مذهبی و ملی و ... شرکت کرده، شعر خوانده و جوایز متعددی نیز دریافت کرده است. او سال گذشته مجموعه شعری چاپ کرد به نام "خاطرات مشترک" و امسال - یعنی سال ۸۶ - نیز کتاب دیگری به چاپ رساند با عنوان "هر جاده‌ای به منزل منجر نمی‌رسد." که دربرگیرنده ۳۴ قطعه شعر در قالب غزل و غزل-مثنوی است و پنج قطعه نیز در قالب ترانه، البته مقصود شاعر از ترانه وزن مشهور مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن نیست که مورد استفاده باباطاهر بوده بلکه مقصود ترانه به مفهوم خوانده شدن توسط خواننده‌ای مثلاً در رادیو و تلویزیون یا مجالس و محافل آیینی و مذهبی است با زبانی محاوره‌ای یا عامیانه و گفتاری.

می‌دانیم در دو دهه گذشته نوعی بازگشت ادبی جدید در قالب و قوالب شعری ایجاد شده و تقریباً تمام شاعران کشور غزل می‌گویند و همه هم مدعی هستند که این غزل بوده که به سراغ آنها آمده نه این که آنها به سراغ غزل رفته باشند. من در بسیاری از همین همایش‌ها و کنگره‌ها و جلسات و محافل ادبی و شعری شاعران جوان را می‌بینم که همه غزل می‌خوانند و نوگرایی را هم در استفاده از کلمات و عبارات روزمره و هنجارشکنی‌های محتوایی غزل می‌دانند.



استاد مشفق کاشانی - که همشهری خانم جلوداریان است - مقدمه‌ای ۱۶ صفحه‌ای بر این کتاب نگاهشته با عنوان تجلی هنر در آینه شعر که عمدتاً به نقش عقاید توحیدی و شخصیت امامان و قدیسان دینی به ویژه شیعی در ایران پرداخته است. استاد می‌نویسد: شعر توصیف هنرمندانه‌ای است که از جمال مطلوب با زبانی موزون و هیجان‌انگیز به عمل می‌آید که البته باید دید آیا موزون بودن، مولفه ضروری شعر است یا نه و مقصود از هیجان‌انگیز بودن چیست؟

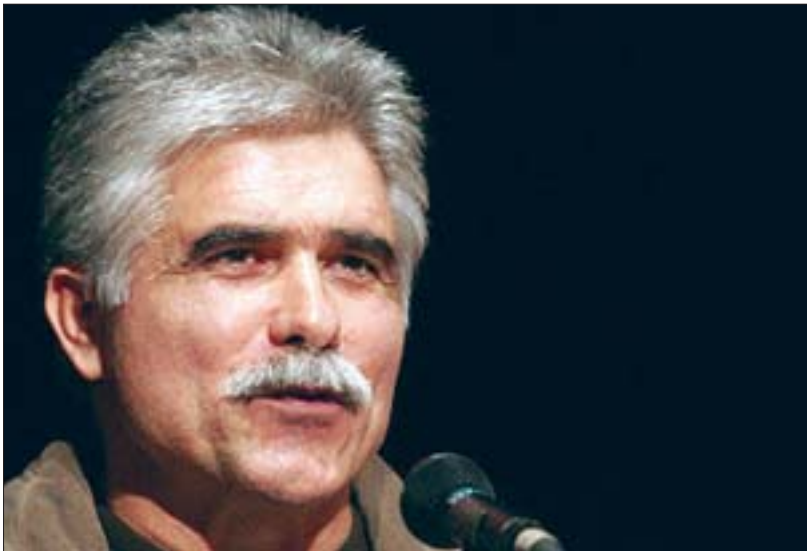
اشعار این کتاب ۱۲۰ صفحه‌ای که توسط انتشارات هزاره ققنوس چاپ شده نوعاً و عموماً مذهبی هستند و در تکریم و تقدیس شخصیت‌های بزرگ دینی سروده شده‌اند. به شهیدان میهن و قدس شریف هم در تعدادی از سروده‌های این مجموعه ادای احترام شده است. در مورد بعضی وقایع فجیع تروریستی مثلاً فاجعه بمب‌گذاری سامرا و تجاوز به حرمین عسکریین (ع) هم شعرهایی می‌بینیم. این هم گزیده‌ای از یک شعر خانم جلوداریان است که برای حضرت ام‌البنین (س) سروده شده و می‌تواند پایان بخش مناسبی برای این و جیزه باشد.

شبیبه قو کسی می‌آید از دریاچه‌ها امشب کسی که بر لبش جاری است زخم ماجرا امشب شبیبه قو که احساس نجیب و مبهمی دارد رها کرده است این احساس را تا کربلا امشب



«پیسته لال سکوت دندان شکن است» در گفت و گو با اکبر اکسیر

افزودنی‌های مجاز شعر امروز



از اکسیر می‌پرسیم که با توجه به این نگاه انتقادی به مسائل اجتماعی، او شعرهایش را چگونه می‌سراید. او شعر را محصول لحظه‌ها عنوان می‌کند و می‌افزاید: شاعر برای سرایش، اولین جرعه‌ها را می‌گیرد و آنها را در باغ مراعات نظیر ادامه می‌دهد و پس از اضافه کردن افزودنی‌های مجاز، بدل به اثری خواندنی می‌کند. اکسیر که همواره و با طنز سخن می‌گوید، افزودنی‌های مجاز را در کار شاعری، همان فرمول‌های ناپیدایی می‌داند که در مواد غذایی به کار گرفته می‌شود و هر چند کسی آنها را اعلام نمی‌کند، سبب برتری یک ماده غذایی، نسبت به ماده غذایی دیگر می‌شود. او می‌افزاید: به گمان من، فرقی نمی‌کند که یک شاعر، اثری را در یک دقیقه یا یک سال سروده باشد. شاعر باید کارش را اندیشمندانه و با شناخت سروده باشد. شعر امروز محصول مکاشفه نیست، محصول شناخت است.

وی با اشاره به وجه فنی شعر، آن را به دنیای مدرن مرتبط می‌داند و می‌گوید: شعر همانند همان ساخته بشر از مواد اولیه، به عرضه و تقاضا نیز نیاز دارد. ما باید ذائقه ایرانی را بشناسیم و بدانیم که آیا یک هموطن این دست آثار را دوست دارد یا نه.

وی معتقد است که هرگز برای ترجمه شدن شعر سروده و همواره به این نکته توجه داشته که شعرش برای خواننده ایرانی قابل فهم و درک باشد.

نگاه شاعرانه در ادبیات فارسی همواره با افتی همراه بوده است. از این روست که شاعران فارسی سرا، کمتر به گونه‌های دیگر شعری پرداخته‌اند، در میان شاعران فارسی سرا، آنانی نیز که به گونه‌های دیگر شعر از جمله طنز پرداخته‌اند، اغلب به فروتنی و یا ترس از استناد دیگر ادیبان و منتقدان اثر، خود را با عنوانی غیر از شعر نامگذاری کرده‌اند. در میان نامگذاری‌های مختلفی که همگی آن را می‌توان زیر چتر شعر طنز گرد آورد، هجو و هزل بیش از بقیه مطرح بوده است. تنها در ادبیات معاصر و به ویژه یکی دو دهه اخیر است که شاعران با اعتماد به نفس بیشتر، آثار خود را در قالب شعر طنز عرضه کرده‌اند. اکبر اکسیر یکی از آن شاعرانی است که می‌توان وی را در این دسته قرار داد. او عناصر روزمره زندگی را جسورانه و مستقیم وارد شعر می‌کند. او با اشاره به این نکته استفاده از این کلمات و عبارات به ظاهر غیر شاعرانه را به صورت کاملاً عمدی انجام می‌دهد و می‌گوید: من از این کلمات کاملاً آگاهانه بهره می‌برم، اما کارم از آن روست که به‌خواهم خودنمایی کنم یا خودم را متفاوت جلوه دهم. نمی‌خواهم با کلمات شعبده‌بازی کنم. هر کلمه‌ای که مورد استفاده قرار می‌دهم از آن روست که در خدمت متن باشد.

اکبر اکسیر استفاده از این کلمات و عبارات برگرفته از زندگی معاصر را از سوی دیگر، اعتراض به آن ادبیاتی می‌داند که خود را همگام با تحولات اجتماعی حرکت نداده است. وی با تأکید به این نکته که توجه به این رویکرد، از جمله مسائلی است که در قلمرو شعر "فرانو" مطرح می‌شوند، یکی از خصوصیات این رویکرد شعری را توجه به کلمات به‌ظاهر پیش پا افتاده در حوزه زبان معرفی کند و می‌گوید: شاعر باید چنان از این واژگان استفاده کند که مهندسی آن با افزودنی‌های مجاز همراه باشد و در نهایت به ایجاد سوال در ذهن مخاطب بینجامد.

وی در مورد تعریف واژه "فرانو" می‌گوید: انتخاب نام فرانو به معنی فراتر از نو، مشخص کردن نوعی از شعر امروز است که از دیرباز در ادبیات ما سابقه داشت. تمام شعرهای برتر در زمان خود فرانو بوده‌اند با این تفاوت که ویژگی‌هایی برایش منظور شده تا شعرهای دیگر شناخته شود؛ شعری کوتاه/ ساده/ عینی/ باطنی/ پنهان/ بدون شعارهای عشقی/ سیاسی/ با آغاز و پایانی غیر مترقبه، با رعایت ایجاز که تفاوتش در ساختار و لحن با شعرک، کاریکاتور و هایکو

طنز در گفتار

کاوه رحمانی: اکبر اکسیر در شعرهایش بیش از آن که به هر چیز دیگر بیندیشد، به ذات شعر فکر می‌کند. او همواره در تلاش است که به جای آن که به بیان مفهومی خاص پردازد، بیانگر تصویری باشد که در نهایت ما را به سوی نوعی اندیشه‌ورزی سوق می‌دهند. از این روست که بیان تصاویر و فضاهای شعری متفاوت، کلمات و عبارات گاه ناهمگون و شلیک تضادها و کنایه‌ها به سوی متن شعر، همواره هدف اولیه این شاعر آستارایی قرار داشته است. توجه اکبر اکسیر، در اغلب کارهایش، چنانچه به محل زندگی‌اش نیز بی‌ارتباط نیست، توجه به طبیعت است. اما نگاه او برخلاف بسیاری از شاعران پیش از خود، توصیف‌گرایانه نیست. او نگران تحریب محیط زیست است و همواره ترس از ماشین و آلردگی او را آزار می‌دهد: "به لطف اسکله‌ها/ ساحل پر از اسکلت ماهی‌ست/ صدف‌ها پودر شده‌اند/ کاگران شیلات، پلاژدار/ قلیان‌های میوه‌ای، فارسی دریایی... اکسیر در این شعرها، انسان را سبب ویرانی محیط زیست معرفی می‌کند. او با این همه شعرش را از بیان صدف محتوایی خارج می‌کند و با آوردن یک طنز یا تصویر ضربه‌مانند، آن را وارد فضای دیگر می‌کند. پایان بندی

همراه با شوک و اغلب یک جمله متفاوت با سطرهای ابتدایی شعر، یکی از خصوصیات حتی شعر اکسیر است. شعرهای او در اغلب اوقات با فضایی اولیه شروع می‌شوند و با فضایی کاملاً متفاوت پایان می‌یابند. به عنوان نمونه او در شعری که به روشنفکران طعنه می‌زند که شاعران شهرستانی را مورد توجه قرار نمی‌دهند، می‌نویسد: شعر خواندم نشنیدید/ کتاب زدم تحریریه/ فرستادم نخواندید/ برای مصاحبه هم که نیامدید/ پس ... / اینجاسر مزارم چه می‌کنید؟ شعرهای اکسیر اغلب سختی گفت و گویی دارند. او همواره در تلاش است که با بازی با عبارات و مسائل روزمره، نوعی فضای طنز ایجاد کند، شعر نمونه او که می‌توان آن را مثال خوبی برای پایان بندی غافلگیرانه نیز به حساب آورد، در این مورد نیز مثالی خوب به حساب می‌آید. در ابتدای شعر، اکسیر از نمونه بودن خود می‌گوید، اما در آخر شعر، با نوعی شکسته نفسی، خود را به نقد می‌کشد. از سوی دیگر لحنی که او به کار می‌برد، بسیار به گفتار نزدیک و انکار شاعر در گفت و گو با مخاطبی فرضی است باور کنید من نمونه‌ام/ دوست و دشمن اقرار می‌کنند من نمونه‌ام/ ملیحه هم تأکید می‌کند من نمونه‌ام/ اول باور نمی‌کردم من نمونه‌ام/ حالا باور می‌کنم من نمونه‌ام/ لطفاً قبل از ساعت ۸ را به آزمایشگاه تحویل دهید.

"پیسته لال سکوت دندان شکن است" از شصت و سه شعر کوتاه، با یک مقدمه، دو گفت و گو با شاعر است و توسط نشر مروارید منتشر شده است.



نگاهی به مجموعه داستان «پشت سرت را نگاه نکن» نوشته فارس باقری

پشت سرت باد نمی آید



داستان هم این راز آلودی به اوج خود می رسد. اگر چه ناشیانه. وقتی راوی جمله 'برادر کجایی؟' را زمزمه می کند مرد می گوید: 'توی تاریکی، تاریکی' نویسنده تعمداً تلاش داشته تا قطعیت را از داستان دور کند و به یک پایان باز در داستان هایش برسد. به این ترتیب در داستان های دیگر مجموعه هم تقریباً این شگرد وجود دارد. همان طور که معادله رفتارهای گوناگولس هم در کنار این اشتراکات و نزدیکی فضاهای داستانی تنوع از زاویه دیدهایی که نویسنده انتخاب کرده گویای توجهی است که او به تکنیک دارد. اما نمی توان از کنار بی توجهی نویسنده نسبت به لحن آدم های داستان گذشت. کمی توجه به عنصر لحن می توانست زمینه آفرینش بهتر شخصیت ها باشد. نویسنده کلمات ساده را انتخاب کرده در کنار هم چیده و به نثری روان رسیده. از گفت و گو در داستان ها به خوبی بهره جسته و آشنایی و تسلط اش به این عنصر غیر قابل انکار است. مجموعه 'پشت سرت را نگاه نکن' اگر چه برای نویسنده اش آغاز نوشتن است اما شروع خوبی است برای یک نویسنده داستان.

است و حدس می زنیم که زیاد وقت ندارد: بالای یکی از پوسترها عکس دستی هست که با انگشت به تاریخی اشاره کرده است: فقط تا پنجشنبه سی ام آذرماه وقت دارید. (ص ۵۸) این تاکید روی تاریخ حدسمان را قوی می کند: ... توی دفتر یادداشتم نوشتم: خرچنگ بیدار است. حتماً گرسنه است. بیست و پنجم آذرماه. (ص ۵۶) روایت ها در این مجموعه شبیه پازل است. البته نه در همه داستان ها. تمام آن چیزهایی که ما می فهمیم و می شناسیم در هاله ای از عدم قطعیت است. نکات مجهول زیاد است. این مجهول ها به ترس و اضطرابی جاری در داستان ها قوت می بخشد و به شخصیت هایی که از چیزی می ترسند و یک عامل تهدید کننده و اضطراب آور آنها را آزار می دهد فرصت می دهند تا احساسشان را خوب منتقل کنند. ترس زائیده ناشناخته هاست پس این ناشناخته ها و ایجاد فضای غریب است که همسو و شاید منبعث از وضعیت روانی آدم های داستان به داستان ها قوت می بخشد.

تا پایان داستان 'برادر کجایی؟' هم راوی داستان. که به جست و جوی برادر گمشده اش رفته. برادرش را نمی یابد. تنها در تاریکی شب با مرد غریبی در جای غریبی مواجه می شود و یک اشاره و نوشته: ... از آن پشت چیزی را بیرون کشید و رو به من گرفت. زین کهنه یک دوچرخه بود. (ص ۷۳) ما پیش از آن در مورد برادر گمشده و دوچرخه اش شنیده ایم. در خط پایانی

در می روم. روزه رویش می ایستم. طوری که مرا ببیند. ولی نگاه نمی کند انگشش را به طرف کلید برق بالا می برد. اتاق تاریک می شود... (ص ۱۲) در داستان شنا در زمستان، جوانی با حضور ناگهانی یک زن در خانه مواجه می شود. حضور جوان هم در آن خانه حضوری تازه و غریب است. جوان مبهوت است. این را از سکوتش می توان فهمید. ترکیب این حضور ناگهانی در خلوت یک سرباز جوان و گفت و گوهای کوتاه آنها یک موقعیت داستانی را می سازد. و در انتها حتی سرباز جوان هم نمی داند که این مهمان غریبه که بوده. می گویی: نمی دونم (ص ۲۶) اما در خلال همین موقعیت داستانی است که باز هم تابلو دیوار به معجزه تخیل راوی جان می گیرد و در خلال گفت و گوهای کوتاه و ساده آنها زنی را می شناسیم که جفاکشیده و مظلوم داستان است. این زن مظلوم بارها و در داستان های دیگر هم تکرار می شود که در جای خود به آن اشاره می کنیم.

در داستان 'خرچنگ' هم مردی که قرار است جایی برود شروع به حرف زدن می کند اما مسئله این نیست که این مرد کیست یا کجا می خواهد برود. هویت مجهول و مکان مجهول چیزی نیست که نویسنده بخواهد آن را معلوم کند. اینها تنها بهانه است برای این که ما یک شخصیت نوعی را بشناسیم که تنها همدمش خرچنگی است و می ترسد از این که گربه به همدمش آسیب برساند و می فهمیم که این مرد بیمار

فارس باقری نویسنده ای است که در داستان هایش برای سرانجام تصمیمی نمی گیرد. در آثار او نه چیز گم شده ای پیدا می شود نه هویت نامعلوم شخصی غایب مشخص می شود. گم شده ها بهانه روایتند. حاشیه های جذابی هستند که متن نویسنده را دلچسب تر می کند و ما هم در پایان داستان شاید با نویسنده هم عقیده شویم که این قدر هم مهم نیست که چیزی را پیدا کنیم، مهم این است که چیزی را تجربه کرده ایم. ماحصل این تلقی از اصل و فرع ماجرای یک داستان این می شود که برای من خواننده در پایان داستان دوم این مجموعه - یکی از ماهی ها نیست - اهمیتی ندارد که نسرین چیزی جا گذاشته یا نه. اصلاً آن چیز فراموش شده چیست؟ خواننده شاهد لحظه های پایانی یک زندگی مشترک است.

نویسنده از تعلیق های بی جواب در غالب داستان هایش بهره می برد. فضای راز آلود یا موقعیت ویژه ای را می سازد که انتظار گشایش یا کشف و اتفاقی را در مخاطب بیدار می کند. این تعلیق، جنس متفاوتی از تعلیق ذاتی داستان دارد. در داستان اول مجموعه (خانه) راوی یک مرد است. کمی که از داستان می گذرد شک می کنیم زیرا حضور مرد حضوری غایب است حالا راوی می تواند روح یک مرد باشد. یا موقعیتی کنایی از خانه ای که حضور مرد در آن حس نمی شود. زن هم او را نمی بیند با او حرف نمی زند. ... تند به طرف

بسمه تعالی فراخوان

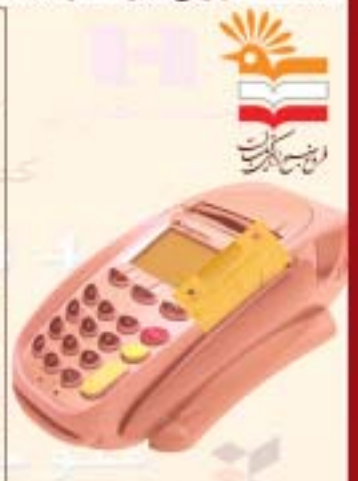


به منظور اجرای قانون برنامه چهارم توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور و برای هدقمند کردن یارانته های حوزه نشر و هدایت آنها به سوی مصرف کنندگان واقعی، طرح توزیع کارت الکترونیکی خرید کتاب ویژه دانشجویان، طلاب علوم دینی، اهل قلم و دیگر واجدان شرایط با حمایت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط موسسه خانه کتاب به اجرا درمی آید.

بر اساس این طرح، کارت الکترونیک خرید کتاب جایگزین بین های کاغذی شده و افراد با در اختیار داشتن این کارت و یک شماره رمز می توانند تا سقف شارژ شده در کارت، اقدام به خرید کتاب نمایند. بر اساس محاسبات و آمارهای موجود پیش بینی می شود در سراسر کشور حدود چهار میلیون نفر مشمول این طرح شوند. بر این اساس و به منظور ایجاد زیرساخت های لازم، ضروری است کتابفروشی ها که آخرین حلقه توزیع کتاب در کشور محسوب می شوند، به سامانه دریافتی این کارت ها مجهز شوند. لذا از کلیه ناشران و کتابفروشان که دارای مجوز معتبر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و یا اتحادیه صنعتی بوده و تاکنون موفق به استفاده از این سیستم در فروشگاه خود نشده اند، تقاضا می شود جهت نصب دستگاه کارت خوان، فرم زیر را تکمیل و به همراه تصویر مجوز مربوطه به نشانی: خیابان انقلاب - بین صبای جنوبی و فلسطین - موسسه خانه کتاب - طبقه منقی دو ارسال و یا به صورت حضوری به موسسه خانه کتاب ایران بخش کارت الکترونیکی خرید کتاب مراجعه نمایند.

فرم درخواست نصب دستگاه کارت خوان

نام واحد فروشگاهی / کتاب فروشی / انتشاراتی	نام:
نشانی:	نشانی:
شماره تلفن:	نشانی الکترونیکی:
سال تاسیس:	مشخصات مدیر مسئول:
نام خانوادگی:	نام:
شماره شناسنامه:	صادره از:
کد ملی:	متولد:





نمدمالی ایران در گفت و گو با محمود جوادی پور

هنر سنتی در ویتترین کتاب

بسیاری خواهد کرد. اما نکته آنجاست که این برنامه های جانبی باید با شناخت همراه باشد. این هنرمند قدیمی، البته شکل هایی متفاوت در سراسر دنیا وجود دارد، اما کمتر مردمی مثل ما امکانات آن را می شناسد، به عنوان نمونه کلاه هایی که تحت عنوان "شاپو" در غرب ساخته می شود، بر مبنای نمدمالی ساخته می شود. در ایران هم نمد مصارف مختلفی دارد. اما متأسفانه آن را به عنوان یک هنر دستی و سنتی مورد توجه قرار نداده اند به عنوان نمونه در بسیاری از موارد نمد را زیر فرشی می اندازند تا او را رطوبت را بگیرد و به فرش منتقل نکند و از سویی فرش را محافظت کند. اما اگر ارزش ها و زیبایی های این هنر به صورت درست به نمایش گذاشته شود، به طور قطع افراد زیادی هواخواه آن خواهند بود.

شما نمدمالی را در گرگان و استان مازندران بررسی کردید. نقش این هنر در سایر مناطق ایران چگونه است؟

برنامه من پژوهش در این مورد در سراسر کشور بود. اما به علت عدم توجهی که به پژوهش چهار ساله من در آن سال ها شد، نسبت به این کار دلسرد شدم. از سوی دیگر برای طی کردن فرصت مطالعاتی به خارج از کشور رفتم و تحقیقات را در آنجا عرضه کردم که بسیار نیز مورد توجه قرار گرفت. دانشگاه های زیادی از من دعوت به عمل آوردند تا در این باره برایشان سخنرانی کنم. هر هنری و فنی معرفی نشود مورد توجه قرار نمی گیرد.

فصل های مختلف کتاب و سرفصل های آن چگونه شکل گرفت؟

این فصل ها در حین تحقیق و پژوهش که انجام می دادم شکل گرفتند. من برای آن که بتوانم به طور تفکیکی به مسائل مختلف نمدمالی بپردازم، آنها را در فصل های مختلف مورد توجه قرار دادم. به عنوان نمونه، رنگ ها، نقش مهمی در نمدمالی دارند. من در چند فصل به این مهم پرداخته ام. نقش های نمد نیز احتیاج به مطالعه فراوان داشتند. در چند فصل توضیح داده ام که این نقش ها از کجانشات گرفته اند. **شما به عنوان یک پژوهشگر، مهم ترین ویژگی یک نمد را چه می دانید؟**

یک نمد، برخلاف فرش یا تاروپود بافته نمی شود. بلکه شبیه یک تابلوی نقاشی است. هنرمند نقش ها را با مالیدن روی نمد نقش می کند. کار او شبیه یک هنرمند نقاشی است از این جنبه کار او کاملاً هنری است.



عنوان نمونه، چنان که گفتم ترجمه این کتاب به زبان های دیگر دنیایم می تواند آن را به جهانیان بشناساند و از سوی دیگر، معرفی کتاب، می تواند سبب آشنایی مردم با این مقوله ها شود. وقتی مردم در این مورد به اندازه کافی در این مورد اطلاعات داشته باشند. طبعاً بیشتر خواستار آن خواهند بود.

به گمان شما ترجمه این کتاب برای معرفی هنر نمدمالی در ایران و جهان کافی است؟

باید علاوه بر انتشار کتاب، نمایشگاه هایی از این هنر سنتی ایران برگزار شود. ساختن فیلم هایی در این باره، برنامه های تلویزیونی مرتبط نیز کمک

کتابی در این عرصه منتشر نشده است. من اطمینان دارم که ترجمه این کتاب به یکی از زبان های پرگویش در جهان همچون انگلیسی یا فرانسوی، می تواند نمد را در جهان مطرح کند. با این همه از سال ۱۳۵۴ که این کتاب را آماده چاپ کرده ام؛ موفق به انتشار آن نشدم.

به نظر شما معرفی هنرهای سنتی در رسانه های همچون سینما و تلویزیون، تا چه اندازه می تواند موثر باشد؟

به گمانم معرفی کتاب ها و مطالبی که در این عرصه منتشر می شود، بسیار راه گشا خواهد بود. به

محمود جوادی یکی از پیشکسوتان عرصه هنرهای تجسمی در ایران است. این هنرمند ۸۸ ساله از اولین کسانی است که گرافیک را به صورت علمی در ایران پی گرفته است. او که فارغ التحصیل این رشته در آلمان است، سال ها به عنوان استاد دانشگاه به فعالیت پرداخته و تالیفات فراوانی را در این عرصه از خود به جا گذاشته است. علاوه بر این یکی از مولفان کتاب های هنر درسی نیز هست. از آخرین کتاب های او می توان به تمدن های ایران اشاره کرد که وی آن را در سال ۱۳۵۳ تالیف کرده اما به دلیل مشکلاتی که همواره بر سر انتشار این کتاب وجود داشت انتشار آن تا سال گذشته به تاخیر افتاد. سال گذشته فرهنگستان هنر مراحل انتشار این کتاب را آغاز کرد تا کتاب فوق الذکر هفته پیش وارد بازار کتاب ایران شود. گفت و گوی زیر درباره انتشار این کتاب با مولف صورت گرفته است.

به نظر می رسد یکی از اهداف انتشار کتاب هایی از جنس "نمد های ایران" حفظ این هنر سنتی و اصیل باشد. به گمان شما انتشار یک کتاب تا چه اندازه می تواند در این عرصه موفق باشد؟

کتاب به طور حتم می تواند در این راه موثر باشد، چرا که در وهله اول کتاب یادآور نیازهایی است که مردم به آن پی خواهند برد. انتشار یک کتاب، می تواند از سوی دیگر نشان دهنده و سازنده نیازها برای زندگی بهتر باشد. مردم بعد از خواندن یک کتاب که به موضوع هنرهای سنتی می پردازد بیشتر به سراغ آن می روند و این به رواج آن هنر کمک خواهد کرد. از سوی دیگر، کتاب عامل شناسایی است و این نکته از ارزش کمی برخوردار نیست. نمد یکی از فراوده های بسیار مهم فرهنگی در این مملکت است که متأسفانه کمتر کسی آن را می شناسد. اشتباه و عدم شناخت از این هنر تا به آنجاست که برخی به اشتباه آن را نمدبافی می نامند، در صورتی که نمدمالی صحیح است. این بود که سال ها پیش بعد از آن که من به گرگان رفتم، با این هنر اصیل آشنا شدم و حس کردم باید بیشتر به آن بپردازم. من چهار سال روی این مسئله به پژوهش در مناطق شمالی به ویژه گرگان پرداختم و حاصل این پژوهش را به صورت کتابی که پیش روی شماست منتشر کردم. هنر نمدمالی که مادر ایران آن را به خوبی نمی شناسیم در سطح جهانی نیز چندان شناخته شده نیست، با آن که قابلیت معرفی به دنیا را دارد، با آن که درباره قالی، قالیچه و گلیم، کتاب هایی منتشر شده، اما

نگاهی به کتاب «نمدمالی» نوشته محمود جوادی پور

از نمد تا نماد

اسلامی ما قرابت دارد. در بخش های دوم تا ششم به شیوه شکل گیری نمد، رنگ آمیزی، تهیه رنگ، پشم و کرک، شست و شوی پشم، گام های رنگی در پشم و مسائل مشابه مورد توجه قرار گرفته شده است. در فصل هفتم، تفاوت اصلی میان قالی، قالیچه و نمد مورد بررسی قرار گرفته شده و سپس در باب تفاوت سبک های مختلف نمد، با ذکر مثال و تصویر، موارد بیان شده است. در همین بخش از کاربردهای نمد در مقام زین، پوشش اسب، شل چوپانان، آلاچیق،



توجه قرار داد. این کتاب دارای دو بخش است. در بخش اول که خود شامل یازده فصل است، مسائل و خصوصیات نمدهای منطقه گرگان و رشت مورد بررسی قرار گرفته شد و در بخش دوم، آثار هنری این منطقه در قالب نمد ارائه شده است. در قسمت اول کتاب که خود شامل یازده بخش است، در ابتدا به پیوند هنر روستاییان با طبیعت پرداخته است. او به خوبی در این فصل نشان داده که این هنر سنتی و بومی، تا چه اندازه با فرهنگ ایرانی -

نگار عبدالملکی: پس از آن که آرمان های جهان صنعتی در مواجهه با سنت که اغلب با رد آن همراه بود با شکست مواجه شد، بسیاری از اهالی هنر، اندیشه و فرهنگ دریافتند که باید بار دیگر به سنت ها رجوع کرد، آنها را بازخوانی کرد و از نکات و دستاوردهایشان سود جست. به این سبب بود که اگر تا دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، سنت ها و عرف ها را به سادگی به کنار می گذاشتند، پس از این سال ها، جهان مدرن دریافت که باید آنها را بیشتر از پیش دریابد، چراکه اگر این سنت ها شکل گرفته اند، بالیده اند و بدل به عرف شده اند، به طور قطع دارای نکات و ارزش هایی بوده اند که به این جایگاه رسیده اند. از این رو پس از این سال ها، توجه به هنرهای سنتی، بیشتر از پیش مورد توجه جهانیان قرار گرفت. کتاب نمد های ایران را باید در این عرصه مورد

کلاه و نمد کرسی سخن رفته است. فصل هشتم کتاب به تهیه و ساخت نمد پرداخته شده است. مولف در این فصل نشان می دهد که مراد از طناب پیچ کردن، لگدکوب کردن و لوله کردن چیست و چگونه باید توده پشم را خیس کرد و آن را برای تهیه نمد آماده کرد. در فصل های نه، ده و یازده، از وضعیت مردم گرگان و رشت سخن رفته شده و جایگاه نمد در زندگی ایشان بررسی شده است. در این فصل ها، همچنین مراکز تولید نمد در این مناطق، منابع الهام ایشان و مواردی از این دست مورد توجه مولف قرار گرفته است. فصل پایانی کتاب که بیش از نیمی از آن را به خود اختصاص داده، تصاویر نمدهای گوناگونی است که در منطقه گرگان ساخته می شوند. این تصاویر به خوبی زیبایی های این هنر ایرانی - اسلامی را پیش روی ما می گذارد.



انتشار کتاب اولین دوسالانه بین المللی عکس جهان اسلام در گفت و گو با سید عباس میرهاشمی

جهان اسلام در قاب کتاب



همزمان با برپایی اولین دوره دوسالانه عکس جهان اسلام، آثار منتخب این جشنواره در قالب یک کتاب و به همت فرهنگستان هنر منتشر شد. دبیری این جشنواره به عهده سیدعباس میرهاشمی بود که به طبع بخش بزرگی از انتشار کتاب نیز توسط وی انجام شد. میرهاشمی عکاسی را در سال‌های آغازین دفاع مقدس (۱۳۵۹) و در جبهه آغاز کرد. او از سال ۱۳۷۰ به عنوان استاد دانشگاه به فعالیت مشغول شده است. وی همچنین از همین سال‌ها به عنوان عکاس، تجربه‌های متفاوتی را نیز در برپایی نمایشگاه‌های هنری و ارائه آثار مستند - اجتماعی از سر گذرانده است. میرهاشمی بارها به عنوان دبیر جشنواره‌های عکس، تجربه‌های بسیاری در این عرصه داد. او همچنین از سال ۱۳۸۰ انجمن عکاسی دفاع مقدس را با جمعی از عکاسان تاسیس کرد و به عنوان مدیرعامل این انجمن انتخاب شد. میرهاشمی عضو شورای ارزشیابی مدارک معادل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، عضو انجمن عکاسی ملی ایران و عضو انجمن عکاسان بحران نیز بوده است.

این هنرمند و دبیر دوسالانه عکس جهان اسلام، درباره این فعالیت فرهنگی از مشارکت فرهنگستان هنر، موسسه فرهنگی - هنری صبا، موزه هنرهای معاصر فلسطین و سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران یاد می‌کند و می‌گوید: «سال گذشته طرح برپایی این نمایشگاه مطرح شد و این نهاد‌های فرهنگی، هنری با مشارکت یکدیگر آن را امسال برپا کردند. میرهاشمی، شناسایی و ارائه ویژگی‌های فضاهای اسلامی، تقویت ارتباط و تجربه بین هنرمندان جهان اسلام، توجه به هنرمندان جوان مسلمان، بررسی هویت معنوی و فرهنگی در جوامع اسلامی را از اهداف اولین دوره دوسالانه عکس جهان اسلام معرفی می‌کند و از خانواده مسلمان در جوامع اسلامی و غیر اسلامی به عنوان موضوع اصلی نمایشگاه یاد می‌کند. وی می‌افزاید: «برای بررسی بهتر موضوع، مواردی جزئی‌تر مطرح شد تا عکاسان به طور دقیق‌تر به کار بپردازند. به طور مثال عناوینی چون معماری، زندگی روزمره، تحصیل، اوقات فراغت، مهاجرت، آیین و سنن را از جمله موارد جزئی‌تر مطرح کردیم. این عکاس از قرارداد مباحثی دیگر همچون مقاومت مسلمانان در قالب شهادت و ایثار اشاره می‌کند و از مواردی همچون مسائل اجتماعی و بلاای طبیعی نام می‌برد که جوامع مسلمان با آن دست و پنجه نرم کرده‌اند. وی می‌افزاید: البته در نظر گرفتن مضامین

متداول برای انتشار آثار در حوزه هنرهای تجسمی است، اما صحافی این کتاب در کنار همه مزایای، آن به گونه‌ای است که بعد از چندبار ورق زدن، صفحه‌های کتاب از هم جدا می‌شود. دبیر اولین دوسالانه عکس جهان اسلام در این قطع کتاب به استمرار این نمایشگاه اشاره می‌کند و می‌گوید: «تصمیم بر این شد تا با توجه به استمرار نمایشگاه کتاب‌های بعدی نیز در این قطع چاپ شوند. در این ابعاد ما همچنین ریزش و اسراف کاغذ نداریم و از سویی عکس به طور مناسب در آن دیده می‌شود. وی در مورد صحافی کتاب می‌گوید: «چون ما اصرار داشتیم که تعداد ۲۰۰ مجلد همراه با افتتاح نمایشگاه حاضر شود، این تعداد دارای مشکلی که شما می‌فرمایید هستند. بقیه نسخه‌های کتاب ته دوخت شد و مشکلی که شما به آن اشاره دارید در آنها برطرف شد.»

چاپ خوب و مناسب یکی از ویژگی‌های مثبت کتاب اولین دوسالانه عکس جهان اسلام است. عکس‌ها با کیفیتی مناسب و با تنظیم رنگ و کنتراست مناسب به چاپ رسیده‌اند که این نکته به سواس‌های هنرمندان دست‌اندرکاران در این زمینه مرتبط است.

باید کمی اندازه عکس‌ها را کوچک می‌کردیم. در این موارد عکس‌هایی که کلیدی‌ترند، بزرگتر چاپ شده‌اند. به گفته این عکاس، در بخش تک عکس اثری که در اندازه‌های کوچک به چاپ رسیده باشد، وجود ندارد. وی از سوی دیگر به خود عکس‌ها اشاره می‌کند و در توضیح این نکته می‌گوید: «بعضی از عکس‌ها دارای جزئیات بیشتری بودند. طبعاً این عکس‌ها در ابعاد کوچک دیده نمی‌شوند. اما برخی از عکس‌ها به گونه‌ای بودند که کوچک شدن ابعاد خللی به آنها وارد نمی‌کرد. وی همچنین از ضرورت‌ها و باید‌های انتشار کتاب می‌گوید که گاه ترتیب و اولویت عکس‌ها به گونه‌ای بوده که برخی از عکس‌ها باید در دو صفحه روبه‌روی هم کار می‌شدند. وی این ضرورت‌ها را به نوعی مثبت ارزیابی می‌کند و می‌گوید که همین موضوع سبب شده تا عکس دقیق‌تر و بهتر دیده شود. البته وی ذکر می‌کند که تعداد عکس‌هایی که به این دلیل ابعاد بزرگ یا کوچک یافته‌اند، بسیار اندک است. قطع کتاب و شیوه صحافی آن از دیگر مواردی است که می‌توان آن را مطرح کرد. قطع وزیری، قطعی

یکی دیگر از مواردی که مولفان کتاب اولین دوسالانه... به آن توجه داشته‌اند، اندازه و شیوه قرارگیری عکس‌هاست. برخی از عکس‌ها در کادرهای کوچک‌تری به چاپ رسیده‌اند و به برخی از آن فضایی دو صفحه‌ای اختصاص یافته است. میرهاشمی در این مورد می‌گوید: «ما در مجموعه دو بخش داشتیم؛ تک عکس و مجموعه عکس. در بخش مجموعه عکس هفت اثر می‌توانست وارد نمایشگاه شود و طبعاً در کتاب قرار گیرد. طبیعی است که به علت نمایش هفت عکس در دو صفحه

نگاهی به کتاب «اولین دوسالانه بین المللی عکس جهان اسلام»

خانواده مسلمان به روایت تصویر

تصاویری که گاه از هزار مقاله ارزشمندترند. به عنوان نمونه چند عکس کتاب در ادامه مطلب شرح داده می‌شوند. عکسی از داوود ترابی که آن را «شب چله» نام گذاری کرده، نشان دهنده صمیمیت، یکدلی و محبتی است که خانواده ایرانی مسلمان در آن زندگی می‌کنند. تصویر چندان پیچیده و دشوار نیست. یک خانواده، دور کرسی جمع شده‌اند و در حال خوردن ناز و هندوانه‌اند. پیرمردی که در سمت چپ و بالای جمع نشسته،

منتشر شده، تازه‌ترین آثار عکاسان معاصر جهان اسلام را کنار هم گردآورد که هر لحاظ می‌تواند دستاوردهای بسیاری برای اهل هنر و پژوهشگران این عرصه داشته باشد.

موضوع اصلی کتاب، چنانچه موضوع نمایشگاه نیز بود، خانواده مسلمان است. انتخاب این موضوع که موضوع‌های دیگری را در خود دارد، سبب شد تا بسیاری از مسائل و شاخصه‌های زندگی مسلمانان معاصر از قاب تصویر به نمایش درآید؛

کاوه مهربانی: نامگذاری سال‌ها توسط مقام معظم رهبری، در اکثر موارد به عنوان برنامه‌ای مدون، چراغ راه اهل فرهنگ، دانش و هنر است. ایشان سال گذشته را به عنوان سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی معرفی کردند که به گونه‌ای بسیار حساب شده نشان دهنده ارتباط فرهنگ ملی با فرهنگ اسلامی ماست. برخی از حرکتی که با این رهنمود مقام معظم رهبری آغاز شد، در سال گذشته به نتیجه رسید اما بسیاری از این حرکات نیاز به زمان بیشتری داشتند؛ چنانچه برخی از آنها در سال جاری به تحقق پیوسته‌اند.

برگزاری اولین دوسالانه عکس جهان اسلام یکی از این حرکت‌ها بود. این نمایشگاه که عکس‌های آن در کتابی و با عنوان مشابه به تازگی

دیوان حافظی روی زانو گذاشته و آینه‌ای در پشت صفحه، همه چیز را تکرار می‌کند. محبت، سادگی و صفا. در عکسی دیگر که بابت روزبه با عنوان آرامش در حضور دیگران نامگذاری کرده زنی مسلمان با حجاب کامل در متروی انگلستان نشسته است. او در حال خواندن قرآن است. در حالی که دیگران روزنامه می‌خوانند عکسی دیگر از کتاب تصویر دو دختر مسلمان با پوشش کامل اسلامی در مالزی است. این دو دختر سوار بر موتورند و حجاب اسلامی هیچ مشکلی برایشان درست نکرده است.

اولین دوسالانه بین المللی عکس جهان اسلام به همت فرهنگستان هنر و همزمان با برپایی این نمایشگاه منتشر شده است.



ضرورت نقد تخصصی



به گفته بسیاری از کارشناسان برای نخستین بار از میان آثار ادبی دفاع مقدس به صورت مستمر در چهل هفته، چهل کتاب مورد نقد قرار می گیرند. نقطه قوت چهل هفته

چهل کتاب نیز در همین جاست که سعی دارد با استمرار در جلسات نقد، جریانی جدی را برای توجه مخاطبان و نویسندگان به مقوله جنگ تحمیلی با وسعتی بیش از گذشته در جامعه ایجاد کند اما چقدر خوب است که این کار تنها در حد چندین نشست و برخاست انجام نشود. نقد باید به گونه ای باشد که اگر قامت اثر کوتاه جلوه می کند، با دلایل کافی به همان صورت باقی بماند و بزرگنمایی بی جهت نشود و این موضوع نباید به تعارفات بی مورد در صدد درخشان جلوه دادن یک اثر متوسط منجر شود و از سوی دیگر ظرفیت نقدپذیری نویسندگان و مولفان باید در سطح و اندازه ای باشد که کوچک ترین انتقاد مبنی بر ضعف آثار را به منزله ضعیف بودن کل اثر نپندارند، بلکه در بازنگری و اصلاح ضعف های خود تلاش کنند.

گاهی در رفت و آمدهای محتوا و ساختار ممکن است شکل فراموش شود و یا محتوا به دلیل گرفتاری در ساختار و شکل نادیده گرفته شود که هر دو حالت ایجاد شده نقد را به انزوا و بیراهه خواهند کشاند، زیرا عینی ترین حرف ها زمانی در نقد مطرح می شود که ساختار و محتوا در کنار یکدیگر مورد بررسی قرار گیرند. متأسفانه نقد جدی و جریانی نیرومند نقدی که برای نویسنده و مخاطب حرفه ای موثر و راهگشا باشد در کشور ما کمتر به چشم می خورد و چهل هفته چهل کتاب که سعی در جدی نگاه کردن به مقوله نقد در ادبیات دفاع مقدس دارد باید با ورود جدی به عرصه نقد، حرکات و عملکردهای خود را نیز مورد نقد قرار دهد تا روزه روز سنجیده تر از گذشته پیش رود.

الگو قرار دادن یک دستگاه و تفکر خاص در نقد، فرصت ارائه نگاه ها و دیدگاه های مختلف در خصوص یک اثر را گرفته و علاوه بر این که مشکلی را حل نمی کند بر شدت آن نیز می افزاید.

استمرار در نقد و بررسی آثار پس از مدت کوتاهی از زمان انتشار باعث می شود که آثار در جامعه دیده شده و در نگاه عموم به ویژه مخاطبان حقیقی به خوبی جلوه کند که در این صورت مولف می تواند سیمای تلاش خود را به طور یکجا ببیند و از کم و کاستی های کار خود مطلع شود، البته کلی گویی در کار نقد راه به جایی نخواهد برد و باید جزئی نگر بود تا از دریچه نگاه ریزبینانه و دقیق منتقدان، ضعف ها و قوت های یک اثر به خوبی برای نویسنده نمایان شود.

برخی از آثار ممکن است تنها به واسطه این که توسط انتشارات مشهوری به چاپ رسیده اند یا نویسنده مطرحی ندارند، کمتر مورد نقد جدی قرار بگیرند، زیرا چنین آثاری اغلب در نگاه مخاطبان بزرگ جلوه می کنند، اما منتقد باید فارغ از نام انتشارات و نویسنده و تبلیغات وسیعی که برای تولید یک اثر انجام گرفته، به بررسی دقیق اثر بپردازد و تنها نقاط قوت یک اثر را مورد توجه قرار ندهد، در واقع اثر قوی باید به گونه ای باشد که با خوانش مجدد اثر، معنای تازه ای در ذهن مخاطب پدید آید.



نشست نقد مجموعه داستان «طعم باروت» در سرای اهل قلم برگزار شد

شلیک در پراتر



گفت: با وجود این که مجموعه داستان «طعم باروت» به موضوع جنگ می پردازد اما در مورد بازگو کردن تأثیرات جنگ در زمان صلح است. در واقع نویسنده، راوی مشکلات نسلی است که امروزه به فراموشی سپرده شده و شاید به زحمت عکسی از آنها قابل شناسایی باشد.

جزینی خاطر نشان کرد: «طعم باروت» سعی دارد تا در قالب تکنیک و فرم داستانی با فاصله گرفتن از جنگ، پیامدهای آن را بدون دخالت مستقیم نویسنده برای ساینین بازگو کند.

این منتقد ادبی با بیان این که ادبیات جنگ در کوله بار سربازانی است که از جنگ بازمی گردند گفت: «نویسنده «طعم باروت» در جنگ حضور دارد اما به دنبال این نیست که با بیان خاطرات فردی خود به تولید انبوهی از داستان های جنگ بپردازد، در حالی که عده ای از نویسندگان به محض دستیابی به حجم انبوهی از خاطرات و واگویی ها دچار ورطه اطباب شده اند.»

محمد جواد جزینی درباره دستاوردهای تجربی نویسنده «طعم باروت» گفت: «الگوهای داستانی قیصری بر پیشنهاد های داستان نویسان دهه ۴۰ تکیه دارد. صادقی نوعی برش در داستان کوتاه را همراه با راز و معما به جامعه ادبی معرفی کرد و قصه های قیصری نیز شباهت زیادی به آن دارد، با این تفاوت که او معما را بازگو نمی کند و سعی دارد تا مخاطب را برای پی بردن به رازهای داستان خود ترغیب کند. جزینی تولید باورهای معنایی را از دیگر ویژگی های مجموعه داستان «طعم باروت» برشمرد و افزود: «باورهای معنوی و قرآنی در مجموعه داستان «طعم باروت» مشهود است که این باورها در آخرین اثر قیصری با عنوان «گوساله سرگردان» به تکامل می رسد. در واقع نویسنده با اشاره به رازها و نشانه هایی از خردمندان، مخاطب را به یک مکاشفه معنوی دعوت می کند و رازهای پنهان خود را به باورهایی پیوند می دهد که در مورد آنها شعار نداده و بدون این که به دل قصه بزند از کنارشان می گذرد.»

محمد جواد جزینی گفت: «داستان «طعم باروت» از ورود به موضوع های پرداخت نشده ابایی نداشته و با شهامت ناگفته های جنگ را بازگو می کند، در حالی که به راحتی می توانست از کنار آنها بگذرد.» سلیمی در ادامه گفت: «شاید دلیل اصلی نام گذاری نخستین اثر قیصری تحت عنوان «صلح» به این جهت

یکصد و بیست و هشتمین نشست از سری نشست های سرای اهل قلم ساعت ۱۷ تا ۱۹ سی ام تیرماه برگزار شد. این نشست که سومین نشست چهل هفته چهل کتاب محسوب می شد با حضور محمد جواد جزینی، علی الله سلیمی و نویسنده اثر به نقد و بررسی مجموعه داستان «طعم باروت» پرداخت.

مجموعه داستان «طعم باروت» سومین اثر مجید قیصری است که در سال ۸۰ عنوان برگزیده پنجمین دوره انتخاب کتاب سال دفاع مقدس را از آن خود کرد. در ابتدای نشست، علی الله سلیمی درباره ویژگی های نویسنده کتاب «طعم باروت» گفت: «مجید قیصری که تاکنون اغلب آثارش را در حوزه ادبیات پایداری و در قالب داستان کوتاه نوشته است، سعی کرده در طول مدت نویسندگی از این حوزه خارج نشود.»

سلیمی افزود: قیصری متولد ۱۳۴۵ است که تاکنون هشت مجموعه داستان و رمان از او به چاپ رسیده است. این آثار شامل «صلح»، «جنگی بود، جنگی نبود»، «طعم باروت»، «نفر سوم از سمت چپ»، «ضیافت به صرف گلوله»، «سه دختر گل فروش»، «باغ تلو» و «گوساله سرگردان» است.

علی الله سلیمی گفت: «مجموعه داستان «طعم باروت» اثر شایسته ای از این نویسنده جوان است که مقام نخست بخش داستان را در پنجمین دوره انتخاب کتاب سال دفاع مقدس کسب کرد.» سلیمی با نگاهی به ویژگی منتقد جلسه گفت: «محمد جواد جزینی بنیانگذار هنرستان ادبیات داستانی در کشور است که تاکنون شاگردان زیادی را تربیت کرده است. او علاوه بر تدریس ادبیات داستانی به نقد آثار ادبی نیز پرداخته است.»

مجید قیصری در ادامه بخشی از داستان ماندگاری مجموعه داستان «طعم باروت» را خواند و محمد جواد جزینی نیز به بررسی و نقد ویژگی های این اثر پرداخت.

جزینی در ابتدای سخنانش گفت: «منتقد به دو دلیل مایل نیست که نویسنده در نقد اثرش حضور داشته باشد. دلیل نخست نقد تند و بی ملاحظه است و دلیل دیگر تعریفات بی حد و اندازه از نویسنده اثر!» محمد جواد جزینی افزود: «من اولین بار در سال ۷۵ به داستان مجید قیصری در مجله کمان برخورد کردم که از آن دوران تاکنون شاید فرصت بسیار کمی برای کسب تجربه یک نویسنده باشد. او ظرف مدت کمتر از ۱۵ سال توانست با تولید تنها هشت کتاب جایگاه خود را در بین نویسندگان هم دوره اش به دست آورد و گاهی از آنها پیشی بگیرد، در حالی که برخی از نویسندگان آغاز جنگ با وجود تولیدات انبوهی که در ادبیات جنگ داشته اند، هنوز به چنین جایگاهی دست پیدا نکردند.»

این منتقد ادبی، قیصری را نویسنده «صلح» معرفی کرد و گفت: «نوع نگاه به جنگ، تکنیک و فرم داستان در مجموعه داستان «طعم باروت» تفاوت زیادی با بسیاری از نویسندگان دیگر ادبیات پایداری دارد. او در نخستین اثر خود با عنوان «صلح» به عنوان نویسنده ای جوان وارد حوزه جنگ می شود و با وجود خام دستی ای زیاد در این اثر به سرعت جایگاه خود را پیدا کرد و در «طعم باروت» این جایگاه را به ظهور و بروز می رساند.

محمد جواد جزینی با بیان این که صدای شلیک در «طعم باروت» کمتر به گوش مخاطب می رسد،

باشد که او زمانی به نویسندگی پرداخت که شعله های جنگ خاموش شده بود و تنها آثاری از آن وجود داشت. عده ای از نویسندگان ادبیات جنگ از شعارهای مختلف برای خلق ادبیات شورانگیز در ابتدای جنگ استفاده می کردند اما در آثار قیصری چنین شعارهایی کمتر دیده می شود.»

علی الله سلیمی افزود: «در زمان نویسندگی قیصری پرداختن به زخم های جنگ اولویت داشت و او با درک کامل از این موضوع به شخصیت انسان هایی در داستان هایش پرداخت که نوعی زخم از دوران جنگ در وجودشان نهفته بود. پرداختن به شخصیت جانبازانی که با وجود فاصله گرفتن از دوران دفاع مقدس هنوز موضوع زخم های ایجاد شده از جنگ را برای همسرش بازگو نمی کند، در یکی از داستان های این نویسنده جوان تمثیلی بر این حقیقت است.»

محمد جواد جزینی ادبیات جنگ را به دو دوره قبل و بعد از آن تقسیم کرد و گفت: «عده ای از نویسندگان در حال حاضر هنوز با قالب و درون مایه ای که از آغاز جنگ برای نوشتن ادبیات جنگ استفاده می کردند به تولید آثارشان می پردازند و کمتر مسائل حاشیه ای جنگ را مورد توجه قرار می دهند. اما داستان «طعم باروت» با شهامت وارد مسائل مورد غفلت قرار گرفته می شود و سعی دارد با بهترین شیوه ممکن پیامدهای جنگ را به نسل بعدی انتقال دهد. این داستان تأثیرات جنگ را در موقعیت های متفاوتی از یک قهرمان جنگ می بیند.»

جزینی زبان روایی نویسنده را بزرگ ترین ضعف مجموعه داستان «طعم باروت» برشمرد و گفت: «هرجا که نویسنده به زبان توصیف جهان و طبیعت می پردازد، این دلوپسی ایجاد می شود که از سیر زبان ساده داستان خارج شده و قصه را به ضعف بکشاند؛ زیرا نویسنده دو عنصر ناهمگون را کنار هم قرار می دهد.» قیصری با تقسیم بندی داستان ها به دو شکل جوششی و کوششی گفت: «شکل سفارشی ادبیات جنگ در دنیا برخلاف کشورها صورت حرفه ای به خود گرفته است و در این کشورها قلم نویسنده بیش از عوامل دیگر حائز اهمیت است؛ اما در کشور ما عده ای از نویسندگان به دلیل قبول کردن سفارش نویسی، موضوع مورد نظر را به خوبی درک کرده و داستان آنها از نتیجه خوبی برخوردار نخواهد شد.»

مجید قیصری درباره چگونگی علاقه مندی خود به نویسندگی گفت: «من تا قبل از ورود به دانشگاه در سال ۶۸ کتاب نمی خواندم، اما پس از این دوران کم کم به مطالعه کتاب علاقه مند شده و نوشتن سیاه مشق را آغاز کردم تا این که در سال ۷۰ یکی از سیاه مشق هایم نظر آقای مرتضی سرهنگی از نویسندگان ادبیات پایداری را به خود جلب کرد و انگیزه نویسندگی را در وجودم فراهم کرد.»

قیصری گفت: «تاکنون نام داستان های من به ادبیات پایداری مرتبط بوده است، اما در نظر دارم تا مجموعه داستانی را با موضوع اجتماعی در سال آینده منتشر کنم.»

نویسنده «طعم باروت» گفت: «منتقد اگر اثری نتواند در هنگام نقد به دفاع از خود بپردازد بهتر است که به تاریخ پیوندد.»

قیصری افزود: «استقبال مردم از داستان «طعم باروت» در زمان انتشار بسیار خوب بود، اما متأسفانه هنوز این کتاب چاپ مجدد نشده است.»



روایت افشاگرانه احمد غانم الربیعی از جنایت‌های ارتش عراق

خاطرات سیاه

تا آغاز جنگ، ماموریت ویژه در لشکر دوم، خرمشهر و خاطراتی ویژه و پنهان‌نگی فصل‌هایی است که سروان عراقی احمد غانم الربیعی برای نگارش کامل خاطرات خود در کتابش انتخاب کرده است. محمدنبی ابراهیمی ترجمه این خاطرات را برعهده گرفته و عبارت «بادهای برفی» را بر پیشانی کتاب قرار داده است.

سروان احمد خاطرات خود را از حدود سه سال پیش از آغاز جنگ آغاز کرده است؛ زمانی که وارد دانشکده‌های نظامی شده بود. او در ابتدا از تلاش فرماندهان ارتش عراق برای نشان دادن ایران به عنوان خطر تهدیدی واقعی از حدود یک سال پیش از شروع جنگ یاد می‌کند: در سال ۱۹۷۹ برای مراسم فارغ‌التحصیلی ما صدام دعوت شده بود... صدام پشت تریبون قرار گرفت و در اظهاراتی عجیب گفت: دوره شما همزمان شده با خطرناک‌ترین مرحله برای تاریخ عراق. آنها درصدد تخریب و به زانو درآوردن ما هستند. ما هر کسی را که سودای تجاوز به مرزهایمان را داشته باشد با ضربه آهنین سرکوب می‌کنیم. آنها می‌خواهند ما را به قرون وسطی برگردانند، آنها مزدوران آمریکا و اسرائیل هستند».

راوی سپس از انجام ماموریت‌های ویژه اطلاعاتی، امنیتی و نظامی در مرزها و داخل خاک ایران پیش از وقوع جنگ روایت می‌کند. او در آستانه جنگ به عضویت شعبه اطلاعات ایران به ریاست سرلشکر و فقیه درمی‌آید و با ماموریت‌های اکتشافی افسران در صورت ورود لشکر به خاک ایران، مشغول کار می‌شود. از آن جایی که تقریباً افسران زیادی مخالف

جنگ علیه ایران بودند، کار سروان احمد رونق می‌گیرد و بنا به گزارش‌های او به مرکز، افسران زیادی اعدام می‌شوند. احمد غانم با شروع جنگ ماموریت خود را با ثبت مواضع مخالف افسران و فرماندهان با رژیم و جنگ ادامه می‌دهد و بر تعداد قربانیان می‌افزاید.

راوی از نخستین تجاوز نیروهای عراقی به خاک ایران و روستای باقر آباد و در ادامه مقاومت کم‌نظیر آنان سخن می‌گوید. فصل دوم ماموریت ویژه وی در لشکر دوم و حمله به شهر مهران است. سروان احمد در فصل بعدی از اقدام سرهنگ دوم فلاح نوری در کوبیدن نوزادی چند ماهه به دیوار پرده برمی‌دارد. در نهایت کتاب با پانهانده شدن احمد غانم به عربستان و سپس ایران به پایان می‌رسد.

روایت فاجعه

بامروزی بر کتاب «بادهای برفی» چند نکته حائز اهمیت و قابل توجه است. او با بیان ابعاد مختلف وقایع و ذکر جزئیات حوادث، مخاطب را در متن رویدادها قرار می‌دهد و او را با کتاب همراه می‌کند. آنچه موجب شگفتی ما شد این بود که این نیروی اندک و ابتدایی توانست با تقسیم شدن به دو گروه محاصره را بشکند. گروه اول با نیروهای مهاجم ما می‌جنگید و گروه دوم با نیروهای محاصره شده درگیر شد. این شیوه گردان ما را دچار سردرگمی کرد تا آنجا که سرهنگ حمدالمحمود آمد و دستور شلیک آتش انبوه بر روی گروه‌های مقاومت را صادر کرد...»

نکته دیگر نوع روایت و شیوه بیانی است که احمد غانم در این اثر به کار گرفته است. او چنان که خود

می‌گوید جز یک فرمانبردار رژیم بعث نبوده و بسیاری از مخالفان رژیم و جنگ را نیز به جوخه اعدام سپرده است. از سوی دیگر در جریان تجاوز به ایران و تحریک نیروها نقش فعالی ایفا کرده است؛ اما در عین حال با واژه‌ها و عباراتی که در بیان عملکرد خود به کار برده درصدد جدا کردن خود از صف سایر افسران و فرماندهان بعثی برآمده است: گلوله‌های تانک (ارتش عراق) مثل باران بر سر روستا بارید و مانع فرار اهالی شد. دلم کباب شد. با چشم خود ظلم و ستم را می‌دیدم. مشاهده می‌کردم که چگونه گلوله‌ها بر سر پیر مردان و پیر زنان می‌بارد و افسران ما از این صحنه هالذت می‌برند. او همچنین در جریان عملیات تصرف مهران چنین می‌نویسد: سرگرد حسن اللامی که اهل بغداد بود و سه زن داشت می‌گفت: می‌خواهم سه تا زن هم از اینجا بگیرم تا بشوم شش‌زنه. نمی‌دانم چه چیزی در آن روز موجب شد که من نظاره‌گر این حوادث باشم. همه چیز بوی تعفن می‌داد. درختان زیبا نیز بدون شاخ و برگ و میوه شده بودند. تانک همه چیز را از بین می‌برد. این قلب‌ها شقاوت و قساوت را از صدام کسب کرده بودند».

احمد غانم در نمونه‌های دیگر نیز از فجایع

مروری بر کتاب «من در شلمچه بودم»

یک جنایت واقعی

باقی‌مانم. به همین خاطر به سوی لشکر عقب‌نشینی کردم. فرمانده گردان گفت که اعدامات می‌کنم. اما من گفتم این تویی که شایسته اعدامی؛ نه من و چند گلوله به سر او شلیک و فرار کردم».

خاطرات سرهنگ ثامر بسیار کوتاه و خلاصه است. در حقیقت مخلص کلام و واقعه عنوان شده است. او از بی‌رحمی و قساوت افسران ارتش بعثی در برخورد با اسیران چنین یاد می‌کند: «سرلشکر از تیپ‌ها خواست که برای رفع این محاصره به کمک تیپ ۱۰۸ بشتابیم. حرکت کردیم. جنگ تن‌به‌تن ما و نیروهای اسلامی شروع شد. ما موفق شدیم بر نیروهای اسلامی فائق‌آییم و گروه زیادی از سربازان ایرانی را اسیر کنیم. تعدادشان ۵۵ یا ۶۵ نفر بود. سرلشکر هشام صباح الفجر، دستور اعدامشان را صادر کرد و گفت: از طرف صدام حسین دستور رسیده که سربازان خمینی را اعدام کنیم. او در جایی دیگر به آخرین درگیری منطقه طیب و فکه در مارس ۱۹۸۳ اشاره کرده است: پس از تصرف کلیه مواضع دو منطقه توسط نیروهای اسلام (ایران) و پایان نبرد پانزده سرباز ایرانی به اسارت ما درآمدند که هشام صباح الفجر دستور اعدامشان را صادر کرد. سرگرد زامل فرهود الناصری - از نیروی ویژه - اعدام این گروه را به عهده گرفت. او به سوی اسرای ایرانی شلیک کرد و سپس آنها را ذبح کرد».

برای انجام این کار فصل بندی خاطرات و گذشته خود است که ثامر آن را نیز به خوبی انجام نداده است. در حالتی خوش‌بینانه شاید بتوان گفت که علت فصل بندی نشدن مناسب و عدم ذکر جزئیات خاطره‌ها، نبود نشانه و علامت‌هایی برای بازیابی خاطرات ثامر بوده است. بنابراین او در بسیاری از بخش‌های کتاب به ویژه در اوایل آن به کلی گویی متوسل شده است و ارزش و جذابیت‌ها را از نوشته‌های خود گرفته است تا جایی که حتی در برخی موارد درک موقعیت راوی امکان‌پذیر نیست. اما به جرئت می‌توان گفت که اگر نویسنده خاطرات کتاب را به همراه جزئیات آنها (زمان، مکان، افراد، وقایع و اتفاقات ...) بیان می‌کرد ده‌ها بار بر ارزش و جذابیت آن می‌افزود. این را می‌توان از ذکر جزئیاتی که در بخش‌هایی از کتاب - کم و بیش - انجام گرفته دریافت.

او از زبان سروان سعدی الحلی که در جریان حمله نیروهای ایرانی در منطقه طیب برای حفظ جان خود از آتش هوایی و زمینی آنان، تصمیم به عقب‌نشینی گرفته است می‌نویسد: «به خود گفتم مرگ، مرگ است؛ چه در جنگ و چه در اثر اعدام زیرا به گفته فرمانده تیپ اگر افسری از صحنه نبرد فرار کند، با دست خود اعدامش خواهد کرد پس اگر به سوی مرگ بروم بهتر است تا در منطقه ممنوع

ثامر عبدالله سرهنگی عراقی است که بعد از مدت‌ها همانند بسیاری از نظامیان عراقی تصمیم خود را برای نگارش بخشی از وقایع جنگ، البته از دید جبهه مقابل (عراق) عملی کرده است. وقایع و حوادث نقاط عطف تاریخ گاه‌چندان عظیم و فجیع هستند که آگاهان را برای انتشار آنها به شدت تشویق می‌کند؛ هر چند که آن واقعه فاجعه‌ای غیر انسانی باشد و دست مطلعان آن را نیز آلوده کرده باشد و یا حتی ذهن مملو از خاطرات از هنر نویسندگی بهره و استعداد چندان نداشته باشد.

ثامر عبدالله داشته‌های خود را در قالب ۴۵ صفحه روایت کرده و آنها را در ۹ فصل سامان داده است. کتابی که به همت فائق سبزویش به فارسی ترجمه شده و ذیل عنوان «من در شلمچه بودم» روانه بازار شده است. خاطرات ابتدایی کتاب بسیار ساده و کم‌جاذبه است به طوری که خواننده احساس می‌کند نکته و ویژگی مثبتی برای همراهی با کتاب پیدا نکرده است. شاید هم یکی از دلایل این امر، ذکر نشدن جزئیات موضوع و قلم‌نه‌چندان جالب ثامر باشد؛ چنان‌که خود او در مقدمه کتاب، نگارش مشاهدات عینی را سخت و مشکل می‌داند: این روش، وقت زیادی از من گرفت، چراکه نوشتن خاطرات جنگی به حافظه قوی احتیاج دارد و شاید در روایت نبردها، چیزی را فراموش کرده باشم؛ اما به هر حال من با توجه به دورانی که در جنگ بودم، به بیان این نبردها پرداخته‌ام».

همان‌طور که نویسنده اذعان می‌کند، گذشت سال‌های متممادی از وقوع این خاطره‌ها گرد فراموشی را بر حوادث پاشیده است. بهترین راه



نیروهای بعثی که طی آن به هیچ چیز و هیچ کس رحم نمی‌کردند، به صورت تلویحی یاد می‌کند؛ اما خود را شریک این رفتارها نمی‌داند.

با وجود همه این نمونه‌ها احمد غانم در بخش‌های انتهایی کتاب، زمانی که به درخواست خود به اداره توجیه سیاسی بغداد منتقل می‌شود، درباره این اداره می‌نویسد: «در اداره توجیه سیاسی بغداد، تعداد زیادی زن جوان به عنوان کارمند مشغول کار بودند. با آنها روابط نامشروع داشتیم. کارمندان اداره نیز با این زنان رابطه ناسالمی داشتند. مسئول اداره، عبدالجبار محسنی از فساد می‌گفته بود، کاملاً آگاه بود و...»

هنگامی که مخاطب این روایت‌ها را کنار یکدیگر می‌گذارد، ناخودآگاه به صداقت احمد غانم تردید می‌ورزد و قلم او را با تناقضات فراوان می‌بیند. به هر تقدیر این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که نگاه احمد غانم به وقایع و فجایعی که رژیم بعث آفرید نگاهی از روی تنفر است، هر چند خود در عمل، دستش آلوده باشد. نویسنده در پایان این کتاب ۹۶ صفحه‌ای که به وسیله نشر سوره چاپ و منتشر شده، به تبیین انگیزه‌های اشغال کویت توسط عراق می‌پردازد.

البته ثامر این رفتار غیر انسانی را مختص بر خوردن با نیروهای ایرانی نمی‌داند، به طوری که هر کسی که اقدام به عقب‌نشینی می‌کرد به جوخه‌های اعدام سپرده می‌شد و یا نمونه‌هایی از درگیری میان نیروهای عراقی بسیار قابل تأمل است: «انهدام تانک‌ها میدان جنگ را یکپارچه آتش کرد. اجساد سربازان مرده که روی هم افتاده بودند، منظره تانک‌های سوخته و نفربرهای از کار افتاده باعث شد سرگرد اسعد فواز دیوانه شود. او به سوی سربازان خودی شلیک می‌کرد و فریاد می‌زد: «ترسوها... ترسوها... فرمانده تیپ گلوله‌ای به پای سرگرد فواز شلیک کرد. سرگرد به زمین افتاد و ناگهان تانکی از روی او رد شد و له‌اش کرد. جسد او را در یک کیسه نایلونی قرار دادند و به خانه‌اش فرستادند و روی کیسه نوشتند: «خیانتکار به وطن!»

نویسنده در خاطرات دیگری به استفاده ارتش عراق از سلاح‌های شیمیایی اعتراف می‌کند و به نمونه‌هایی از تاکید فرماندهان ارتش در مورد غلبه بر دشمن به هر طریقی اشاره می‌کند. ثامر عبدالله در بخش‌های مختلف از نیروهای ایرانی به نام نیروهای اسلام یاد کرد و یا حتی در مقدمه‌ای که بر کتاب نوشته از عظمت و بزرگی سربازان ایرانی یاد کرده است.

مطالعه خاطرات نظامیان عراقی که خود در متن وقایع حضور داشته‌اند و نقل‌های تکان‌دهنده آنان از رویدادهایی که تا پیش از این به رژیم بعث و نه غرب و سازمان‌های بین‌المللی آنها را تایید می‌کردند، نکته‌های جالب و فراوانی به همراه دارد.

چهل فصل با صحیفه مبین

چهلمین شماره فصلنامه علمی - پژوهشی صحیفه مبین که رویکرد اصلی خود را معطوف به نشر اندیشه‌ها و پژوهش‌های قرآنی کرده است به مدیریت مسئولی دکتر محمدمهدی مظاهری و سردبیری دکتر سیدبابک فرزانه از سوی پژوهشکده قرآن و عترت معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی منتشر شد.

این شماره از فصلنامه صحیفه مبین که بنابر اعلام سردبیر با ارتقای مرکز پژوهش‌ها و فعالیت‌های قرآن و عترت به پژوهشکده قرآن و عترت همزمان شده در نظر سردبیر و تحریریه نشریه، فصلی جدید در حرکت فرهنگی این گروه علمی - پژوهشی به شمار می‌آید.

امانحسین مقاله‌مندرج در این شماره از فصلنامه، اثری است از دکتر احمد پاکچی استادیار دانشگاه امام صادق (ع) با عنوان احقاف، نمونه‌ای از افزایش وضوح در روند تاریخی تفسیر، او با بررسی زبان شناختی درباره واژه احقاف که از نام‌های جغرافیایی مندرج در قرآن کریم به شمار می‌آید، سعی داشته برداشت‌های مختلف و گاه متعارض در مورد این نام جغرافیایی را در روند تاریخی تفسیر مورد مطالعه قرار دهد و البته بیش از هشتاد منبع فارسی، عربی و انگلیسی بر عمق و غنای علمی تحقیق بیست صفحه‌ای اش افزوده است. تحقیقی در ساختار، نظم و مفردات آیه بسمله عنوان مقاله‌ای است که سعی دارد نگاهی به نخستین آیه قرآن کریم و خصوصیات آن بیفکند. دکتر ابوالفضل خوش منش استادیار دانشگاه اراک در این مقاله ساختار سه گانه نام‌های بسمله و مانندگی‌هایی را مدنظر قرار داده است که از حیث ساختار، نحوه استعمال و تاحدی لفظ و مفهوم بین سه نام الهی (الله، رحمن و رحیم) و آیین‌های دیگر وجود دارد. او در این مقاله از مفاد آیات قرآن کریم برای شناسایی بیشتر بسمله و مفهوم آن و نیز اطلاعات بین دینی، تاریخی و بین زبانی به شکلی تطبیقی بهره گرفته است.

دکتر احمد امیری نیز در مقاله تحلیلی خود بر روند تفسیر نویسی فقهی در دوره صفوی، تأثیر فضای سیاسی، شرایط و نیازمندی‌های اجتماعی این دوره را در رشد کمی و کیفی تفسیر فقهی مورد بازخوانی قرار می‌دهد. جلوه‌هایی از هنر تفسیر آفرینی در قرآن عنوان مقاله بعدی است که در آن دکتر حمید محمدقاسمی استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، برخی از جلوه‌های کلامی بدیع در قرآن کریم را مورد بررسی قرار داده است. بدالله غلامی مدیر بخش هنر دانشنامه ایران در مرکز پژوهش‌های اسلامی و ایرانی نیز در یک مقاله مجزا با عنوان «دریافتی از تعبیر هنر اسلامی» سیر تمدن اسلامی و دیدگاه‌های موجود در تفاسیر قرآن در مورد رویکرد قرآن کریم به هنر را واکاوی می‌کند. معانی واژه سلام در قرآن عنوان پژوهش بعدی این فصلنامه در حوزه متن پژوهی زبان‌شناسانه قرآن است که توسط علیرضا صالحی عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب صورت گرفته است.

مجتبی فیضی نیز در این شماره با مقاله «معیارهای نیازسنجی در فرهنگ قرآنی» به طرح بحث نیاز صادق و کاذب پرداخته و از خلال طرح این موضوع نیاز و تعامل در قرآن را مورد بحث قرار می‌دهد. مقاله‌نهایی این شماره از صحیفه مبین نیز به بررسی ترجمه کتاب قرآن، ندایی برای جهانیان اختصاص دارد که طی چهار بخش مرتضی کریمی‌نیا، قرآن پژوه برجسته، برگردان انگلیسی - فارسی قرآن کریم از سوی معصومه یزدان‌پناه - که سال گذشته با ویرایش فارسی بهاءالدین خرمشاهی و ویرایش انگلیسی سیدعلی شهباز از سوی نشر شهیدسعید مجبی روانه بازار شده بود - را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. گفتنی است این فصلنامه در حجمی نزدیک به ۱۴۰ صفحه با قیمت ۱۵۰۰ تومان روانه بازار شده است.

کوت و گو



بابک رشوزاده

تصحیح «اخلاق منصور» در گفت و گو با دکتر محمدعلی پشت‌دار

پندها و پیوندها

بی‌تأثیر نبوده است. اما در انتقال مفاهیم تقریباً هیچ نکته غامض و دیریابی ندارد و در مواردی که امکان توصیف و قلم‌فرسایی دست داده به ویژه در تحمیدیه و آنجا که به بیان مطالب از دیدگاه عارفان و اشراقیان پرداخته، ارزش ادبی نثر بیشتر شده، استشهاد به آیات و احادیث و آرایه‌های لفظی و معنوی (انواع سجع، جناس، ابهام و...) ارزش و اعتبار ادبی نثر کتاب را افزون کرده است.

نقش مولف اخلاق منصور در مکتب فلسفی شیراز چیست؟

امیرغیاث‌الدین منصور فرزند میرصدرالدین دشتکی شیرازی (۸۲۸-۹۰۳) است. میرصدرالدین خود از حکما و دانشمندان بزرگ قرن نهم است که در سلسله فلاسفه و حکمای پس از خواجه نصیرالدین طوسی مقام ممتاز دارد و در نظر فلسفه پژوهان، از طرفی سرسلسله فلاسفه و حکمای مکتب شیراز است که دانش حکمت و کلام را از مکتب خواجه نصیر به دوره بعد یعنی عمر ملاصدرا (محمدبن ابراهیم، ف. ۱۰۵ق) منتقل می‌کند و از سویی سرسلسله خاندان دشتکی شیرازی است که به قول میرغیاث‌الدین منصور همه اجداد پدرش در زمان خود به علم و عرفان متمایز بوده‌اند. شیراز زادگاه فرهنگی اندیشه حکمت متعالیه و خاستگاه تاریخی ملاصدراست. فلسفه پژوهان فاصله میان خواجه نصیرالدین طوسی (قرن هفتم) تا قرن نهم را دوران فترت نامیده‌اند؛ اما این نظریه به دلایلی درست نیست، به عکس طی این دو قرن مکتب فلسفی شیراز شکوفا شده و چند فیلسوف بزرگ ظهور کرده‌اند.

ظهور بزرگانی چون قاضی بیضاوی (م. ۶۸۱ق)، علامه قطب‌الدین محمود شیرازی (م. ۷۱۰ق)، قاضی عضدالدین ایجی (م. ۷۵۶ق)، میرسیدشریف جرجانی (م. ۸۱۶ق)، میرصدرالدین دشتکی شیرازی (سیدسند)، علامه جلال‌الدین دوانی، امیرغیاث‌الدین منصور دشتکی و فاضل خضری (م. ۹۵۷ق) در شیراز گواه این ادعاست. به همین مناسبت بزرگ‌ترین فیلسوف جهان اسلام، ملاصدرا بعد از خواجه نصیر در قرن یازدهم با اتکا بر دانش و مساعی علمی این دانشمندان در مکتب شیراز پا به عرصه وجود نهاد.

مشرَب فکری میرغیاث‌الدین منصور در فلسفه عرفان چیست؟

هرچند میرغیاث‌الدین منصور فیلسوفی طراز اول نیست اما مشخصات یک فیلسوف متوغل در فلسفه و عرفان را داراست و از قله‌های مکتب شیراز به حساب می‌آید. گرچه تمام سعی و رهنمای او در آثار قلمی، تحکیم و تشریح افکار و نظریات پسرش میرصدرالدین (سیدسند) است. میرغیاث‌الدین منصور عالمی است جامع که به جز حکمت در زمینه‌های مختلف علمی آثار ارزنده‌ای نوشته است حتی در طب، جنگ، علم تشریح و کالبدشکافی مطالبی دارد و در فقه صاحب فتواست. میرغیاث‌الدین در بیشتر آثارش به تعدیل میان مکتب اشراق و حکمت مشاء همت گماشته و آن دو را با هم مطرح کرده است.

وی با وجود تسلط کامل بر آثار مشائیان به ویژه آثار ابن سینا که آنها را تدریس کرده و شرح و حاشیه بر آنها نگاشته، در آثارش روش اشراقی را پاس داشته و به ادعای خود پاره‌ای از امور و حقایق راز راه کشف و شهود به دست آورده است.



سیاست مدن (آیین حکمرانی) را نیز بدان افزود. از این پس بیشتر اخلاق نویسان ایرانی به کتاب اخلاق ناصری توجه داشته‌اند و کتب اخلاقی که به تقلید از خواجه نصیر از قرن هفتم به بعد به رشته تحریر درآمده تا اواخر قرن سیزدهم بالغ بر ۹۰ اثر است که عموماً به صورت نسخه خطی مانده و برخی به چاپ سنگی و برخی تصحیح شده است.

چند نسخه بازمانده از اخلاق منصور داریم و کهن‌ترین آنها کدام است؟

اخلاق منصورى بخشى از یک مجموعه دایرة‌المعارف گونه است با عنوان "جام جهان نما" که مولف قصد داشته از شعب علوم عصر به رشته تحریر درآورد. تاکنون چندین بخش از این مجموعه شناخته شده و بعضاً به چاپ هم رسیده است. اخلاق منصورى از نظر محتوا و شیوه ارائه مطالب همانند آثار متقدم خود است. نوع تالیف این اثر بیشتر انتقادی است. البته اغلب آثار تالیفی امیرغیاث‌الدین در شرح و حاشیه و نقد آثار گذشتگان است. اخلاق منصورى هم در اصل شرح و نقد و حاشیه نویسی بر اخلاق جلالی است. این اثر شامل دو مجلد و هر مجلد شامل چند تجلید است. از این کتاب ۸ نسخه خطی شناسایی شده که کهن‌ترین آنها نسخه موزه بریتانیاست که در سال ۹۰۶ق کتابت شده است.

ویژگی‌های ادبی اخلاق منصورى چیست؟

نثر اخلاق منصورى ادامه نثر مترسلانه عهد تیمورى است. البته عربی دانی نویسنده و احاطه او بر اصطلاحات فلسفی و کلامی در شیوه نگارش او

اخلاق منصورى
بخشى از یک مجموعه
دایرة‌المعارف گونه است
با عنوان "جام جهان نما" که
مولف قصد داشته
از شعب علوم عصر
به رشته تحریر درآورد

«اخلاق منصورى»، کتابی در فلسفه اخلاق به فارسی و به قلم فیلسوف مشایی - اشراقی، امیر غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی (۸۶۶-۹۴۹ق) است که در ماه‌های اخیر به تصحیح دکتر علی محمد پشت‌دار با حواشی مفصل به چاپ رسیده است. دکتر پشت‌دار در سال ۱۳۳۹ هـ. ش در خرم‌آباد متولد شد و در سال ۱۳۸۲ دانشگاه علامه طباطبایی مدرک دکترا گرفت. وی همچنین علاوه بر نشر مقالات علمی، پژوهشی، چندین اثر به چاپ رسانده است که از آن شمار می‌توان به «قصه‌گویی و نمایش خلاق» (۱۳۷۶ش) و «ناصر خسرو و ادب اعتراض» (۱۳۸۵ش) اشاره کرد. دکتر پشت‌دار عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه پیام نور تهران است و از سال ۱۳۷۰ در آن دانشگاه مشغول تدریس است.

چرا این اثر که ظاهراً در موضوع اخلاق فلسفی است، موضوع تحقیقی در رشته زبان و ادبیات فارسی قرار گرفته است؟

این اثر ضمن آن که محتوایی علمی و تا حدی فلسفی در اخلاق علمی (حکمت عملی) دارد یکی از تنها آثار امیرغیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی (۹۴۹-۸۶۶ هـ. ق) به زبان فارسی است. ضمناً با توجه به مشرب اشراقی که او داشته است این اثر از حیث نثر ادبی و محتوا مورد توجه ادب پژوهان بوده و هست. به دلایل متعدد می‌توان دریافت که این اثر یک متن ادبی - عرفانی است. میزان ادبی بودن این کتاب بیش از اخلاق ناصری، اخلاق محتشمی، اخلاق محسنی و اخلاق جلالی است که تا پیش از آن در این زمینه تالیف شده است.

ذبیح‌الله صفابه در مورد ادبی بودن این اثر و آثار مشابه تصریح کرده است: «در عهد تیموری و آغاز عهد صفوی نگارش آثاری چون اخلاق جلالی، اخلاق منصورى و اخلاق محسنی همانند گذشته زمینه اخلاق ادامه یافت. برخی از این کتب جنبه ادبی هم دارد. یعنی در بسیاری از موارد نثر آنها به شیوه مترسلان نزدیک می‌شود...» (تاریخ ادبیات ج ۵۳ ص ۱۴۸۴)

لطفاً از پیشینه اخلاق نویسی در ایران بگویید.

ایرانیان قبل از ظهور اسلام مضامین اخلاقی و اعتقادی را اغلب در قالب پندنامه‌ها و اندرزنامه‌ها بیان کرده‌اند و پس از اسلام بسیاری از این اندرزنامه‌ها به عربی ترجمه شد. آثار اخلاقی به زبان فارسی با موضوع ادب و حکمت در اشعار رودکی، شاهنامه فردوسی، آثار ناصرخسرو، تاریخ بیهقی، قابوس‌نامه، سیاست‌نامه، کليلة و دمنه ترجمه نصرالله منشی، مرزبان‌نامه، سندبادنامه، گلستان سعدی و بوستان سعدی قابل تحقیق است.

در حوزه متون عرفانی - حکمی آثار چون کشف‌المحجوب هجویری، مرصاد العباد نجم‌رازی، آثار عطار نیشابوری، آثار احمد و محمد غزالی، مصباح‌الهدایه عزالدین محمود کاشانی و ... قابل ذکر است. از اخلاق نویسان حرفه‌ای می‌توان از ابن مقفع، جاحظ بصری، ابن یوسف یعقوب بن اسحاق کنده، ابونصر فارابی، یحیی عدی و ابوعلی مسکویه رازی نام برد. خواجه نصیر کتاب تهذیب الاخلاق ابوعلی مسکویه را که فقط شامل تهذیب نفس بود، به فارسی ترجمه کرد و بخش اخلاق خانواده (تدبیر منزل) و



گفت و گو با دکتر ابو القاسم اسماعیل پور؛ اسطوره پژوه

اسطوره در قاب پژوهش

در چند ساله اخیر توجه به نگارش و ترجمه آثاری در باب اسطوره های جهان و مکتب های اسطوره شناسی رواج بسزایی گرفته است. مطالعه اسطوره در ایران پیشینه ای نزدیک به چند دهه دارد و از این میان می توان از پیشگامانی چون شادروان بهمنش، دکتر مهرداد بهار، استاد هاشم رضی و جلال ستاری که بحق در شناساندن اسطوره شناسانی چون الیاده، دمزیل و یونگ نقش مهمی داشتند، نام برد. در این میان دکتر ابو القاسم اسماعیل پور؛ متخصص فرهنگ و زبان های باستانی ایران با پژوهش بر اساطیر مانوی گام در این وادی نهاد. گرچه اسماعیل پور در حوزه ادبیات و اساطیر مانوی تخصص دارد اما به ترجمه و نگارش آثاری در حوزه اسطوره شناسی و اسطوره های ملل دیگر دست یازیده که حاصل آن چیزی نزدیک به بیست عنوان کتاب است. گفت و گوی زیر به انگیزه انتشار "دانشنامه اساطیر جهان" که چندی پیش از سوی نشر اسطوره روانه بازار شد صورت گرفته است.

با توجه به این که شما در شناساندن اساطیر فرهنگ های مختلف فعال هستید، فکر می کنید که چاپ این قبیل آثار تا چه اندازه به درک ما از اسطوره کمک خواهد کرد؟

قلمرو اسطوره ها از یک نظر بیکران است. اگر در نمایشگاه بین المللی امسال، در غرفه های خارجی دقت می کردید، می توانستید عنوان های جدید اسطوره و اسطوره شناسی را مشاهده کنید. با آن که در زمینه اساطیر جهان به ویژه اساطیر یونان، آثار متعددی به زبان های گوناگون عرضه شده، بازمی بینید که هر ساله معروف ترین ناشران جهان جدیدترین آثار خود را که عمدتاً مصور و رنگی است در زمینه اسطوره منتشر می کنند.

امسال حتی عناوینی جذاب برای گروه های سنی مختلف، اعم از کودکان، نوجوانان، جوانان و بزرگسالان عرضه شده بود. به هر حال ما در زمینه اسطوره هنوز در اول راه هستیم و متأسفانه هنوز اثری جذاب و کامل درباره اساطیر ایرانی عرضه نکرده ایم. البته پیشکسوتانی چون زنده یاد دکتر مهرداد بهار اولین گام ها را در این زمینه برداشته اند، اما کافی نیست. بنابراین ما هنوز نیازمند تألیف و ترجمه آثار متعددی پیرامون اساطیر جهان و ایران در شکل و اندازه های جذاب و برای همه سنین هستیم. این که آیا چاپ این گونه آثار به درک جامعه از اسطوره کمک خواهد کرد موضوعی است که به فراخور نیاز خواننده بستگی دارد. خوانندگان علاقه مند به اسطوره به چند دسته تقسیم می شوند:

گروهی تنها به مباحث تئوریک اسطوره علاقه مندند و تحلیل های فلسفی، مردم شناسانه یا روانکاوانه اسطوره برایشان جذابیت دارد. گروهی دیگر به نقد اسطوره ای علاقه مندند یا تأثیر اسطوره در هنر را جستجو می کنند. این طیف خوانندگان را نقاشان، مجسمه سازان، فیلمسازان و حتی موسیقیدانان یا دستیاران این رشته ها تشکیل می دهند. گروهی دیگر علاقه مندند به باستان شناسی و فرهنگ ایران باستان هستند که شیفته اسطوره های ایرانی اند. شاعران و داستان نویسان نیز خود طیف جداگانه ای را تشکیل می دهند؛ به خصوص آنهایی که جای پای اسطوره را در آثار خلاقه دنبال می کنند، البته به نظر من، سیطره ادبیات رئالیستی و غلبه ادبیات به اصطلاح



متعهد در دهه های گذشته باعث شده که به استثناء چند تن، بقیه آثاری نیافریدند که به نوعی بتوان تأثیر اسطوره و اسطوره پردازی را در آثارشان دنبال کرد. اما خوشبختانه در دو دهه اخیر ادبیات داستانی ما نفسی تازه کشید و حرکت های اصیل تری را آغاز کرد. در این حرکت تازه، می توان تأثیر اسطوره ها یا اسطوره پردازی را در آثار ادبیات داستانی به عینه مشاهده کرد. البته باید یادآوری کرد که منظور از اسطوره پردازی، بازسازی اسطوره ها در آثار ادبی نیست، بلکه آفریدن آثار خلاقه است که اسطوره های نورادر دل خودشان پروارند و به نوعی اسطوره های زمانه را بیافرینند، و گرنه بازسازی و تکرار اساطیر کهن نه تنها هنرمندانه نیست، بلکه تقلیدی بی ارزش است.

آیا فکر می کنید مجموعه ادبیات اسطوره ای ما اعم از ترجمه یا تألیف به حد قابل قبولی رسیده یا خیر؟

در این زمینه تلاش های چشمگیری صورت گرفته است، اما هنوز به نقطه قابل قبولی نرسیده ایم. در طول سه دهه اخیر گام های نسبتاً خوبی در زمینه اسطوره و اسطوره شناسی برداشته ایم. این جریان از آغاز دهه ۵۰ با چاپ اساطیر ایران در بنیاد فرهنگ شروع شد. جالب این است که در آن زمان شخصیتی مثل آقای نجف دریابندری که عضو مترجمان انتشارات فرانکلین بود با انتشار اساطیر ایران اثر دکتر بهار مخالفت کرده بود و آن را شایسته چاپ ندانست. این موضوع را دکتر مهرداد بهار در آخرین مصاحبه خود در مجله کلک عنوان کرده اند و خودم نیز از زبان ایشان شنیده ام. اما امروز بحث اسطوره پژوهشی چندان گرم شده که خود آقای دریابندری کتابی در زمینه اسطوره یا به قول ایشان افسانه منتشر کرده اند که البته برخلاف انتظار ایشان چندان تأثیر گذار نبود.

به هر حال، امروز بعد از گذشت سی سال، آثار متعددی ترجمه شده اند که ادبیات اسطوره ای ما را تشکیل می دهند. تلاش چندین ساله آقای جلال ستاری را نباید نادیده گرفت که در دهه های ۶۰ و ۷۰ آثار ارزشمندی در زمینه های تئوریک اسطوره شناسی ترجمه کرده اند. در زمینه اساطیر ایرانی نیز آثار خوبی منتشر شده، ولی هنوز کافی نیست.

در مباحث اسطوره پژوهی و به ویژه اسطوره شناسی ایرانی، ضعف ما در تألیف آثار نو و

خلاقه است. آثار ترجمه ای نسبتاً خوب است. اما ما بیشتر به تألیف آثار تئوریک اصیل پیرامون اسطوره شناسی نیاز داریم. اگر گامی جلوتر برویم، باید بی پرده بگویم که ما اصلاً اسطوره شناس به معنی واقع کلمه نداریم. تعدادی اسطوره پژوه علاقه مند داریم که آنها هم بیشتر در کار ترجمه آثار غربیان هستند. البته ترجمه این آثار بسیار ارزشمند است، حتی ارزشمندتر از گردآوری ها و تألیفات غیراصیل و به اصطلاح دست دوم.

به این ترتیب، شما جای چه نوع کتاب هایی را در حوزه اسطوره شناسی خالی می بینید؟

بی شک وجود کتاب هایی که حاصل چندین سال مطالعه، تحقیق و تفکر در باب اسطوره و اسطوره شناسی باشد؛ لااقل درباره اسطوره شناسی ایرانی که مواد خامش برای ما ایرانی ها مهیاست. تألیف دایرة المعارف اساطیر ایرانی واقعاً از آن کارهایی است که باید جدی گرفت. این کار همکاری گروهی می طلبد که روحیه اش متأسفانه در میان ما نیست یا کم است. امروزه نقد اسطوره ای پهنه های تئاتر، سینما، شعر و ادبیات داستانی را در بر گرفته است.

به نظر شما برداشت جامعه ما از اسطوره با توجه به ادبیات ترجمه ای یا نگارشی از اسطوره تحول در خوری پیدا کرده است؟

رویکردواستقبال کتابخوانان به مطالعه کتاب هایی در زمینه اسطوره و اسطوره شناسی نشان می دهد که این برداشت از اسطوره تحول پیدا کرده و دست کم از گذشته بهتر شده است. امروز نویسندگان، شاعران و هنرمندان ما به اینجا رسیده اند که در سبب مطالعاتی خود باید آثار اسطوره پژوهی را هم در کنار آثار دیگر جای بدهند، چون احساس می کنند که از آن بی نیاز نیستند. این یک گام به پیش است، اما این که مردم کلاً چقدر در این زمینه تحول پیدا کرده اند، موضوعی است که به خیلی از عوامل اجتماعی و فرهنگی دیگر بستگی دارد. مردم ما عموماً به کتابخوانی عادت نکرده اند تا بتوان بر آورد کرد که برداشت آنان در این باره چیست. ولی تردیدی نیست که بخش بزرگی از مردم با اسطوره هازندگی می کنند و عمدتاً اسطوره باور و اسطوره اندیش اند، هر چند برداشتی تئوریک از اسطوره نداشته باشند، اما به شکل سنتی اسطوره ها را درمی یابند و مطابق کهن نمونه ها، الگوهای زندگی خود را برمی گزینند.

چرا ما به سمتی پیش نمی رویم که چهره های اساطیری فرهنگمان را به شکلی جذاب برای سنین مختلف عرضه کنیم. آیا طرحی در این زمینه در دست دارید؟

پاسخش روشن است. ما مثل خیلی از امور دیگر، هنوز در ابتدای راهیم و خیلی باید تلاش بکنیم. اسطوره های وطنی را می توان به صورت کتاب، فیلم، سی دی و به شکل های دیگر عرضه کرد و به مردم شناساند. یکی از راه های عرضه کتاب های مصور برای سنین مختلف نوجوانان و جوانان است. من طرح خاصی در این زمینه ندارم. این نیاز به یک کار گروهی دارد. یک مرکز پژوهشی یا انتشاراتی بزرگ باید در این زمینه طراحی و سرمایه گذاری کند و یک تیم تحقیقی متخصص می تواند با طرح و برنامه مشخص و مدون موفق به این کار شود. امروزه تولید کتاب هایی از این دست مثل صنعت فیلمسازی مستلزم کار گروهی با حمایت یک نهاد فرهنگی است.



فرهنگ بر بنیاد اسطوره

اسطوره ها در وهله نخست در تعریف و توصیف آفرینش بوده اند، در این باره که چگونه درخت، انسان، خورشید و چیزهای دیگر پدید آمده اند. اما امروزه این بخش از اساطیر کمتر مورد توجه هستند و بخش زیادی از معنای خود را از دست داده اند. برای نمونه امروز دیگر کمتر کسی به دنبال اسطوره های استرالیایی می رود. این بخش از اساطیر به زمانی تعلق داشتند که بشر خود را در جهان پهناور، سرگشته و سراسیمه می دید و می خواست به جهان پیرامون خود معنا و مفهوم ببخشد.

در حالی که با پیشرفت علم و عقلانیت، دیگر کمتر به این بخش از اساطیر توجه می شود. هر چند که حتی امروز، برای معتبر ساختن کشفیات جدید گاه به ریشه های اساطیری آنها باز می گردند برای مثال هنوز می بینیم از آپولون، سخن گفته می شود. یعنی هنوز هم برای بعضی کشفیات محیرالعقول به ذهن اسطوره پرداز متوسل می شویم. با این وصف اسطوره های آفرینش، موضوع همه اساطیر و ماندگارترین آنها نیستند، بلکه موضوع هایی هستند که هنوز ذهن بشر برای آنها پاسخ درست و دقیقی پیدا نکرده است. هنوز مرگ، جاودانگی و عشق، موضوعاتی هستند که ذهن بشر را درگیر خود می کند و برای آنها پاسخی قطعی نیافته است. اینها اسطوره هایی ماندگار و در عین حال کارسازند. برای نمونه می توان پرمته را اسطوره بنیادین فرهنگ غرب معرفی کرد و یا تراژدی ماندگار آشیل که تا کنون ده ها کتاب پیرامون آن نوشته شد.

اسطوره بعدی آنتیگونه است. به قول یک منتقد انگلیسی، از زمانی که آنتیگونه شناخته شد تا کنون، ۲۰۰ آنتیگونه، نوشته شده است! "هگل" می گوید اگر آنتیگونه نبود، من نمی توانستم کتاب تاریخ سیاسی غرب را بنویسم! سوفوکل که برای نخستین بار این کتاب را می نویسد، در روایت خود، حق را به هیچ کدام نمی دهد. می دانیم که کرئون دایی آنتیگونه و شهریار شهر است.

در جایی آنتیگونه به کرئون می گوید: تو حافظ و ضابط قانونی هستی که اگر نباشد، شهر به آناش می کشیده می شود. اما من حافظ قانون قلبم هستم! اگر من نباشم، جهان، ویران می شود. هر دو باید باشیم!... این اندیشه بی نظیر است. ۷۰۰۰ سال پیش این اندیشه وجود داشته است. فکر می کنم که ما این اجماع را داریم که اسطوره به خودی خود واقعیتی را باز نمی تابد. اما در لایه عمیق تری که در آن هست، یک واقعیت وجود دارد اساطیر باستان در حقیقت تأنجایش می روند که اروپای امروز را می سازند و می دانیم که حتی نام اروپا هم نامی اسطوره ای است! در اروپا هر گاه که خواستند ملت سازی کنند، به سمت اساطیر رفتند. یعنی تاندازه ای، واقعیت های تاریخی را اسطوره ای کردند. نوع حرکت معکوس! مثلاً ناپلئون، پس از تبعید در جزیره سنت هلن به یک شخصیت اسطوره ای تبدیل شد. اسطوره دستمایه خوبی برای اروپاییان است. هنوز هم اروپا بر پایه همان میراث، استوار است. بنابراین می بینیم که اگر از اساطیر درست استفاده شود، به یک واقعیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تبدیل می شوند و می توان کاملاً به برنامه ها و اهداف کاربردی رسید.



حجت الاسلام علی ذوعلم: آزاد اندیشی در واقع وصف اندیشیدن است و تولید علم و نظریه در قالب پژوهش و کتاب محصول فرآیند عینی، طولانی و دشواری است که تفکر بستر آن را فراهم می کند. با این توضیح که اقتضانات، ساختار و نیازها و تشویق و ترغیب‌ها می تواند در سرعت بخشیدن به ایجاد این فرآیند موثر باشد، اما نظریه و علم در حقیقت میوه باغی سرسبز و شاداب و خرم است که سال‌ها قبل باغبانانی با تدبیر و حوصله توانسته‌اند آن را فراهم کنند و شرایط آب و هوایی و... به بار نشستن چنین میوه‌ای است. بحث در این مجال، تولید علم و نظریه در قالب پژوهش و کتاب است و زمانی که این محمل‌ها برای ارائه مطرح می شود به هیچ وجه نمی توان انتظار داشت در طول ۵ یا ۱۰ سال همه نتایج این فرایند به دست آید و یا حتی در مدت کوتاهی خود این فرآیند تعریف و در بدنه مراکز و نهادهای علمی و فرهنگی ما تثبیت شود پس قطعاً این انتظار، معقول نیست.

اما مهم این است که در راس نظام دینی ما اراده‌ای مبنی بر سرعت بخشیدن به این فرآیند وجود دارد و جامعه علمی و فرهنگی ما، در حوزه و دانشگاه، با درک این نکته بسیار مهم دریافته که جهت گیری نظام به سوی ایجاد فرآیند تولید نظریه، نوآوری علمی و تولید علم است. اکنون نوبت دستگاه‌هاست تا به آن فرآیند سازی ببینند و بسترهای لازم را فراهم کنند. ما با توجه به موانع تاریخی باید تلاش زیادی برای رفع این موانع انجام دهیم و شاید اولین گام تبیین مفهومی و مصداقی این مقولات (نه برای مردم، بلکه حتی در جمع نخبگان و فرهیختگان حوزوی و دانشگاهی) باشد و گام بعدی ایجاد ظرفیت‌های مدیریتی لازم در این مراکز است. به هر حال وقتی سخن از اندیشیدن و ارائه نظر و ارائه راهکار به میان می آید، نوع مدیریت و ساختار و روش‌هایی که امروز در مراکز حوزوی و دانشگاهی ماجریان دارد نیز به چالش کشیده می شود. اگر ظرفیت مناسبی در مدیران کلان برای حسن استفاده از این چالش‌ها و تلقی آن به عنوان یک فرصت برای تصحیح و اصلاح مدیریت و ساختار خودشان وجود نداشته باشد، خود به خود این فرآیند شکل نخواهد گرفت.

برای نمونه وقتی موضوع یک پایان نامه در مقاطع تحصیلات عالی ما، چه در حوزه و چه در دانشگاه، موضوعی تازه و جدی باشد که تصمیم گیران درباره تصویب این موضوع، ظرفیت و توان هدایت و کمک به آن را نداشته باشد خود به خود این موضوع از چرخه تحقیقات یک محقق جوان خارج می شود و این یعنی مانع بر سر راه نوآوری و آزاد اندیشی. علاوه بر دو موردی که ذکر شد از نظر اختصاص امکانات نیز لازم است تا فرآیند آزاد اندیشی و تولید نظریه شکل بگیرد. به نظر می رسد برای دست یافتن به فهرستی از موانع واقعی و زمینه‌ها و بسترهای لازم و نیز راهکارهای عملی در کوتاه مدت و دراز مدت، باید خود این موضوع به بحث و چالش نهاده شود تا صاحب نظران بتوانند در یک مجال مناسب به راحتی دیدگاه‌های خود را عرضه کنند و یک عزم راسخ و مدیریت قوی بتواند مجموعه دیدگاه‌ها و مطالعات و پیشنهادهای برنامه کلان پنجاه ساله یا بیست ساله را برای تحقق این هدف ارائه دهد.



دکتر غلامرضا آذری از تاریخ تحلیلی علم ارتباطات می گوید

رسانه زیر ذره بین تاریخ



از جمله ایران پرداخته نشده است تا این که سرانجام عنوان تاریخ تحلیلی علم ارتباطات؛ رویکردی شرح حال نگارانه بر پیشانی کتاب نقش می بندد.

یک اثر کاربردی - آکادمیک

این عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، متن، محتوا و فصول کتاب حاضر را به دلیل انسجام محتوایی و تاریخ محور، به عنوان متن و منابع درسی ارزیابی می کند و بر این باور است که مدرسان درس سه واحدی تاریخ ارتباطات در جهان و ایران (مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد) خواهند توانست از اثر حاضر به طور مستقیم به عنوان یک الگوی تاریخی و نیز به مثابه مباحث برگزیده تاریخ ارتباطات استفاده کنند.

از سوی دیگر کتاب تاریخ تحلیلی علم ارتباطات به دلیل پیگیری اندیشه‌های بنیادی و زمینه چینی مطالعات ارتباطی خواهد توانست یاریگر مدرسان درس تاریخ اندیشه و زمینه‌های علم ارتباطات در مقطع دکتری تخصصی علم ارتباطات باشد.

از سوی دیگر کتاب حاضر در شفاف سازی دیدگاه‌های کلاسیک در حوزه نظریه‌های ارتباطی مطرح در درس سه واحدی نظریه‌ها و مفاهیم ارتباطات؛ انسانی - اجتماعی در مقطع کارشناسی و بالاتر نقش بسزایی دارد و خواهد توانست مفاهیم کلیدی این حوزه را مورد بازکاوی قرار دهد.

مقدمه‌ای که خود یک رساله است!

مقدمه نسبتاً بلند و مبسوط دکتر غلامرضا آذری در آغاز این کتاب دو جلدی، که خود می توانست موضوع یک رساله مستقل در حوزه فلسفه تاریخ علم ارتباطات و بازخوانی مصادیق و رویکردهای مختلف به محصولات این علم (اعم از مطبوعات و رسانه‌های دیداری - شنیداری و...) در تاریخ باشد. اما به هر حال نباید از حق گذشت که این مقدمه مبسوط تا حد زیادی توانسته است به پرسش‌های مخاطب در مورد غایت‌شناسی علم ارتباطات پاسخ گوید.

به گفته این استاد ارتباطات، مقدمه مبسوط اثر حاضر با هدف معرفی اجمالی اهمیت تاریخ - به طور اعم - و فلسفه تاریخ - به طور اخص - در بخش نخست پرداختن به زمینه‌های تحلیلی موضوع تاریخ بوده است و در بخش دوم نیز ماهیت تاریخی نظریه و فلسفه علم ارتباطات مورد بحث قرار می گیرد و آذری نیز سعی داشته در بخش سوم، به چستی‌ها پاسخ داده و شناختی ضمنی از فلسفه علم ارتباطات

علم ارتباطات با زیرشاخه‌های متعددش امروزه به مثابه قوام بخش روابط انسانی و اجتماعی نقش زبان گفتاری - نوشتاری را برعهده دارد و اگر مدعی شویم که این رشته از علوم - که با اولین کلام و ارتباط انسانی شکل و هیئت بالذاته یافته بود - امروز معنابخش حضور آدمی در جهان هستی است، راه به خطا و گزافه‌گویی نبرده ایم. مطبوعات، خبرگزاری‌ها، رادیو و تلویزیون و... دم دستی‌ترین مصادیق ظهور و بروز علم ارتباطات به عنوان تئوریزه‌کنندگان تفکر جمعی هستند. امروزه علم ارتباطات به عنوان رشته کامل و مستقلی در علوم اجتماعی حیاتی خودبنیاد یافته است و شاید بتوان گفت که سهم این رشته در اطلاع‌رسانی و جهت‌دهی به تفکر جمعی غیرقابل انکار است.

تاکنون کتاب‌های زیادی پیرامون شیوه کاربردی عناصر اطلاع‌رسانی توسط استادان رشته ارتباطات به رشته تحریر درآمده و شاید بتوان مدعی بود که ایران طی چند سال اخیر جزو کشورهای پیشرو در عرصه آموزش اطلاع‌رسانی در منطقه مطرح شده است تاچندی پیش اثری جامع و در عین حال اثرگذار در حوزه تاریخ تحلیلی این علم به فارسی منتشر نشده بود. اما سرانجام چندی پیش برگردانی از کتاب تاریخ تحلیلی علم ارتباطات (رویکردی شرح حال نگارانه) نوشته پروفیسور اورت میچل راجرز به همت دکتر غلامرضا آذری مدرس و مترجم ارتباطات از سوی نشر دانژه روانه بازار شد. بنا به گفته مترجم تاکنون چنین اثر مرجعی در حوزه علوم ارتباطات اجتماعی ایران به عنوان یک درسنامه دانشگاهی ترجمه نشده و این کتاب دو جلدی حاصل تلاش نزدیک به چهار سال کار مداوم به شمار می آید.

دکتر غلامرضا آذری که خود از مدرسان شناخته شده ارتباطات و روزنامه نگاری در دانشگاه آزاد اسلامی است کتاب حاضر را یکی از رایج‌ترین کتاب‌های درس تاریخ و نظریه در حوزه گسترده علم ارتباطات (انسانی - اجتماعی) دانشگاه‌های دنیا معرفی می کند به طوری که بنا به گفته او بیشتر مراکز علمی - آموزشی نیز آن را به عنوان یکی از منابع درسی مرجع معرفی کرده‌اند.

اعتبار علمی

نویسنده کتاب حاضر اورت میچل راجرز بنا به گفته مترجم، یکی از مشهورترین و برجسته‌ترین استادان ارتباطات در جهان و از جمله پیروان ویلبر شرام در مکتب ارتباطی ایلینویز بود که در زمینه شناخت ارتباطات و بافت علمی آن، آثار قابل توجهی ارائه کرده است.

کتاب تاریخ تحلیلی علم ارتباطات در سال ۱۹۹۷ از سوی نشر sal که از نمایندگان ناشران برجسته‌ای چون راتلج، مک لوهان و... است پخش شد و چنان که آذری می گوید انتخاب این کتاب به شناخت مستقیم مترجم از پروفیسور راجرز صورت گرفت. وی در مورد برگردان عنوان اصلی این کتاب می گوید: عنوان اصلی کتاب در صورت برگردان دقیق تاریخ مطالعه ارتباطات، رویکردی شرح حال نگارانه است اما پس از گذشت مدتی از برگردان اثر با مشورت‌هایی که با برخی استادان صورت گرفت، عنوان تاریخ اندیشه‌های بنیادی علم ارتباطات در جهان برای آن برگزیده شد.

آذری پس از انتخاب این عنوان برای اثر فوق، آن را تا حدودی تبلیغاتی و حتی گمراه کننده می یابد چرا که در اثر حاضر به تعدادی از کشورهای جهان

به دست دهد.

غایت مفهومی تاریخ و نظریه‌های ارتباطات اساساً علم ارتباطات به مثابه یکی از گسترده‌ترین، مهم‌ترین و پیچیده‌ترین جنبه‌های زندگی انسانی، این موجود در ادر سطوح برجسته مسیر فوق (ارتباطات انسانی) از دیگر موجودات جدا می کند از این حیث به باور مترجم اثر حاضر آشنایی با پیشینه علم ارتباطات برای تمامی انسان‌ها (به ویژه دانش پژوهان حوزه مطالعات ارتباطی) ضروری است.

به اعتقاد آذری نظریه‌های برآمده از بطن تاریخ ارتباطات (انسانی و جمعی) در بهبود توانایی و سازگاری تک تک افراد جامعه نقش بسزایی دارد و طبعاً با واکاوی و محتوای و هی گذشته و حال ارتباطات می توان برای آینده این علم به درک موجز تری دست یازید و سرانجام با شناخت اندیشه‌ها و نظریه‌های ارتباطات و تحلیل آنها امکان تفسیر رویدادها و واقعات‌ها به شیوه‌ای سودمندتر در دنیای ارتباطات حاصل شود.

از جمله مزیت‌های اثر حاضر، جامع بودن و طرح مباحث کلیدی سرگذشت علم ارتباطات است که آثار فارسی زبان تألیف شده در ایران، تا به حال به آن نپرداخته‌اند. علاوه بر این، مبانی تاریخ اندیشه‌های ارتباطی در کتاب حاضر برای نخستین بار، توصیف، تبیین و تحلیل می شوند.

ساخت محتوایی اثر و تحقیق روشمندان پر و فسور راجرز به باور آذری این کتاب را به عنوان یک منبع دانشگاهی معرفی می کند به طوری که تاکنون بیش از پنجاه استاد برجسته علم ارتباطات و ۳۰ دانشکده و دانشگاه ارتباطی معتبر جهان آن را به عنوان یک درسنامه تأیید کرده‌اند.

یکی از مصادیق روشمندی تحقیق و پژوهش پروفیسور راجرز بنا به گفته مترجم، ارائه خلاصه مباحث در پایان هر فصل از کتاب، مفاهیم کلیدی مطرح شده در هر فصل، نقل‌گزین گویه‌های ماندگار، پیشگامان ارتباطات، ارائه پرسش‌هایی از فصل قبل و... است که جایگاه کتاب حاضر را به عنوان اثری ماندگار در میان دیگر پژوهش‌های موجود در حوزه علم ارتباطات تثبیت می کند.

تاریخ تحلیلی علم ارتباطات در ایران

البته در نظر آذری، کتاب حاضر با کاستی‌هایی نیز مواجه است چرا که بخش عمده‌ای از کشورهای پیشرو در عرصه علم ارتباطات نظیر ایران مورد توجه قرار نگرفته‌اند و او بر این باور است که سرگذشت علم ارتباطات و بنیادگذاران آن، خود می تواند به عنوان یک طرح علمی و پژوهشی مستقل مطرح نظر قرار گیرد.

او در پایان با یادکردی از استادان برجسته علم ارتباطات در حوزه‌ها و زیرشاخه‌های مختلف (از مطبوعات تا رسانه ملی) نظیر دکتر نعیم بدیعی، دکتر باقر ساروخانی، سیدفرید قاسمی، دکتر مرتضی کتبی، دکتر مهدی محسنیان‌راد، دکتر کاظم معتمدنژاد و... یاد می کند که در حوزه استقرار رسانه‌ها و دانش ارتباطات اجتماعی اعم از چاپی، دیداری و شنیداری (به صورت تجربی و علمی محض) نقش بسزایی داشته‌اند.

با وجود همه مسائلی، ظاهراً کار بعدی دکتر غلامرضا آذری جمع‌آوری اسامی و تدوین تاریخ تحلیلی علم ارتباطات در ایران است تا بتوان قدمی در راه معرفی این جغرافیا و متفکران اثرگذار آن در حوزه علم ارتباطات گامی برداشت.



کارشناسان از ویژگی‌های مجموعه نویسی برای مخاطب کودک می‌گویند

همصدایی کتاب‌ها



نویسندگان، مترجمان و ناشران از سال‌ها پیش تاکنون به انتشار مجموعه کتاب‌های فراوانی برای کودکان و نوجوانان پرداخته‌اند. برخی از این مجموعه‌ها به بیان ماجراهای گوناگون درباره یک شخصیت واحد می‌پردازند که از آن میان می‌توان به «جودی دمدی مزاج»، «آرتمیس فاول» و... اشاره کرد اما بعضی دیگر، عنوانی واحد را برگزیده‌اند، بدون آن که دارای محتوای مشترکی باشند، همچون مجموعه «داستانک‌ها» از محمدرضا یوسفی.

این که مجموعه‌های داستانی تا چه اندازه می‌توانند مخاطبان را جذب کنند و چرا آثاری که در ایران منتشر می‌شود بیشتر ترجمه هستند تا تالیفی، ما را بر آن داشت تا به سراغ چندتن از صاحب‌نظران رفته و نظرشان را در این زمینه جویا شویم.

شهرام اقبال زاده، مترجم و منتقد ادبیات کودک و نوجوان با اشاره به این که ذهن نویسندگان برای نگارش مجموعه داستان، در دو زمینه باید توانمند باشد می‌گوید: «نویسندگان باید یک شخصیت محوری بسیار قوی بیافرینند تا حوادث و ماجراهای مربوط به آن شخص، برای خواننده شیرین و جذاب باشد همچنین باید بتوانند شخصیتی را که خلق کرده‌اند در موقعیت‌های مختلف قرار دهند و به بیان اتفاقات گوناگون از دیدگاه او بپردازند، برای مثال در مجموعه مانولیتو، که همه حوادث بر محور طنز زبانی و طنز موقعیت استوار است اگر یکی از مجلدات کتاب نتواند خواننده را جذب کند، او به دنبال مجلدات دیگر می‌رود. وی معتقد است: «نویسندگانی می‌توانند به نوشتن مجموعه داستان بپردازند که آفریننده باشند نه مقلد و تکرار کنند و بتوانند حوادث را با زبانی جذاب و پرکشش روایت کنند و گرچه ناشران کمتر از مجموعه‌های چند جلدی و بدون جاذبه استقبال می‌کنند.»

اقبال زاده بر این نکته حس کنجکاو خواننده را یکی از دلایل اصلی موفقیت مجموعه‌ها می‌داند و می‌گوید: آنچه موجب زنده ماندن شهرزاد قصه گو می‌شود، میل شهریار به دانستن آن چیزی است که بالاخره اتفاق می‌افتد. در مجموعه داستان هانیز باید چنین اتفاقی بیفتد یعنی نویسندگان باید کنجکاو خواننده را برانگیزند و او را مشتاق به خواندن باقی داستان کنند. همچنین گفتار شخصیت داستان باید متناسب با سن و سال او باشد و حوادث به صورت منطقی پیش برود و بسط درستی داشته باشد و گرچه خواننده رغبت چندانی به خواندن مجلدات دیگر نمی‌کند.»

وی در پاسخ به این که چرا بیشتر مجموعه‌های منتشر شده ترجمه است تا تالیف بیان می‌کند: «ما دچار روزمرگی هستیم و نویسندگان ما، تفکر پر دامنه تاریخی، فلسفی و اجتماعی ندارند و به عبارتی به تجربه نوینی در محدوده کوتاه ذهن خود می‌پردازند. در صورتی که برای نوشتن مجموعه‌ها باید به مطالعات گسترده در زمینه تاریخ، فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و... پرداخت و تناقض‌های درونی و بیرونی کودکان و نوجوانان را شناخت و گرچه نمی‌توان به ارائه آثار موفق و خواندنی روی آورد.»

اقبال زاده با اشاره به این که در سال‌های نخستین

پس از انقلاب، فضای خوبی برای نویسندگان فراهم شده بود تا به نوشتن مجموعه داستان بپردازند می‌گوید: «نویسندگان در آن سال‌ها می‌توانستند به چنین کاری بپردازند اما جنگ شروع شد و همه درگیر جنگ شدند. این چند سال آخر هم، آنقدر با مسائل اقتصادی، دست به گریبان هستند که به جای پرداختن به تجربه‌های تازه، همان تجربیات شخصی را تکرار می‌کنند. اگر چه همه رانمی‌توان با یک چوب راند و نویسندگانی هم هستند که شرایط امروز را به خوبی می‌شناسند و آنچه می‌نویسند جذاب و خواندنی است.»

ترجمه مجموعه‌ها، شناخت بیشتر

هر قدر مترجم آثار بیشتری از یک نویسنده را بشناسد و ترجمه کند، سبک و سیاق نویسنده و ظرافت‌های کارش را بهتر می‌شناسد.

محبوبه نجف‌خانی، مترجم مجموعه کتاب‌های «جودی دمدی مزاج»، «در جست‌وجوی دلتورا» و... که علاقه فراوانی به ترجمه مجموعه داستان‌های چندجلدی دارد، بر این باور است که هر قدر مترجم آثار بیشتری را از یک نویسنده را بخواند و بشناسد با سبک و سیاق او و ظرافت‌های کارش آشنا تر شده و اثری که ارائه می‌کند، خواندنی تر و جذاب تر است.

مترجم کتاب «زیردرخت زالزالک»، ترجمه مجموعه داستان‌ها را عاملی برای کم‌رنگ شدن تالیف نمی‌داند و معتقد است: ترجمه، گاهی باعث می‌شود، ژانرهای تازه‌ای پدید آید و نویسندگان مطرحی متولد شوند تا آنجا که ترجمه آثار اسکار وایلد بر هانس کریستین آندرسن تأثیر

به گفته کارشناسان بسیاری از خوانندگان اهل مطالعه، دوست دارند یک کتاب را به صورت دنباله دار بخوانند و پی بگیرد، به همین خاطر ناشران از انتشار مجموعه داستان استقبال می‌کنند

نگاهی به کتاب مبانی فلسفه اخلاق

اخلاق عملی



خواهرزاده‌ای دارم که هیچ وقت برای او اسباب بازی‌های جنگی نخریده‌اند و او یاد داده‌اند که دعوا کند. سال گذشته این پسر دوران سختی را در

کودکستان گذراند. او در خانه رفتاری از خودش نشان می‌داد که به هیچ وجه سابقه نداشت. با این که هیچ وقت از ما کتک نخورده بود، ما را می‌زد و سرمان داد می‌کشید و بیشتر از قبل گریه و زاری می‌کرد.

از اوضاع و احوال این طور برمی‌آمد که او در کودکستان حال و روز خوشی ندارد. وقتی خواهرم به یکی از مربیان [کودکستان] زنگ زد، آن خانم گفت: «چه خوب شد زنگ زدید! همین چند لحظه پیش می‌خواستیم با شما تماس بگیریم و درباره پسران حرف بزنیم. شما باید به او یاد می‌دادید که چطور دعوا کند؛ همه پسرهای دیگر دلشان می‌خواهد به جان او بیفتند و آن وقت، پسر شما می‌زند زیر گریه و بچه‌های دیگر به او می‌گویند نازک نارنجی و بیش از قبل با او دعوا می‌کنند. شما باید به او یاد بدهید که چطور دعوا کند و گر نه، وقتی پسران به

مدرسه برود وضع از این هم بدتر می‌شود.»
راوی ماجرای که خواندید زنی است اهل جمهوری خلق چین، ولی مسأله‌ای که خواهر او با آن دست به گریبان شده است، مسأله‌ای است جهان گستر که ممکن است برای من و شما هم پیش بیاید. مسأله مادر این کودک آن است که میان اعتقاداتش درباره آنچه باید به کودکان درباره خشونت آموخت و نگرش‌هایی که در مدرسه (و چه بسا در گوشه و کنار جامعه) بازتاب پیدا می‌کند گرفتار شده است. این مسأله از جنس مسائل اخلاقی است که به چگونه زیستن و سلوک ما با دیگران مربوط می‌شود.

کتاب «مبانی فلسفه اخلاق»، که ماجرای مذکور را از آن نقل کردیم، با این قبیل مسائل سرو کار دارد. این اثر، همان طور که از نامش برمی‌آید، در زمره کتاب‌های پایه‌ای می‌گردد؛ کتاب‌هایی که در هر رشته‌ای نوآموزان را با گستره و میدان عمل آن رشته آشنا می‌کند و سررشته‌هایی به دست آنها می‌دهند تا در گام‌های بعدی علایق خود را دنبال کنند.

غرض و غاییتی که در پس این کتاب‌ها نهفته است در وهله اول نه بررسی موشکافانه و مبسوط مسائل، بلکه عرضه داشتن مهم‌ترین مباحث مطرح در هر رشته است، به طوری که نوآموز بتواند از چند و چون موضوعات، روش و غایت آن رشته سر در بیاورد.

شاید بتوان گفت جامعیت کتاب از جمله ویژگی‌هایی است که آن را از سایر آثار مشابه در زبان فارسی متمایز می‌کند.

در این کتاب مهم‌ترین نظریه‌ها و رویکردهای اخلاقی در فلسفه غرب از روزگار یونان باستان تا امروز توصیف و بررسی شده است. رابرت ال. هولمز نویسنده کتاب حاضر، نظریه‌های جدید و آرای متفکران معاصر نظیر جان رالز و... را هم از نظر دور نداشته است.

با توجه به آنچه گفتیم، در مقام جمع بندی «مبانی فلسفه اخلاق» را می‌توان اثری راهگشا و بینش بخش برای دانشجویان فلسفه و سایر خوانندگانی دانست که در جست‌وجوی متنی جامع و پایه در این خصوص هستند.

می‌گذار دیاترجمه افسانه‌های برادران گریم موجب می‌شود تا کشورهای دیگر هم به جمع آوری افسانه‌های خود بپردازند.

نجف‌خانی با اشاره به این که ترجمه‌های خوب به اعتلای فرهنگ کشورها می‌انجامد، می‌گوید: «این ترجمه‌ها پسند مخاطب را بالا می‌برد. اگر چه مترجمان، شاهکارهای ادبیات جهان را برای ترجمه انتخاب می‌کنند و به باور بعضی، به یک نبرد نابرابر با نویسندگان می‌پردازند، اما به هیچ عنوان نمی‌توان از ترجمه روی گرداند.»

استقبال ناشران از مجموعه‌ها

خواننده اهل مطالعه، دوست دارد یک کتاب را به صورت دنباله دار بخواند و پی بگیرد به همین خاطر ناشران از انتشار مجموعه داستان استقبال می‌کنند.

محسن مهرآبادی مدیر انتشارات فرهنگ گستر همچنین معتقد است: «اهل مطالعه نه تنها از مجموعه سازی‌ها استقبال می‌کنند بلکه در انتظار انتشار مجلدات بعدی می‌مانند برای مثال وقتی نخستین جلد از مجموعه «در کارگاه بچه‌ها» از نقی سلیمانی منتشر شد، بچه‌ها با انتشارات تماس می‌گرفتند و زمان انتشار جلد بعدی را می‌پرسیدند چون نویسنده در هر جلد چاپ جلد دیگر را هم نوید می‌داد.»

وی با اشاره به علاقه خوانندگان به داشتن مجموعه داستان‌ها می‌گوید: «همان گونه که افرادی، علاقه مند به جمع آوری سکه، تمبر و... هستند، بعضی خوانندگان هم دوست دارند مجموعه داستان بخوانند و در کتابخانه‌های خود از این مجموعه‌ها نگهداری کنند و ناشران هم علاقه مند هستند به انتشار این مجموعه‌ها بپردازند.»

مهرآبادی، نویسنده‌ای را عامل اصلی موفقیت مجموعه داستان‌ها می‌داند و معتقد است: «نویسندگانی که به نوشتن داستان‌های مطول می‌پردازند باید ذهن کلی‌نگری داشته باشند در صورتی که نویسنده‌های ما، این نوع نوشتن را تجربه نکرده‌اند و به درستی نتوانسته‌اند ناشر را به انتشار مجموعه داستان مجاب کنند چرا که ناشران در هر حال به فعالیت اقتصادی در حوزه نشر می‌پردازند و قطعاً اگر بدانند سرمایه‌شان تامین نمی‌شود، شیوه کاری خود را تغییر می‌دهند.»



استقبال از نسخه های خطی قرآن در نمایشگاه لندن

هفته گذشته در اقدامی جالب و برای دومین بار شهر لندن میزبان آثار اسلامی بود. نمایشگاه «اسلام اکسپو» که در بخش های گوناگون در مرکز المپیک لندن برگزار شد چهار روز ادامه داشت که در آن مراکز، مؤسسات، انجمن ها، خبرگزاری ها، نشریات و شرکت های تجاری، تولیدی و خدماتی اسلامی به معرفی فعالیت ها و عرضه هنر، کالاها و خدمات خود پرداختند.

در مراسم افتتاحیه این نمایشگاه منحصر به فرد، افرادی چون «شهردار سابق لندن، سایمون هیوز نماینده مجلس عوام، محمد عبدالباری دبیر شورای مسلمانان بریتانیا و یوسف اسلام خواننده معروف مسلمان، به ایراد سخنرانی پرداختند.

ارائه آثار هنرمندان مسلمان از بریتانیا و کشورهای اسلامی در کنار عرضه و نمایش نسخ خطی قرآن و متون مختلف در زمینه تاریخ تمدن اسلامی از بخشهای جذاب این نمایشگاه بود.

در نمایشگاه اسلام اکسپو کنفرانس و میزگردهای متعددی با حضور اساتید و شخصیت های علمی مسلمان و غیر مسلمان برگزار شد.

سفارتخانه های اندونزی، سوئد و الجزایر نیز دارای غرفه های مستقلی بودند.

در بخش نمایشگاهی غرفه های بسیار گوناگون در سرتاسر نمایشگاه به خوبی بیانگر تنوع و رنگارنگی تمدن اسلامی بود که گرچه همه مسلمان و پیرو یک دین بودند اما هر کدام فرهنگ های بومی و آداب رسوم و زبان های گوناگون و شیوه زندگی و هنر و فرهنگ غذایی ویژه خود را داشتند.

محاکمه بوش در کتاب های تازه

هفته گذشته بی شک یکی از جدی ترین هفته های انتقاد به سیاستهای دولت بوش در رسانه های امریکا بود به گونه ای که کار به کتابها و عرصه نشر نیز کشیده شد.

روزنامه های امریکایی و کانادایی در گزارشهایی انتقادی با اشاره به جنایات دولت بوش و سکوت رسانه های غربی در برابر جنگ عراق و افغانستان، با اشاره به کتاب جدید دادستان پیشین لوس آنجلس با عنوان «ش شکایت از جورج دبلیو بوش به خاطر آدمکشی از جامعه بین المللی خواسته شده است تا با محاکمه دولت بوش وی را مورد پیگرد قانونی قرار دهند.

وینسنت بوگلیوسی دادستان با سابقه لوس آنجلس که صدها پرونده مهم قتل را در سال های گذشته در این ایالت بررسی کرده، از نویسندگان آثار پر فروش جنایی است که به تازگی با انتشار کتاب «شکایت از جورج دبلیو بوش به خاطر آدمکشی رئیس جمهور امریکا را به خاطر کشتار سربازان امریکایی در عراق متهم کرده است. او که تاکنون سه کتاب پر فروش نوشته و سه بار نیز جایزه ادگار آلن پو را برای آثارش دریافت کرده است، پیش از این در کتابی مفصل (در ۱۶۱۲ صفحه) به بررسی قتل کندی رئیس جمهور سابق امریکا پرداخته است.

از کتاب «دادخواهی از جورج دبلیو بوش به خاطر آدمکشی» که در اواخر ماه می منتشر شد، تاکنون ۱۳۰ هزار نسخه به فروش رسیده است.

این کتاب با سرمایه انتشارات «ون گارد پرس» منتشر شده و هفته گذشته، در لیست کتابهای پر فروش امریکا قرار گرفت.

نویسنده این کتاب معتقد است که دولتمردان بوش قصد دارند تا از کنار جنایات و دروغگویی دولت بوش بدون هیچ کاشی بگذرند.

وی ادامه می دهد که این افراد قصد دارند خشونت بوش را که با جنگ های غیرقانونی و نقض آشکار



تمام قوانین بشری و کنوانسیون های ژنو همراه شده است را نادیده بگیرند.

در بخشی از این گزارش آمده است که اظهارات جان یو که گزارش هایی برای توجیه شکنجه نوشته است و عملا قدرت نامحدود رئیس جمهور امریکا را قانونی جلوه می دهد، نشان دهنده انحطاط اخلاقی در سطوح بالای قدرت در دولت امریکاست.

نویسنده این کتاب می گوید که این انحطاط منجر به اعمال جنایات وحشتناک در زندان ابوغریب عراق و زندان هایی در افغانستان و خلیج گوانتانامو و بسیاری از زندان های پنهان امریکا معروف به «سیاه چال» در دیگر کشورهای جهان شد.

این در حالی است که لارنس ویلور رئیس دانشکده

حقوق ماساچوست امریکا نیز با انتقاد از بوش و دیگر مقامات بلندپایه دولت وی، خواستار محاکمه آنها به دلیل ارتکاب جنایات جنگی شد.

معرفی داستان جنایی برتر در انگلیس

هفته گذشته داستان جنایی سال انگلیس نیز معرفی شد.

«همدردی با گرگ ها» نوشته استف پنی در حالی برنده جشنواره داستان های جنایی شد که این جشنواره هر ساله در انگلیس برگزار می شود و پر فروش ترین کتاب های جنایی در آن به نمایش گذاشته می شوند. این جشنواره که با استقبال خوانندگان از سراسر جهان قرار می گیرد، با رقابت جالبی همراه است. یکی از برنامه های جشنواره

روی قفسه ها

هفته گذشته رمان «نشانه» نوشته نورا روبرت پس از ماه ها عرضه به ناگاه در صدر جدول کتاب های پر فروش امریکا قرار گرفت.

فرزند یک بازیگر مشهور هالیوودی به نام ژانت هاردی است که ۳۰ سال پس از مرگ مرموز مادر بزرگش برای پس گرفتن مزرعه و خانه او به ویرجینیا سفر می کند تصمیم می گیرد این خانه را از ویرانی و نابودی نجات دهد. در همین هنگام، در اتاق زیر شیروانی خانه، تعدادی نامه بدون امضا از مادر بزرگش می یابد که نشان از عشقی نافرجام دارد و بی ارتباط با مرگ پر رمز و رازش نیست.

آخرین وطن پرست داستانی از براد تور که در صدر جدول قرار داشت، هفته گذشته نیز خوب فروخت. داستان این کتاب با انفجار بمبی در بیرون یک کافه پاریسی شروع می شود. اسکات هاروات مامور ویژه امنیتی با پیگیری ماجرا، یک راز قدیمی را کشف می کند. دومین بار است که نام این کتاب در جدول پر فروش ها دیده می شود.

«میزبان» به قلم استفانی میر چون هفته های قبل در جدول پر فروش ها دیده می شود و هفته گذشته نیز در لیست قرار گرفت. در این کتاب، موجودات فضایی به زمین حمله می کنند و بر ذهن و روح میزبانان خود یعنی انسان ها مستولی می شوند در حالی که جسم آن ها دست نخورده باقی می ماند. بیشتر افراد زمینی تسلیم فضایی ها می شوند، ولی در این میان زنی به نام «ملانی استرایدر» مقاومت می کند و اجازه نمی دهد این میهمانان ناخوانده بر ذهن او مسلط شوند یا آرزوهای او را به سرقت ببرند. این رمان برای دهمین بار است که در لیست پر فروش ها دیده می شود.

اعطای جایزه به بهترین داستان جنایی سال است که طی مراسم خاصی صورت می گیرد. ۲۰ داستان جنایی منتشر شده از سوی خوانندگان به عنوان نامزدهای نهایی جایزه انتخاب شده که سرانجام یکی از آنها با کسب بیشترین آراء از سوی خوانندگان کشورهای انگلیسی زبان به عنوان رمان جنایی سال انتخاب می شود.

جهان واقعی امریکایی ها

کتاب جهان واقعی نوشته ناتسو کرینو نویسنده پنجاه و هفت ساله ژاپنی که به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه و در بازار نشر امریکا عرضه شده است مورد استقبال مخاطبان امریکایی قرار گرفته است.

رمان «جهان واقعی» نوشته ناتسو کرینو نویسنده ژاپنی که مورد توجه رسانه های امریکایی قرار گرفته است، داستان جنایات یک نوجوان ژاپنی را روایت می کند. این کتاب با کشتن یک مادر شروع می شود. یک دانش آموز چهارده ساله در سال ۱۹۹۷ با نام مستعار ساکاکیبارا سیتودست به جنایت های مختلفی می زند. زندگی نوجوان های ژاپنی، اعتیاد به الکل پدران ژاپنی، جنایت و خیانت همه و همه از مهم ترین موضوعاتی است که در این رمان مورد توجه قرار گرفته است.

ناتسو کرینو یکی از رمان نویسان مطرح در ادبیات پلیسی امروز ژاپن است که بیشتر به خاطر نوشتن رمان «بیرون» معروف است. این کتاب در سال ۱۹۹۷ بزرگترین جایزه ادبیات پلیسی ژاپن را از آن خود کرد و در سال ۲۰۰۴ به انگلیسی ترجمه شد و در لیست نهایی نامزدان جایزه ادگار قرار داشت.

از روی بعضی از رمان های ناتسو کرینو نیز فیلم ساخته شده است.

در گذشت دو نویسنده فرانسوی زبان

هفته گذشته گاستون کومپر نویسنده بلژیکی در سن هشتاد و چهار سالگی درگذشت. کومپر رمان هایی چون «من، لویی ششم» و «هندسه غیبت» را نوشته بود.

این نویسنده همچنین به موسیقی علاقه داشت و در سبک نویسندگی خود بسیاری از الهامات موسیقایی استفاده کرده است. وی همچنین در ادبیات به شعر، رمان و نمایشنامه علاقه داشت و در همه این زمینه ها آثاری را منتشر کرده است.

کومپر پیش از این در سال ۱۹۷۸ جایزه ادبی روسل را به خاطر رمان «پرتله پادشاه مهجور» از آن خود کرده و همچنین در سال ۱۹۸۸ جایزه بزرگ بین المللی زبان فرانسه از سوی موسسه بین المللی نویسندگان فرانسوی زبان به گاستون کومپر اهدا شده بود.

این در حالی است که ژاک ایزو شاعر مطرح فرانسوی نیز هفته گذشته درگذشت.

ژاک ایزو نویسنده و شاعر مطرح فرانسوی که هفته گذشته در سن ۷۲ سالگی بر اثر حمله قلبی از دنیا رفت، پیش از ۵۰ اثر را در کارنامه داشت، سال ۱۹۳۶ به دنیا آمد.

اولین مجموعه اشعار وی در سال ۱۹۶۲ با عنوان «زردای فقر» منتشر شد و در همین دهه با انتشار چند دفتر شعر به یکی از شاعران سرشناس فرانسه تبدیل شد. او علاوه بر شعر در عرصه نقدنویسی هم فعال بود اما بیشتر عمر خود را وقف سرایش کرد.

ایزو جوایز مختلفی را کسب کرد که از جمله آنها می توان به جایزه شعر مالارمه از سوی آکادمی مالارمه در سال ۱۹۷۹، جایزه انجمن مردمی نویسندگان، جایزه آلن باکر، جایزه شعر ترنا اشاره کرد.

از سایر آثار ژاک ایزو می توان به «هفت سال خواب»، «آبی و غبار»، «تفاوت»، «منبع آتش سوزان»، «ولگردان کوچک» و «سفر در زیر پوست» اشاره کرد.



روایت اول شخص

نامه نمایش

دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی؛ استاد هنرهای نمایشی

هم اکنون دو کتاب آماده انتشار از سوی مرکز هنرهای نمایشی است و تصور می‌کنم طی چند ماه آینده این دو کتاب تحلیلی - پژوهشی روانه بازار شود.

کتاب اول با عنوان ادبیات نمایشی اسپانیایی از آغاز تا دوره رنسانس، برگردان و تفسیر نمایشنامه زندگی یک رویاست اثر پدرو کالدون دولا بارکا نمایشنامه نویس برجسته قرن هفدهم اسپانیا و معاصر شکسپیر را نیز به همراه دارد.

درباره رویکرد این کتاب نیز باید به مطالعات ادبیات اسپانیایی ارجاع دهیم که اساس ادبیات نمایشی اسپانیا از آغاز (قرون وسطی) تا اواخر رنسانس به عنوان عصر طلایی ارزیابی می‌شود و در دوره دوم از اواخر رنسانس تا پایان حکومت ژنرال سیمو و به قدرت رسیدن فرانکو به عنوان دوره دوم و سرانجام پس از مرگ فرانکو و به سلطنت رسیدن شاه خوان به عنوان دوره سوم یاد می‌شود.

در این کتاب عصر طلایی (دوره نخست) ادبیات نمایشی اسپانیا را مورد بحث و بررسی قرار داده‌ام. البته باید عنوان کنم که مطالعه عصر طلایی با دشواری‌های خاص خودش همراه بود. چراکه اساساً این دوره منابع زیادی وجود ندارد و پژوهشگر ناگزیر از ترجمه است.

این پژوهش در اصل گردآوری، تحلیل و برگردان منابع کم‌شمار عصر طلایی به فرجام رسیده که بخش عمده‌ای از آن شامل دوره حضور اسلام در آن جغرافیا است. البته امیدوارم بتوانم به دوره دوم و سوم ادبیات نمایشی اسپانیا در ادامه همین کار بپردازم. کتاب بعدی بررسی نمایشنامه‌های "ووله شوی اینکا" نمایشنامه نویس بزرگ نیجریایی برنده جایزه نوبل ادبیات ۱۹۸۸ است که با برگردان نمایشنامه تبار نیرومند از این نمایشنامه‌نویس همراه شده است.

شوی اینکا را شکسپیر سیاه خوانده‌اند به طوری که دو نمایشنامه تبار نیرومند و رقصی از جنگل‌ها نه تنها از شاهکارهای ادبیات نمایشی آفریقا بلکه جزو ابرکارهای نمایشی در جهان به شمار می‌روند.

نظریه تعهدات

دکتر سید مصطفی محقق داماد؛ دین پژوه

مرکز نشر علوم اسلامی در تدارک است تا در آینده‌ای نه چندان دور کتاب نظریه عمومی مشروط در حقوق اسلامی مرا روانه بازار کند. در این کتاب نظریه تعهدات در حقوق اسلامی را با نظام‌های حقوقی معاصر مقایسه تطبیقی کرده‌ام و در خلال این بررسی نکات جدیدی که می‌تواند در پویایی مباحث حقوقی و فقهی اسلامی اثرگذار باشد طرح و نظریه‌ای جدید در این حوزه ارائه کرده‌ام.

علاوه بر این کتاب، مترصد فرصتی هستم تا سلسله مقالات این سال‌ها را که در مجله حقوق دانشگاه شهید بهشتی منتشر شده بودند را در هیئت کتابی تنظیم و با افزوده‌هایی منتشر کنم. بخش عمده‌ای از این کار آماده است و تنها باید آنها را تنظیم و ویرایش کنم. در مورد انتشار این مجموعه مقاله که محوریت اصلی آن تحولات اجتهاد شیعی است هنوز با ناشر خاصی صحبت

نکرده‌ام، اما به احتمال قریب به یقین با انتشارات دانشگاه شهید بهشتی توافق خواهیم کرد.

در اثر حاضر سعی شده تا طی سلسله مقالاتی با تمرکز بر بحث سیر تطور اجتهاد در تشیع، مکاتب، حوزه‌ها و روش‌های پژوهشی آنها معرفی و مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

انتشارات موسسه اطلاعات نیز همین روزها مجلد دوم کتاب روشنگری دینی مرا که بحث الهیات و طبیعت را در راس تمرکز

قرار داده روانه بازار کند. در مباحث این مجلد نگاه قرآن کریم به طبیعت مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

گزارش به سبک امروز

دکتر محمد مهدی فرقانی؛ استاد ارتباطات

چندی پیش با پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم درباره نگارش کتابی تحت عنوان گزارش نویی برای مطبوعات قراردادی بستیم. پس از آن که مباحث مد نظر در اثر حاضر گردآمد، احساس کردم باید یک بازبینی کلی روی کتاب برای تحویل به پژوهشکده صورت دهم. این بازبینی موجب شد تا مباحث جدیدی به این اثر بیفزایم تا مخاطب با جدیدترین شیوه‌های گزارش نویی در جهان نیز آشنایی پیدا کند. پیش‌نویس چند فصل افزوده شده به کتاب نظیر روزنامه‌نگاری تحقیقی و... آماده شده و منتظر فرصتی هستم تا کار را با هیئت علمی تر و روزآمدتر سامان داده و تحویل ناشر بدهم و احتمال می‌دهم تا پایان سال جاری اثر حاضر منتشر شود.

ارتباط با رسانه‌ها از مباحثی بود که در ایران ابتدا با جزوه‌ای به تحقیق و نگارش بنده مطرح و به عنوان یک منبع و متن درسی مورد توجه دانشجویان رشته‌های ارتباطات و روابط عمومی قرار گرفت. با گذشت چندین سال از نگارش آن جزوه درسی، با دکتر مهدخت بروجردی در تدارک نگارش و سامان دادن به یک اثر جامع در این حوزه هستم تا علاوه بر طرح مباحث علمی، برای دست‌اندرکاران روابط عمومی کارآمد باشد چرا که اساساً مخاطب اصلی این کتاب فعالان حوزه روابط عمومی است تا مگر بتوان از ظرفیت بالقوه مطبوعات برای اطلاع‌رسانی موسسات و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی استفاده حداکثری کرد.

در این طرح علاوه بر تحلیل شاخصه‌های اثرگذاری و اثرپذیری مطبوعات و روابط عمومی‌ها، نیازها، مقتضیات کار و انتظارات موجود دو طرف نیز مورد بحث قرار گرفته است.

دانش در سده معاصر

دکتر حسین معصومی همدانی؛ مترجم و ویراستار

دانش معاصر عنوان کلی مجموعه کتاب‌هایی است که بنده و دکتر محمد خواجه‌پور به عنوان ویراستار بر انتشار آن در انتشارات فرهنگ معاصر نظارت داریم.

از این مجموعه تاکنون شش جلد روانه بازار شده و قرار است پنج مجلد دیگر (البته تاکنون) نیز به آن اضافه شود.

مجلدی که انتشار آن در طی چند هفته آینده محتمل است، عنوان "فلسفه علم" را بر خود خواهد داشت. این کتاب اثری است از سمیرا و کاشا که مقدمه‌ای جالب و عمیق بر فلسفه علم محسوب می‌شود.

این مجلد توسط آقای هومن پناهاننده به فارسی برگردانده شده و من به همراه دکتر خواجه‌پور آن را ویراستاری کرده‌ایم.

کتاب بعدی با عنوان "نظریه کوانتومی" اثری است از پل کینگورن که کار برگردان آن بر عهده خودم بوده است و...

هدف اصلی گروه مترجمان این مجموعه و ناشر ارائه آثاری علمی و در عین حال ساده به عنوان مدخل ورود به دانش‌های مختلف عصر حاضر برای علاقه‌مندان بوده است.

علاوه بر این مجموعه، یک کار سه جلدی دارم که قرار است از سوی نشر هرمس منتشر شود و طبعاً انتشار آن به دلیل حجم کار به طول خواهد انجامید. این مجموعه با عنوان "تاریخ علم در تمدن اسلامی" زیر نظر رشدی راشد، تاریخ‌پژوه برجسته مصری صورت گرفته و روایتی است از دوران رونق علم در جهان اسلام (از ابتدا تا قرن هفتم).

مجموعه‌ای دیگر از مقالاتم را نیز تحویل همین ناشر داده‌ام که یک مجلد آن با عنوان فرعی و فصلی "پژوهش‌هایی درباره فخر رازی" چهار مقاله درباره این عالم برجسته مسلمان را از خود گردآورده است. محوریت اصلی مقالات این کتاب بررسی رابطه دیدگاه‌های کلامی، فلسفی و علمی فخر رازی است.

در مجلد بعدی این مجموعه بیست مقاله با محوریت تاریخ علم

و اندیشه در جهان گردآمده است. در این مجموعه مسائل کلی تاریخ علم و اندیشه‌های علمی را تشریح و واکشافی کرده‌ام.

درمان چاقی

دکتر محمدعلی رجیبی؛ پزشک

نشر کوشنده (اصفهان) به زودی آخرین پژوهش من در حوزه علوم پزشکی را با عنوان "چاقی و درمان آن با جراحی" روانه بازار خواهد کرد.



بهزاد ناظرزاده کرمانی



فرهاد ناظرزاده کرمانی

چاقی و عوارض آن در ردیف مهم‌ترین مشکلات سلامتی بشر در قرن حاضر است و در اغلب مرگ و میر ناشی از بیماری‌های قلبی - عروقی، انواع سرطان‌ها، دیابت و... این عامل نقش مهمی دارد. در این کتاب تلاش کرده‌ام علایم چاقی را معرفی و عوارض، بیماری‌های ناشی از آن، راه‌های کنترل وزن و درمان‌های دارویی و سرانجام درمان با جراحی را بر اساس آخرین یافته‌های علم پزشکی شرح دهم. البته باید عنوان کنم که سعی شده تا علاوه بر وجه کاربردی برای بیماران، به لحاظ علمی پاسخگوی نیازهای پرستاران، دانشجویان پزشکی و پزشکان باشد.

قصه‌ای با طعم ترنج

بلقیس سلیمانی؛ داستان نویس

پس از انتشار مجموعه داستان "بازی عروس و داماد" از سوی نشر چشمه در این مدت یک رمان نوشته‌ام که قرار شده تا به عنوان حلقه دیگری از سه گانه بازی که مجلد اولش با نام بازی آخر بانو منتشر شد، از سوی نشر ققنوس روانه بازار شود.

در این رمان که عنوان "خاله بازی" را روی جلد دارد این بار به گروه‌های سیاسی پس از انقلاب پرداخته‌ام.

البته برخلاف ادعای برخی از خبرگزاری‌ها که از قول من داستان‌هایم را مدعی فمینیسم معرفی کرده‌اند باید بگویم که در داستان‌هایم، رویکرد فمینیستی ندارم؛ بلکه به طور طبیعی، شخصیت‌های داستان‌هایم در همه قصه‌ها تنها هستند و این تنهایی را بیان می‌کنم. از سویی نیز به دلیل این که زن‌ها را می‌شناسم، به تبیین مشکلات و معضلات آن‌ها می‌پردازم در این رمان نیز هویت زن در کانون توجه من بوده است. رمان فضایی دوگانه دارد و بخشی از اتفاقات آن در تهران و بخش‌هایی هم در روستاهای اطراف کرمان می‌گذرد.

یک رمان هم در دست نگارش دارم که هنوز عنوان مشخص و قطعی ای ندارد و فعلاً نام "نارسیده ترنج" را (که از داستان رستم و سهراب "شاهنامه" فردوسی برگرفته شده) برایش انتخاب کرده‌ام.

احیای حکمت اشراق

دکتر بابک عالیخانی؛ پژوهشگر فلسفه اسلامی

کار عمده من در موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تحقیق متن‌شناسانه و تحلیلی زمینه عرفان اشراقی در ایران باستان است.

عموماً دو نگاه کلی به متون ایران باستان وجود دارد. اولین نگاه رسمی استشرافی شرق‌شناسان است که دیدگاه‌های خاص خودشان را دارند اما در این میان نگاه دیگری نیز به این متون وجود دارد که درون‌کاوانه‌تر به آثار و کتاب‌های عرفانی ایران باستان نظر دارد.

هدف اصلی این پژوهش در اصل احیای حکمت اشراقی است که البته سامان یافتن و انتشار آن به این زودی میسر نخواهد شد، چراکه اساساً بیان دگرگونه از فلسفه اشراقی نیازمند تلاش مضاعف و بررسی تمام ابعاد آن است.



سیدمصطفی محقق داماد



حسین معصومی همدانی